هفت صبح

ویژه آخر هفته

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی ایران
پنجشنبه | ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳
۱۶ صفحه
شماره ۳۷۷۳
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

H A F T - E - S O B H D A L

سال رمانس‌های دلهره‌آور و پولشویی‌های عارفانه

و کمی هم درباره سردرگمی شنبه‌های نیمه‌تعطیل و مهرورزی مشاهیر سینما

● مرگ به سراغ آلیس مونرو هم آمد / نقطه پایان راوی قصه‌های انسان‌هایی که در حاشیه زندگی، زندگی می‌کردند ● مرد بداقبال چشم آبی / قصه‌های گمشده ● اگر طلا می‌خرید حواستان باشد / بعد از توافق اولیه بین طلافروشان و دولت حالا نوبت به شفاف شدن مالیات مشتری‌ها رسیده است ● راهنمای لباس پوشیدن به سبک نابغه‌ها / چطور استایلی شبیه به زاکربرگ، بیل گیتس یا استیو جابز داشته باشیم؟ ● باند مخوف سارقان خشن منازل شهر / پنج پرونده عجیب دزدی از خانه‌های شهروندان با چاشنی خشونت ● این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید

کدام ماشین‌ها برای زنان مناسب است؟

خودروهایی در بازار ایران که می‌توانند باب طبع خانم‌های راننده باشد صفحه ۰۵ رابخوانید

فانتزی بازها و قلدرها

۱۲۰ فوتبالیست برتر تاریخ صفحه ۱۳

آنها با یورو می‌دوند

گزارشی از سرمایه‌گذاران پنهان هفت غول اروپایی

در بسته آخر هفته بخوانید:

● **محمد و جلال و احسان و بقیه خانواده**
نگاهی به پنج عضو خانواده رسول‌اف؛ از بانکدار مشهور تا کارگردان و سرمایه‌گذار گردشگری

● **موهبت دوگانه آزاده**
درباره نقش آفرینی های جدید خانم صمدی

● **تسلیت به «ماه‌عروس»، تبریک به «شاه‌داماد»**
یادداشت‌هایی خواندنی از ابراهیم افشار، نادر نامدار، سارا غضنفری، مهدی افخمی، حمید رستمی

● **والدین خوب تمام ماجراست**
شوخی‌ها و طنازی‌های شبکه‌های مجازی در هفته گذشته

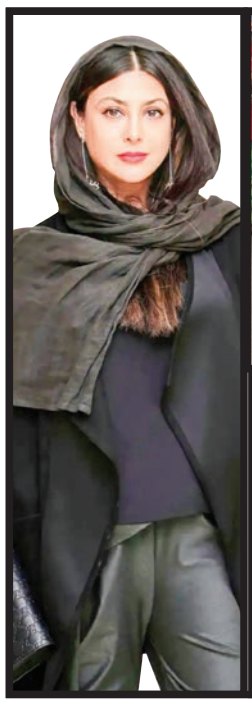
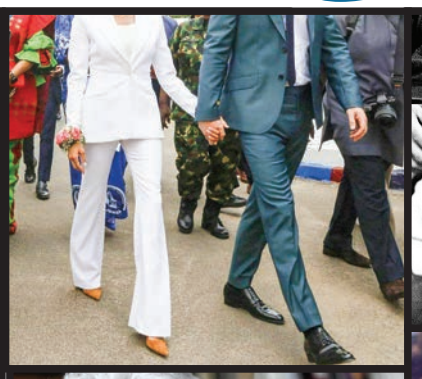

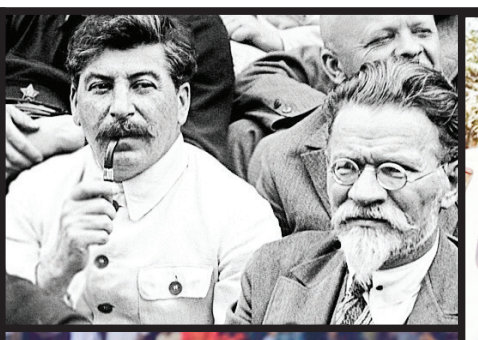

شنبه دیگر اول هفته نیست!

با تصمیم مجلس، تعطیلات هفته تغییر کرد / حالا تکلیف شرکت‌های خصوصی و بانک‌ها چه می‌شود؟ راستش جوابش را خیلی دقیق نمی‌دانیم؛ هیچکس نمی‌داند!

نگین باقری | دیروز پرونده تعطیلی پنجشنبه یا شنبه بسته شد. اکثر نماینده‌های مجلس رای دادند که پنجشنبه نه، اما شنبه‌ها تعطیل شود؛ البته این تعطیلی رسمی نبوده و قرار نیست رنگ آن در تقویم قرمز شود. حالا شنبه‌ها کدام سازمان‌ها تعطیل می‌شوند؟ به این سوال در لایحه مجلس جواب داده شده.

این پیشنهاد اول از سمت دولت مطرح شد که قانون تعطیلات را اصلاح کنیم ولی اشاره‌ای نکرد که این روز، پنجشنبه باشد یا شنبه. در این مدت لایحه در دست کمیسیون اجتماعی مجلس بود و پیشنهاد تعطیلی شنبه را مطرح کرد. دیروز یک بار پیشنهاد دولت و بار دیگر پیشنهاد کمیسیون اجتماعی به رای گذاشته شد. در رای‌گیری اول پیشنهاد تعطیلی پنجشنبه رای نیاورد. در رای‌گیری بعدی که نظر نماینده‌ها درباره تعطیلی شنبه‌ها پرسیده می‌شد از ۲۱۶ نفر، ۱۳۴ نفر رای مثبت به آن دادند و اینطور شد که «شنبه» رای آورد. دیروز درباره ساعت کاری کارمندان هم تصمیم نهایی گرفته شد و اگر شورای نگهبان تایید کند همه آنها اجرایی خواهند شد. یکی از نماینده‌ها گفته احتمالا در این صورت آخر خرداد ماه تعطیلی شنبه‌ها اجرایی می‌شود.

تغییرات این مصوبه در زندگی ما می تواند آنقدر عجیب و غریب باشد که از همین حالا دلهره گرفته‌ایم. واقعا الزامی بود؟

بانک‌ها شنبه‌ها باز هستند؟

بله. طبق لایحه‌ای که دولت نوشته و مجلس اصلاح کرده این تعطیلی فقط شامل دستگاه‌های اجرایی دولت، دستگاه‌های ستادی و استانی می‌شود. یعنی وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌های دولتی، ادارات و دستگاه‌های تابعه دولت (مثل موسسه استاندارد و شرکت دخانیات برای وزارت صمت) و سازمان‌های استانی (مثل اداره مالیات هر استان).

کدام سازمان‌ها استثنا در نظر گرفته شده‌اند و شنبه‌ها باید باز باشند؟ واحدهای ذی‌ربط بهزیستی، بانک‌ها، بیمارستان‌ها، مراکز بهداشتی- درمانی، اماکن ورزشی و واحدهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی.

یعنی شما آخر هفته را با یک روز کاملا تعطیل شروع می‌کنید و بعد به یک شنبه نصفه و نیمه می‌رسید!

بخش خصوصی تعطیل است؟

نایب‌رئیس مجلس توضیحی داده که به این سوال پاسخ می‌دهد. طبق قانون جمعه تعطیل رسمی ماست و شنبه فقط برای آنهایی تعطیل است که ساعت کاری موظفی دارند. در نتیجه برخی شرکت‌های خصوصی ملزم به تعطیل کردن نیستند.

به‌جز این ۲۱۶ نفری که به تعطیلی شنبه‌ها رای دادند یک نامه با امضاهای مهم ۳۶ تشکل اقتصادی هم وجود داشت که وزن کفه شنبه را سنگین‌تر می‌کرد. آنهایی که مخالف شنبه‌ها بودند، اعتقاد داشتند که اولا این کار برخلاف دستورات دینی است و دوما تصویب آن غرب‌گرایی است. برای همین هم محسن پیرهادی، نماینده تهران گفت از دفتر آیت‌الله جوادی آملی استفتا گرفته که رای ایشان هم مثبت بوده.

روزی نیم ساعت کمتر

بخش دیگر از تصمیم‌های مهم مجلس این بود که ساعت کاری، ۴ ساعت در کل ماه کمتر شود. یعنی روزی ۸ ساعت کار کنند که می‌شود هفته‌ای ۴۰ یا ماهی ۱۷۰ ساعت. مجلس بندی هم اضافه کرده که نباید به‌خاطر این ساعت کاری حقوق کسی کاهش پیدا کند.

چه کسی کمتر کار می‌کند؟

هر قانونی درباره تعطیلی جمعه و شنبه گفته شد در مورد ساعت کاری هم اعمال می‌شود. یعنی این کاهش ساعت کاری شامل تمام کارمندان دولتی و وابسته به دولت می‌شود اما چند استثنا هم وجود دارد: ساعت کاری اساتید و معلمان در این دسته قرار نمی‌گیرد. همچنین کارمندانی که زیر نظر نهاد رهبری کار می‌کنند هم شامل این تغییر نمی‌شوند.

شناور شدن ساعت کاری مدارس و دانشگاه

این ماده‌ای که مجلس اصلاح کرده یک بخش دیگر هم دارد. حالا که به‌خاطر آلودگی هوا، کمبود انرژی یا حوادث غیرمترقبه مدارس و دانشگاه‌ها تعطیل می‌شوند، باید سقفی که برای ساعت کاری آنها در نظر گرفته می‌شد شناور شود.

ساعت کاری زن‌ها کم شد؟

یک پیشنهاد دیگر نماینده‌ها در فرایند اصلاح این قانون روز یکشنبه بررسی شده بود. در این روز نماینده تبریز گفته بود با نماینده‌های زن هم صحبت کرده و پیشنهاد می‌دهد که ساعت کاری زن‌های کارمند متاهل به‌جای ۴۰ ساعت در هفته، بشود ۲۰ ساعت. اعضای مجلس درباره این پیشنهاد هم رای‌گیری کردند و پیشنهاد این نماینده رای نیاورد.

اصلاح این لایحه دیروز تصویب و برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. بعد از تأیید این شورا لایحه تعطیلی‌ها به قانون تبدیل خواهد شد.

ستون پنجشنبه
دکتر امیررضا مافی

هیچچی نبودن!

یک‌بار وقتی پانزده ساله بودم، با معلمم درباره این حرف زدم که نمی‌خواهم شبیه بقیه شاگردزرنگ‌های اول دبیرستان، بروم رشته ریاضی‌فیزیک و دلم می‌خواهد هنر بخوانم یا علوم انسانی. اما ناگهان عده زیادی از فامیل و دوست و آشنا در مجالس مختلف دوره‌ام کردند که تو مگر خنگی؟ مگر ناتوانی در مهندس شدن؟ بچه‌های درس‌نخوان می‌روند علوم انسانی، و هنر هم فقط در هنرستان‌ها وجود دارد و اگر دیپلم سه ساله بگیری، در دانشگاه باید بروی سراغ کنکور کاردانی و.... آن‌ها آن‌قدر موضوع رفتن یک شاگرد نسبتاً زرنگ به رشته ریاضی را بدیهی می‌دانستند که اصلاً مهم نبود خودش چه فکری می‌کند. با معدل نوزده از اول دبیرستان انتخاب رشته کردم به ریاضی و کابوس سال دوم در یک مدرسه جدید آغاز شد. من نه ریاضی را می‌فهمیدم، نه هندسه و نه فیزیک. تمام وجودم میل به خواندن ادبیات و آشنایی با فلسفه بود و بی‌وقفه زیر میز در حال خواندن رمان‌های شاهکار جهان بودم. همان یکی دو ماه اول، در میان امتحانات داخلی، ریاضی را سه و هفتادوپنج صدم شدم و همه افتخار شاگرد اول بودنم در سال‌های قبل فروریخت. این یک بحران بود، استاد گرفتم و قبل از امتحان بعدی، کلی تمرین کردم و رفتم پیش معلم که آن دفعه اشتباه شده و حالا که تمرین کردم، نمره جدید را ملاک بگیر. هفته بعد سر کلاس ریاضی، آقای ولایی آمد و نمره‌ها را یکی‌یکی خواند و برگه‌ها را تحویل داد. نفر آخر من بودم. شروع کرد خندیدن. گفت: «این آقای مافی. امتحان قبلی رو سه و هفتادوپنج شده، رفته معلم گرفته، جبران کنه، الان شده یک و نیم.» کلاس منفجر شد و جهان مانند آوار بر سرم خراب. من واقعاً زحمت کشیده بودم، اما گویا، فهمی از ریاضی نداشتم. برایم مسجل شد که اشتباهی آمدم و شبیه دیگران و استاندارد روز بودن، مهم‌ترین خطای من و اطرافیانم است. خودم را بیشتر غرق خواندن کتاب‌های خودم کردم. در هندسه هم که معلمش همان معلم ریاضی بود، نمره‌های درخشانی داشتم و مدام تحقیر می‌شدم. سر کلاس بعد از امتحانات ترم اول، معلم گفت: «تو دراز بدقواره! هیچ‌وقت هیچچی نمی‌شی.» و این را مدام تکرار کرد. در فیزیک هم وضع بهتری نداشتم و پایان سال، برای اولین‌بار با سه تجدیدی، کارنامه‌ام را تحویل گرفتم و همان لحظه به این تصمیم رسیدم که می‌روم سراغ علوم انسانی. درس‌های تخصصی دوم دبیرستان علوم انسانی را در شهریورماه امتحان دادم و قبول شدم و سال سوم رفتم مدرسه جدید. تنها مدرسه‌ای که در منطقه رشته علوم انسانی داشت. شصت نفر در کلاس. فرهنگ‌های متفاوت و متنوع. اوضاع درسی خراب‌تر. کتاب خواندن بیشتر. چنان اوضاع بد بود که پیش‌دانشگاهی رفتم شبانه و دیگر برای همه روشن بود که من تباه شدم و به قول آقای ولایی «هیچچی نمی‌شم.» همان سال در بازار هم مشغول کار شدم و کتاب بی‌وقفه در دستم. من راهم را پیدا کرده بودم، اما راه من شبیه دیگران نبود. کنکور دادم و حقوق دانشگاه کرج قبول شدم و فلسفه دانشگاه آزاد. همان‌ها که دوره‌ام کرده بودند برای اینکه بروم ریاضی، دوباره سر و کله‌شان پیدا شد و اصرار که باید بروی حقوق که آینده شغلی دارد. اما من که چند سال درگیر فلسفه بودم، یک تنه ایستادم و گفتم می‌خواهم فلسفه بخوانم. پدرم هم پشتم درآمد که هر چه می‌خواهی برو و من بر خلاف معیارهای عمومی رفتم سراغ درسی که خودم دلم می‌خواست و دانشجوی همیشگی فلسفه باقی ماندم. خودم را با علاقه‌مندی‌های کودکی‌ام، یعنی ادبیات و سینما توسعه دادم و تا حدودی رشد پیدا کردم. سال‌ها بعد که با اصرار بسیار به یک دانشگاه غیردولتی دعوت شدم و از سر تعارف پذیرفتم تا یک ترم تدریس کنم، در اتاق اساتید، هفته سوم، آقای ولایی را دیدم که او هم ریاضی عمومی به دانشجوها می‌گفت. مرا نشناخت. جلو رفتم، خودم را معرفی کردم. خاطرش آمد. خندید و گفت: «فکر نکن خبریه! تو هنوز هم هیچچی نیستی.» خندیدیم. من خوشحال بودم که مسیر خودم را رفته بودم و شاید در معیار عمومی هنوز هیچچی نبودم.

خبر یک

آخرین اخبار از سیل مشهد

سرپرست اداره کل مدیریت بحران استانداری خراسان رضوی گفت: سامانه بارشی تا شامگاه یکشنبه در استان ادامه دارد، بنابراین توصیه می‌کنیم مردم علاوه بر مناطق کوهستانی و تفرجگاهی از تردد غیرضروری داخل شهر نیز خودداری کنند.

۲ جنازه در سیلاب پل انقلاب مشهد و دونفر در نزدیکی بلوار سیدی پیدا شده اند. تعداد خودروهای گرفتار در زیر آب مشخص نیست و همچنان همکاران در حال جستجو هستند.

وحید باخدا در گفت‌وگو با ایسنا در خصوص سیلاب پل انقلاب اظهار کرد: دو جنازه در سیلاب پل انقلاب پیدا شدند. تعداد خودروهای گرفتار در زیر آب مشخص نیست و همچنان همکاران در حال جستجو هستند. وی بیان کرد: حدود ۱۰۰ غواص و نجاتگر سازمان آتش‌نشانی به همراه ۵۰ دستگاه خودرو در پل انقلاب درگیر عملیات بوده و همکاران ما بسیار درگیر هستند.

مدیر روابط عمومی آتش‌نشانی مشهد عنوان کرد: از ابتدای بارش تاکنون ۲۲۰ مورد اعلام حادثه مرتبط با بارندگی داشتیم. رضا عباسی در گفت‌وگو با ایسنا در خصوص آخرین وضعیت مشهد پس از بارش اظهار کرد: میزان بارش در مشهد بسیار قابل‌توجه بود. در همین مدت کوتاه تقریبا ۳۸ میلی‌متر بارندگی داشتیم.

وی افزود: این بارندگی موجب آب‌افتادگی در زیرگذر میدان جهاد، بلوار نماز و پل شهید عباسپور شد. شدت بارش بسیار زیاد بود که مشکل داریم اما همکاران شهرداری مشغول هستند تا مشکل را برطرف کنند.

عباسی بیان کرد: در سطح استان در طرقبه- شاندیز بارش قابل‌توجهی داشتیم که متاسفانه ۲ خودرو گرفتار شدند. تگرگ قابل‌توجهی در این مناطق داشتیم که محصولات کشاورزی را از بین برده است. جاده انتهای سیدی دچار آب‌بردگی شده که با راهداری هماهنگ کردیم تا مرمت کنند.

زندگی خصوصی جلال‌الدین بلخی

پاسخ به سوالاتی که بعد از تماشای مست عشق در ذهن شما به وجود می‌آید

یاسر نوروزی | هفته گذشته در روزنامه «هفت صبح» یادداشتی نوشتم با تیتر «مولانا جلال‌الدین حسن فتحی»! طبیعتاً طعنه‌ای بود به فیلم ضعیف «مست عشق». هیچ ایرادی هم ندارد که یکی از عزیزان همکار ما در سایت «عصر ایران»، واکنشی تلویحی داشته باشد به یادداشت بنده. چرا؟ به این دلیل که «عصر ایران» از ابتدا تا همین حالا، انواع مطالب (اعم از تولیدی و بازنشر)، درباره فیلم آقای فتحی منتشر کرده و تکلیفش روشن است: «مست عشق: روایتی متفاوت از عشق با حضور ستارگان دو کشور» (۱۴۰۳/۲/۱۵)، «مردمی که مست عشق می‌شوند / چرا استقبال از «مست عشق» ما یه خوشحالی است؟» (۱۴۰۲/۲/۱۷)، «قطار فحش‌های مسعود فراستی به ایستگاه «مست عشق» رسید / منتقد یا لات سر کوچه سینما؟!» (۱۴۰۲/۲/۱۹)، «مست عشق همچنان صدرنشین سینما ماند» (۱۴۰۳/۲/۲۱)، «آیا مست عشق پای ستارگان ترکیه‌ای را به سینمای ایران باز می‌کند؟» (۱۴۰۳/۲/۲۴). البته باز هم هیچ ایرادی ندارد دست‌اندرکاران یک سایت فیلمی را با این میزان حرارت و اشتیاق، دوست داشته باشند. منتها مسئله اینجاست بهتر نیست به جای استفاده از چنین تیترهایی، روی حقیقت ماجرا تمرکز کنیم؟ بهتر نیست بار دیگر به بهانه اکران فیلم، زندگی مولوی را طی گزارشی کنکاش کنیم؟ در واقع آنچه در ادامه می‌خوانید، پاسخی است به مهم‌ترین پرسش‌هایی که فیلم «مست عشق» ممکن است در ذهن بیننده ایجاد کند. چراکه پیشتر نظر اجمالی خود را مبنی بر اشکالات این فیلم ضعیف و غیرقابل‌دفاع نوشته‌ام و بنای بازگویی و دوباره‌گویی ندارم. باشد در این گزارش کوتاه بتوانیم بخشی دیگر از ماجرا را برای مخاطبان روشن کنیم.

«کیمیا» کیست؟

در منابع اصلی مربوط به زندگی مولانا، جز پاره‌ای جملات و روایات بسیار اندک و پراکنده، داستانی مشخص درباره «کیمیا» نمی‌بینیم. البته اشاراتی وجود دارد که نشان می‌دهد دختری به نام «کیمیا» وجود خارجی داشته اما اینکه فرزند مولوی بوده یا دختر خوانده او، دقیقا مشخص نیست. پس طبیعتاً اطلاعات قطعی هم درباره ازدواج احتمالی، علت مرگ یا هر چیز دیگر در این باره در دست نیست. به این ترتیب کتابی نظیر «کیمیا خاتون» (نوشته سعید قدس) نوعی خیال‌پردازی ناجوانمردانه درباره شمس است که دکتر غلامرضا خاکی در کتاب «کیمیا، پرورده حرم مولانا»، پاسخی دقیق و روشن به آن داده است.

آیا شمس با کیمیا ازدواج کرد؟

غلامرضا خاکی در همان کتاب پژوهش مفصلی دارد که بخش‌هایی از آن پیرامون زندگی شمس تبریزی است. او با کنار هم قرار دادن نوشته‌های پراکنده‌ای که از شمس باقیمانده، تلاش کرده روایتی منسجم بسازد. این روایت نشان می‌دهد احتمالاً مولوی به قصد ماندگار کردن شمس در قونیه، مقدمات ازدواجی برای شمس فراهم کرده اما دقیقاً مشخص نیست این ازدواج با کیمیا بوده است یا نه. در واقع باز هم سندی قطعی نداریم که بدانیم شمس با کیمیا ازدواج کرده، چه برسد به اینکه بدانیم بین‌شان چه گذشته. ادامه در صفحه ۱۳

باغ ضیافت پزشکان شیرازی پلمب شد

توضیحات سخنگوی دستگاه قضا درمورد پرونده‌های فرزندان معاون اول سابق قوه‌قضائیه، بابک زنجانی و کوروش کمپانی و مشروبات تقلبی

اصغر جهانگیر، روز چهارشنبه در دومین نشست خبری خود، درمورد برخی از مهم‌ترین پرونده‌های اقتصادی و برخی از پرونده‌های سیاسی توضیحاتی ارائه کرد. اینجا چند نکته از گفته‌های او را بخوانید:

۱ (درباره فساد) بی‌شک، مسئله مبارزه با فساد در هر بُعدی، حتی اگر به فرزندان مسئولان کشور برگردد؛ جزو افتخارات قوه‌قضائیه است که در این زمینه، پیشتاز است و نشان می‌دهد در مبارزه با فساد، خط قرمزی وجود ندارد و بدون ملاحظه‌کاری اقدام و اعلام می‌کند. رسیدگی به پرونده فرزندان معاون اول سابق قوه‌قضائیه به صورت غیرعلنی نیست؛ بلکه علنی است و افراد می‌توانند آزادانه در دادگاه شرکت کنند و از آن مطلع شوند. جهانگیر در مورد انتشار محتویات دادگاه، گفت: «در رابطه با این موضوع، با محدودیت و ممنوعیت قانونی مواجه هستیم؛ زیرا پرونده در مرحله رسیدگی است و پس از برگزاری دادگاه، اطلاعات آن با ضوابط و شرایط منطبق با قانون حتما انتشار خواهد یافت». جهانگیر همچنین قول مساعد داد که هرکدام از رسانه‌ها که خواستند، می‌توانند در دادگاه فرزندان معاون اول قوه‌قضائیه حضور پیدا کنند.

۲ (در پاسخ به سوالی درباره افشای اطلاعات حساب‌های بانکی): کنترل حساب‌های بانکی بجز در مواردی که برای کشف جرم یا تحقیقات بنیادین، ممنوع است و دستگاه قضایی با انتشاردهندگان اسناد مالی مردم که مخل امنیت و حریم خصوصی مردم باشد، قاطعانه برخورد می‌کند و این مسئله قابل پیگرد است. قوه‌قضائیه بدون درنظرگرفتن سوابق، سلایق و میزان وابستگی به گروه‌ها، موضوعات را بررسی می‌کند و در این زمینه، به افشاگران هشدار می‌دهد که دستگاه قضا، رفتارهای غیرقانونی را برنمی‌تابد و هرگاه موضوع امنیت روانی و حریم خصوصی مردم مطرح باشد، از باب حفظ حقوق عامه ورود می‌کند و در این زمینه پیش‌قدم است.

۳ (در پاسخ به سوالی درباره آخرین وضعیت پرونده کوروش کمپانی): تاکنون ۵هزار و ۳۰۰شکایت علیه این شرکت و مالکان در دستگاه قضا، مطرح شده و پرونده در حال رسیدگی است. شناسایی اموال متهم در داخل و خارج از کشور در دستور کار قرار دارد و ضبطهای، با تلاش و پیگیری درصدد هستند تا اموال مردم را بازگردانند و جبران خسارت صورت گیرد. نکته قابل توجه این است که با دستور ریاست قوه‌قضائیه از همه ظرفیت‌های قانونی برای استرداد اموال تا قبل از مرحله رسیدگی به پرونده استفاده می‌شود تا زمینه برگشت وجوه مردم فراهم شود.

۴ (در پاسخ به سوالی درباره تبدیل حکم بابک زنجانی و اینکه حکم افراد دیگر در این پرونده از جمله علیرضا زیبا حالت منفرد موسوم به جعبه سیاه بابک زنجانی چه تغییری خواهد یافت؟): مجازات بابک زنجانی مطابق تبصره ذیل ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی تبدیل شده و در مورد سایر محکومان تاکنون هیچ اقدام جدیدی رخ نداده و در صورت اقدام جدید اطلاع‌رسانی لازم صورت خواهد گرفت.

۵ (در پاسخ به این سوال که درباره مسمومیتی که اخیرا در شیراز شاهد آن بودیم و مسمومیت‌هایی که بر اثر مصرف الکل رخ می‌دهد و برخی فوت شده و عده‌ای هم مصدوم شده‌اند، آیا پرونده قضایی تشکیل شده و مجازات آنها چه خواهد بود؟): پرونده این موضوع، در دادسرای شیراز مطرح است و سه نفر از متهمان، به اتهام مشارکت در قتل به نحو تسبیب و خریدوفروش مشروبات الکلی و شرب خمر بازداشت شدند. در آن مهمانی، ۳۴نفر حضور داشتند که ۶نفر دچار مسمومیت شدند و ۱نفر فوت شده است. صاحب این باغ که تهیه‌کننده مشروبات بوده، بازداشت شد و در رابطه با پرونده سایر افراد مرتبط با این موضوع اراده احضار شدند؛ محل بلمپ شده و تحقیقات در حال انجام است. دستگاه قضایی نشان داده درباره این مسائل، احکام مورد نظر و قاطع خود را در گذشته نیز به اجرا گذاشته است. یک مورد مشابه نیز در استان البرز رخ داده بود که با تاکیدهای رئیس قوه‌قضائیه در این باره، چهار حکم اعدام از باب افساد فی‌الارض و حبس‌های طولانی‌مدت برای عاملان فروش و مرتکبان فروش‌وتوزیع این اقلام که منجر به آسیب و فوت دیگران شده بودند، صادر شد. مردم مطمئن باشند دستگاه قضایی در چنین موضوعاتی، قاطعیت لازم را خواهد داشت.

چهره روز

توضیحات وزیر کشور در مورد فیلم منتشر شده از یک مامور فراجا

احمد وحیدی، وزیر کشور در پاسخ به پرسشی درباره برخورد مامور فراجا با یک خانم توضیحاتی را ارائه داد. او در بخش دیگری از حرف‌هایش به توئیت جنجالی در مورد میزان مشارکت در دور دوم انتخابات مجلس پرداخت. وحیدی در توئیتی پس از برگزاری مرحله دوم انتخابات، حضور مردم در انتخابات را حماسه خلق دانسته بود.

اینجا گفته‌های وزیر کشور را بخوانید:

۱ آنچه که شنیدم در فضای مجازی درباره یک مورد خاص پخش شده و در آن مورد خاص آنچه توسط فراجا انجام شده این بوده که به خانمی تذکر حجاب داده شده، اما در برابر اجرای قانون و رعایت حجاب، مقاومت و درواقع خود را برهنه کرده است. وحیدی ادامه داد: نیروی انتظامی با پتویی ایشان را پوشانده و طبق ضوابط عمل کرده است، اما آنچه منعکس شده، ظاهرا خود دیگری بوده است.

۲ باید از تقطیع و انحراف موضوعات جلوگیری کرد تا کاری که فراجا براساس موازین قانونی به آن عمل کرده، خود دیگری مطرح و حاشیه‌سازی انجام نشود.

۳ برخی سعی کردند لفظ حماسه مردم در انتخابات را به مرحله دوم محدود کنند؛ این مطلب مربوط به تمام دوره انتخابات بود. اگر انصاف دارید بیایید درباره اهمیت انتخابات و برگزاری انتخابات در بهترین سطح سلامت و امنیت و ابتکارات این انتخابات صحبت کنند.

۴ کسانی که صحبت می‌کنند سعی کنند منصفانه حرف بزنند و سعی نکنند مطلبی را آن جور که دوست دارند تغییر جهت دهند.

۵ اظهارنظرهای منافاتی توسط برخی افراد مطرح شد که کار اشتباهی بود. آنچه مطرح شد مربوط به کل انتخابات بود؛ انتخاباتی با رقابت خیلی خوب و با مشارکت ارزشمند مردم در طول دوره انتخابات.

دیپلماسی

گروسی: ایران آماده مذاکرات جدی است

رافائل گروسی، دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هفته گذشته برای مذاکراتی به تهران سفر کرد. در نشست خبری گروسی و اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، این مقام خارجی در مورد بازگشت دو طرف به بیانیه پیشین ایران و آژانس سخن گفتند و از برخی توافق‌ها خبر دادند. البته گروسی وقتی به اروپا برگشت، لحنی گله‌مند در مورد ایران اتخاذ کرد. با همه این‌ها، او در مصاحبه‌ای که به تازگی با نشریه انگلیسی گاردین و البته نشریه فایننشال تایمز داشته، با نگاهی امیدوارانه به گفت‌وگوهایش در تهران نگاه کرده. اینجا بخش‌هایی از گفته‌های گروسی در ارتباط با ایران و روابطش با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بخوانید:

۱ (در گفت‌وگو با کاردین): مایلم تاکید کنم که در حال مذاکره درباره سند یا توافق با ایران نیستیم. بیانیه مشترک سال ۲۰۲۳، به اندازه کافی خوب است. ما به هیچ چیز دیگری نیاز نداریم.

۲ (در گفت‌وگو با فایننشال تایمز): روابط جمهوری اسلامی ایران و آژانس که در ماه‌های گذشته پرتنش بوده، ممکن است وارد مرحله دیگری شود. به نظر می‌رسد تهران مایل به گفت‌وگو درباره مسائل «اساسی» است.

۳ من در آن‌ها این درک را دیدم که بهتر است به جای ادامه به روند واگرایی که ممکن است منجر به تشدید تنش‌ها و حتی شاید خطرات بیشتر از جمله جنگ شود، بهتر است کمی تعامل داشته باشیم. این موضوع بسیار مهم است، زیرا که ما پس از ماه‌ها دوباره باهم ارتباط برقرار کرده‌ایم.

۴ ایران و واشنگتن همچنان کانالی دوجانبه را باز گذاشته‌اند.

نتیجه گفت‌وگو با گروسی از زبان مقام ایرانی

رئیس سازمان انرژی اتمی دیروز در حاشیه جلسه هیات‌دولت نکاتی را در مورد سفر گروسی بیان کرد. او گفت در جریان سفر گروسی تثبیت شد که ایران یک ظرفیت گسترده در بخش‌های مختلف به ویژه هسته‌ای برای ارائه به جهان دارد. در این کنفرانس گروسی حضور داشت و سخنرانی کرد و در جریان سفر گروسی تثبیت شد که ایران یک ظرفیت گسترده در بخش‌های مختلف به ویژه هسته‌ای برای ارائه به جهان دارد و دارای دانشمندانی توانمند است که حرف برای گفتن دارند. اسلامی در پاسخ به سوالی مبنی بر مذاکرات رفع تحریم‌ها گفت: «کار ما و آقای گروسی ارتباطی به مذاکرات رفع تحریم‌ها ندارد؛ این بحث سیاسی است که به وزارت امور خارجه مربوط می‌شود». رئیس سازمان انرژی اتمی درمورد نتیجه مذاکرات با گروسی بیان کرد: «بیانیه مشترک اسفند ۱۴۰۱ پایرجاست و حدود ۵۰درصد از موارد باقی مانده ایران و آژانس حل‌وفصل شده و دو مکان باقی مانده در فرایند حل‌وفصل قرار دارد که با توجه به برنامه‌ای که توافق کردیم، معاونان طرفین روی آن در حال گفت‌وگو و تعامل هستند.»

سایت نگار سیاسی / گزیده‌ای از تحلیل‌های جناح‌های سیاسی

» نامه روحانی / همیمهن در سرمقاله خود مسئله نامه روحانی را مورد بررسی خاص قرار داده و آن را رخدادی بی‌نظیر خوانده است. در بخشی از این یادداشت آمده: پاسخ آقای روحانی به نامه محرمانه شورای نگهبان اگر صد نقطه قوت داشته باشد که دارد، ولی یک نقطه ضعف هم دارد. اینکه چرا اصل نامه شورای نگهبان را افشا نکرده و به نقل مضامین یا برداشت‌هایی از آن کفایت کرده است.

ظاهرا این نامه محرمانه ارسال شده، ولی این محرمانگی ناظر به حقوق شخصی مخاطب است و اگر خواست می‌تواند در اختیار دیگران قرار دهد؛ همچنان که نامه مشابهی خطاب به آقای علی لاریجانی بود و منتشر شد.

در بخش دیگری از این یادداشت آمده است:

چرا این نکته مهم است؟ چون شاید خواننده حس کند که پاسخ آقای روحانی مستدل است و مهمتر اینکه وی موفق شده این شورا را به جایی برساند که از پوسته عدم‌پاسخگویی خارج شود و برای اولین‌بار تا حدی دست این شورا در اتخاذ تصمیمات غیرشفاف رو شود. ولی به‌نظر می‌رسد که هرچند پاسخ روحانی مستدل باشد، ولی خواندن مستقیم توضیحات و نظرات شورای نگهبان از حیث رویکرد علی‌ترین نهاد حقوقی کشور و ضعف‌های منطقی آن در رعایت حقوق مردم متنی تاریخی و ماندگار خواهد بود و این امکان را فراهم می‌کند که حقوقدانان و صاحب‌نظران گوناگون نیز به‌طور مستقل به آن بپردازند.

» قالیباف ۱ / سعدالله زارعی در گفت‌وگو با سایت فردا درباره ماجرای قالیباف گفته است:

سر و ته بحث آقای قالیباف چهار چیز است: زندگی اشرافی- مقابل بعضی لوایح قرار داشتن- وضع فرزندان- ماجرای سیمیوتی نوه

۱- زندگی اشرافی، وی با توجه به مسئولیت‌های سنگینی که داشته می‌توانسته به‌صورت خیلی عادی زندگی مرفهی داشته باشد که اینکه از مدیر جهادی و انقلابی پذیرفته نیست بدون آنکه چنین چیزی خلاف شرع یا عرف باشد. زندگی اشرافی در زمانه ما سه وجه دارد؛ اسراف در خرج کردن، منزل آنچنانی و خودرو غیرمتعارف. اما قالیباف در این سه وجه چطور است؟

منزل او در شهرک شهید دقایقی است. من منزل او نرفته‌ام اما منزل شهید سلیمانی، منزل آیت‌الله موحدی کرمانی و منزل محسن رضایی که کاملا شبیه منزل قالیباف است هم رفته‌ام و انصافا منزل متعارفی است که سپاه در اختیار آنان قرار داده است.

خودرو وی پژوپارس است که متعارف می‌باشد.

هیچ گزارش مستندی درباره مخارج غیرمتعارف او ندیده‌ام. یک بار اخیرا برای توضیح جنگ غزه به دفترش دعوت شدم در خیابان شهید عراقی که واقعا منزل کوچک و محقرانه بود. در این جلسه خیلی متواضعانه پرسید مجلس برای کمک به غزه چه کاری می‌تواند بکند. مواردی عرض شد و واقعا در زمانی کوتاه دنبال شد. در مورد سفر دخترش که شوهر دارد و به یک سفر خارجی داری روابط صحبت به ایران رفته و به فرض خریدهایی هم کرده است، مثل خرید سیمیوتی، باز هم نکات وجود دارد. اولا از جنبه انقلابی درست نیست، ثانیا خلاف شرع و عرفی رخ نداده است، ثالثا به فرض خلاف بودن به پدر ربط ندارد، رابعا هیچ دلیلی بر رضایت پدر و توان او از بازداشتن دختر و داماد وجود ندارد، خامسا دلیلی بر اظهار مخالفت علنی پدر از فعل دختر و دامادی که زندگی مستقلی دارند وجود ندارد سادسا هیچ نشانه‌ای از عدم اعتراض پدر به فعل دختر و داماد در اختیار نداریم.

در مورد فرزندی که سنش به چهل رسیده و ما به‌طور غیرمنطقی پدر را مسئول کار پسر می‌دانیم واقعا هنوز معلوم نیست پسر چه کار منکری مرتکب شده و پدر در این منکر چه نقشی داشته است. بله یک وقت پسر از موقعیت پدر سوءاستفاده می‌کند و اگر این رابطه نبود آن استفاده واقع نمی‌شد، یک موقع از استفاده یا استفاده سوئی حرف می‌زنیم که جمع کثیری بدون نسبت یا با نسبت انجام می‌دهند و یکی شد و در مورد سایر محکومان تاکنون هیچ اقدام جدیدی رخ نداده و در صورت اقدام جدید اطلاع‌رسانی لازم صورت خواهد گرفت.

۵ (در پاسخ به این سوال که درباره مسمومیتی که اخیرا در شیراز شاهد آن بودیم و مسمومیت‌هایی که بر اثر مصرف الکل رخ می‌دهد و برخی فوت شده و عده‌ای هم مصدوم شده‌اند، آیا پرونده قضایی تشکیل شده و مجازات آنها چه خواهد بود؟): پرونده این موضوع، در دادسرای شیراز مطرح است و سه نفر از متهمان، به اتهام مشارکت در قتل به نحو تسبیب و خریدوفروش مشروبات الکلی و شرب خمر بازداشت شدند. در آن مهمانی، ۳۴نفر حضور داشتند که ۶نفر دچار مسمومیت شدند و ۱نفر فوت شده است. صاحب این باغ که تهیه‌کننده مشروبات بوده، بازداشت شد و در رابطه با پرونده سایر افراد مرتبط با این موضوع اراده احضار شدند؛ محل بلمپ شده و تحقیقات در حال انجام است. دستگاه قضایی نشان داده درباره این مسائل، احکام مورد نظر و قاطع خود را در گذشته نیز به اجرا گذاشته است. یک مورد مشابه نیز در استان البرز رخ داده بود که با تاکیدهای رئیس قوه‌قضائیه در این باره، چهار حکم اعدام از باب افساد فی‌الارض و حبس‌های طولانی‌مدت برای عاملان فروش و مرتکبان فروش‌وتوزیع این اقلام که منجر به آسیب و فوت دیگران شده بودند، صادر شد. مردم مطمئن باشند دستگاه قضایی در چنین موضوعاتی، قاطعیت لازم را خواهد داشت.

۲۰۰ کلمه

شرح عکس: تصویری از اعضای هیات علمی دانشگاه مطالعات بین‌المللی شانگهای چین در دانشگاه دولتی قم که در حال توت خوردن هستند را ببینید. منبع: جنداتانیه

شرح عکس: مرال‌های ایرانی در پناهگاه حیات‌وحش آستارا / به گزارش مشرق؛ پناهگاه حیات‌وحش لوندویل آستارا، در حدفاصل بین بخش لوندویل و بخش مرکزی شهرستان مرزی بندر آستارا و در شمال غربی استان گیلان واقع شده است. مجموعه پناهگاه حیات‌وحش لوندویل آستارا، یکی از زیرمجموعه‌های سازمان محیط زیست و از مناطق ارزشمند زیست محیطی کشور است که ۱۴ مرال شامل ۹ مرال ماده و ۵ مرال نر را در خود نگهداری می‌کند.

شرح عکس: برترین‌ها؛ تصویری از وضعیت دیروز صبح متوری تهران در فضای مجازی منتشر شده که نشان می‌دهد وضعیت واگن زنان در مانیتور داخل قطار برای دیگر مسافران نمایش داده می‌شود.

شرح عکس: تصویری از «ایران» فرزند احمد خمینی، در آغوش سیدحسن خمینی در اینستاگرام منتشر شده است.

شرح عکس: نقیسه روشن، بازیگر سینما و تلویزیون با انتشار یک استوری در اینستاگرام خود، از آغاز فیلمبرداری یک سریال جدید خبر داد و نوشت: «تکرار دهه ۸۰».

شرح عکس: ایوب موسوی قهرمان آسیا و پویک بسامی (از نخستین وزنه‌برداران زن کشور)، به جرگه متاهلین پیوستند. بسامی خبر ازدواجش با موسوی را در اینستاگرام منتشر کرد.

گزارش روز

اگر طلا می‌خرید حواستان باشد

بعد از توافق اولیه بین طلافروشان و دولت حالا نوبت به شفاف شدن مالیات مشتری‌ها رسیده است. از مالیات خرید صورت‌حساب الکترونیکی چه می‌دانید؟

چند روز پیش خبر رسید که بالاخره با کوتاه آمدن نسبی دولت، طلافروش‌ها کمی راضی شده‌اند و احتمالا دعوای سرزرگ دولت و این صنف بر سر ثبت موجودی طلای آنها فروکش کرده است اما هنوز هم بر خبری که مربوط به ماجرای طلا باشد، می‌تواند توجه‌ها را جلب کند، مانند خبری که دیروز درباره میزان مالیاتی که خریداران طلا باید بپردازند. این خبر از قول معاون صنایع عمومی وزارت صمت می‌گفت که خریداران طلا فقط باید مالیات بر اجرت را بپردازند و مالیات دیگری نباید از آنها گرفته شود. بلافاصله این نقل‌قول در شبکه‌های اجتماعی پیچید و خیلی‌ها تصور کردند که اشاره او به مالیات بر عایدی سرمایه است، در حالی که منظور او مالیات بر ارزش افزوده بود، یعنی مالیاتی که خریداران طلا موقع خرید از طلافروشی باید بپردازند اما مالیات بر عایدی سرمایه به زمان فروش طلا مربوط می‌شود و هنوز تصویب نشده است، اگر هم تصویب بشود شرایط دیگری دارد.

حالا اگر بخواهیم نقل‌قول تازه محمدمهدی بسارادران را درباره مالیات بر ارزش افزوده بررسی کنیم اینطور می‌شود که ملاملاً اگر شما ۱۰۰ میلیون تومان طلا بخرید و این مقدار قرار است ۵درصد اجرت پرداخت کنید، یعنی ۵ میلیون تومان، در این حالت شما باید بر اساس قانون بودجه امسال که مالیات بر ارزش افزوده را ۱۰درصد در نظر گرفته، ۱۰درصد از ۵ از ۵ میلیون تومان یعنی ۵۰۰ هزار تومان مالیات بپردازید. این در حالی است که بعضی از طلافروش‌ها با سوءاستفاده از بی‌خبری خریداران مالیات را روی کل مبلغ می‌کشند یا اینکه در حالت بهتر، مالیات را از دستمزد ساخت و اجرت فروش یا هم حساب می‌کنند، در حالی که مالیات باید فقط برای اجرت فروش در نظر گرفته شود. از آنجا که اجرت ساخت هم خودش چیزی بین ۱۰ تا ۱۵درصد روی ارزش طلا کشیده می‌شود اگر خریدار مشتری متوجه نباشد ممکن است بیشتر از دو برابر به‌عنوان مالیات از آنها گرفته شود.

حالا شما چطور می‌توانید از اینکه چنین کلاهی سرتان برود، جلوگیری کنید؟ اول اینکه حواستان به قوانین در نظر گرفته، ۱۰درصد از ۵ از ۵ میلیون تومان یعنی ۵۰۰ هزار تومان مالیات بپردازید. این در حالی است که بعضی از طلافروش‌ها با سوءاستفاده از بی‌خبری خریداران مالیات را روی کل مبلغ می‌کشند یا اینکه در حالت بهتر، مالیات را از دستمزد ساخت و اجرت فروش یا هم حساب می‌کنند، در حالی که مالیات باید فقط برای اجرت فروش در نظر گرفته شود. از آنجا که اجرت ساخت هم خودش چیزی بین ۱۰ تا ۱۵درصد روی ارزش طلا کشیده می‌شود اگر خریدار مشتری متوجه نباشد ممکن است بیشتر از دو برابر به‌عنوان مالیات از آنها گرفته شود.

شرط نهایی برای طلافروش‌ها

گذشته از خبر معاون وزارت صمت برای خریداران طلا، یک خبر هم سازمان امور مالیاتی مجدداً برای طلافروش‌ها داشت. این خبر را محمدمهدی بسارادران رئیس اتحادیه صنف طلا و جواهر اعلام کرد. او گفت که طبق جلسه‌ای ۶ ساعته با سازمان امور مالیاتی و وزارت صمت در روز ۲۵ اردیبهشت قرار شده که در ضوابط مربوط به ثبت موجودی طلافروش‌ها تجدیدنظرهایی صورت بگیرد.

بر این اساس ثبت موجودی و مقدار نگهداری فقط برای سه دسته از اشخاص اتمی است؛ اشخاصی که به قصد تجاری اقدام به ورود کالای مشمول مالیات به کشور می‌کنند، یعنی واردکننده‌ها. اشخاصی که با قصد تجاری اقدام به خرید کالای مشمول از کشور می‌کنند، یعنی صادرکننده‌ها و تولیدکنندگان. گروه کالایی (د) یعنی کسانی که طلای استخراج شده از معادن کشور را پرداخت کرده و آماده ارائه بخش تولید مصنوعات و شمش می‌کنند. اما اینطور نیست که فروشنده‌های طلا و جواهر به کلی کاری با سامانه تجارت نداشته باشند بلکه آنها باید تا شش ماه آینده نسبت به ثبت دقیق الکترونیکی درخواست کنید. اگر چه خیلی از طلافروش‌ها از این کار خودداری می‌کنند اما اگر طلافروش را پیدا کنید که صورت‌حساب الکترونیکی برایتان صادر کند نه‌تنها خیالتان از حساب و کتابی که انجام شده راحت است بلکه از یک امتیاز بزرگ هم برخوردار می‌شوید آن‌هم اینکه در صورت تصویب قانون مالیات بر عایدی سرمایه، طلایی که خریداری کرده‌اید معاف از این نوع مالیات خواهد بود.

ضمن اینکه اگر طلافروشی بعد از درخواست مشتری، از صادر کردن صورت‌حساب الکترونیکی خودداری کند، مشتری می‌تواند موضوع را به سازمان امور مالیاتی اطلاع دهد و در این صورت فروشنده با جریمه‌های سنگین روبه‌رو خواهد شد.

فاطمه‌رجبی

گلری

مرال‌های ایرانی در پناهگاه حیات‌وحش آستارا / به گزارش مشرق؛ پناهگاه حیات‌وحش لوندویل آستارا، در حدفاصل بین بخش لوندویل و بخش مرکزی شهرستان مرزی بندر آستارا و در شمال غربی استان گیلان واقع شده است. مجموعه پناهگاه حیات‌وحش لوندویل آستارا، یکی از زیرمجموعه‌های سازمان محیط زیست و از مناطق ارزشمند زیست محیطی کشور است که ۱۴ مرال شامل ۹ مرال ماده و ۵ مرال نر را در خود نگهداری می‌کند.

شرح عکس: شاگاه سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت، اکران مردمی فیلم مست عشق به کارگردانی حسن فتحی با حضور هنرمندان در هتل اسپیناس برگزار شد. در این مراسم هنرمندانی چون حسام منظور، پارسا پیروزفر، علیرضا قربانی، امیرحسین فتحی و... حضور داشتند. تفاوت سبک لباس پارسا پیروزفر و حسام منظور جالب توجه است.

باند مخوف سارقان خشن منازل شهر

پنج پرونده عجیب دزدی از خانه‌های شهروندان با چاشنی خشونت

بروز پرونده

سارا غضنفری
هفت صبح

فیلمی روز گذشته در فضای مجازی وایرال شد که نشان می‌داد در سردار جنگل یک باند خشن سرقت منازل با خشونت وارد یک خانه شده و روی سر مادر و دختر اسلحه کلاشینکف می‌گذارند که اموال خانه را با رعب و وحشت سرقت کنند. چند روز قبل هم، دزدی که به خانه یک زن جوان رفته و دست‌وپایش را ببسته بود و حین فرار به قلب مامور پلیس ضربه زد، اعدام شد. این پرونده درباره همان سارقان خشن است که با ایجاد رعب و وحشت به داخل منازل ریختند.

۱ سرقت مسلحانه سه مرد خشن از خانه مادر و دختر

سارقان مسلحی که به بهانه دادن حلیم نذری وارد خانه‌ای شده و ۶میلیارد اموال ازرشمند را ربوده بودند؛ با سرنخ‌هایی که به جای گذاشته بودند، بازداشت شدند. اوایل مردادماه سال ۱۴۰۲، سارقان مسلح به خانه مادر و دختری که در شمال غرب تهران زندگی می‌کردند، دست‌درازی زدند. زن ملباخته گفت: «ان روز یک زن در خانه ویلایی ما را زد و گفت برایمان حلیم نذری آورده. دخترم جلوی در رفت تا آن را باز کند و حلیم را بگیرد اما به محض اینکه در را باز کرد، زن او را هول داد. دخترم که انتظار چنین اتفاقی را نداشت، به کوه‌های آن سمت که اغلب آن‌ها مجوز اکران نگرفته‌اند، پرت شد. بعد از آن، سه مرد که نقاب پوشیده بودند و سلاح کلت و چاقو در دست داشتند، وارد خانه شدند. آن‌ها دخترم را داخل خانه آوردند و دست‌وپای من و او را بستند. بعد هم افراد مسلح شروع به بازرسی کردند و در نهایت با زور و تهدید، کلید گاوصندوق را گرفتند تا دلار، طلا و سکه‌های موجود در آن را سرقت کنند». این زن در پایان گفت: «ارزش تقریبی اموالی که سرقت شده، ۶میلیارد تومان است و سارقان پس از برداشتن هر آنچه که در گاوصندوق بود، متواری شدند. ما به سختی دست‌وپایمان را باز کردیم و ماجرا را به پلیس خبر دادیم».

۲ حمله باند خشن به خانه‌های ویلایی شمال شهر

بهمن‌ماه سال ۹۴ بود که خبر آمد یک گروه ۵نفره سرقت با صورت‌هایی پوشیده به خانه‌ای در فرشته تهران حمله کرده و طلاهای زن صاحبخانه را سرقت کرده‌اند. مالباخته پس از حضور در اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ در اظهاراتش که با کراگاهان گفت: «حدودا ساعت ۱۹ بود که به همراه همسرم در داخل خانه بودیم. همسرم در آشپزخانه در حال تهیه غذا بود و من هم در حال تماشای تلویزیون بودم. ناگهان در ورودی خانه باز شد و ۴ مرد نقابدار وارد خانه شدند. سه نفر از آنها با من درگیر شدند؛ مرا به زمین کوبیده و دستان و دهانم را بسته و در ادامه به‌شدت شروع به زدن من کردند و نفر سوم

دستور زبان عشق
دوش در خواب، لب نوش تو را بوسیدم
خواب ما بِه بوَد از عالم بیداری ما...
فروغی بسطامی

امام علی علیه السلام
عَلي لِسانِ المُؤمِنِ نُورٌ يَسطَعُ وَعلي لِسانِ المُنافِقِ شَيطانٌ يَنطِقُ
بر زبان مؤمن نوری (الهی) است و درخشان و بر زبان منافق شیطانی است که سخن مي گويد.
شرح نهج البلاغه، ج۲۰، ص۲۸۰، ح ۲۱۸

واگویه‌های انتظار
مرا تحملِ این راز در دل آسان نیست
که درد عشق نیرزد به امتحانِ سکوت
احسان انصاری

اوقات شرعی تهران: اذان صبح ۰۳:۱۸ | طلوع خورشید ۰۴:۵۸ | اذان ظهر ۱۲:۰۱ | غروب خورشید ۱۹:۰۳ | اذان مغرب ۱۹:۲۳

هفت صبح | روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی
سال چهاردهم | شماره ۳۷۷۳ | پنجشنبه | ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳
صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر عامل: علی مزینانی
مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو
دبیر آنلاین: صدرا بکتاش
مدیر هنری: وحید غفاری

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی ۶۵۳۵۱-۱۵۶۶۷
تلفن و نمابر: ۸۸۴۰۳۸۵۴ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۳۱۹۸۸-۰۲۱ توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: پیام همشهری-جام جم
اشتراک اینترنتی: www.jaaar.com

سال رمانس‌های دلهره‌آور و پولشویی‌های عارفانه

و کمی هم درباره سردرگمی شنبه‌های نیمه‌تعطیل

۱ الان تعطیلی شنبه ماجرایش چی شد؟ یعنی روز جمعه تعطیلی کامل است و فردایش (یعنی شنبه) بانک‌ها مثل پنجشنبه‌ها نیمه‌وقت باز هستند؟ یعنی چه؟ یعنی ما آخر هفته‌ها با یک روز کاملا تعطیل شروع می‌کنیم و روز بعدش نصفه و نیمه تعطیلی داریم؟ یعنی شرایط پنجشنبه به شنبه منتقل شده است؟ یعنی مثلا کارمند بانک باید بعد از یک روز کامل کاری در پنجشنبه، جمعه سحر برود مسافرت و آخر شب خودش را به محل زندگی برساند چرا که شنبه صبح اول وقت باید برود محل کارش و بعد تا ظهر سر کار باشد و بعد برگردد خانه و بقیه تعطیلاتش تا فردا؟ عجیب نیست؟ یعنی کسبه محترم یک روز جمعه را کامل تعطیل هستند و روز شنبه برای کارهای اداری و مالی‌شان باید خودشان را به بانک‌ها و دفترهای خود برسانند؟ آن یک روز و نیم تعطیلی مورد علاقه بخش گردشگری که در این شکل جدید به یک روز تعطیلی، یک شیفت کار و یک نصفه روز تعطیلی تبدیل می‌شود. متوجه مشکلات این طرح هستید؟ یا ما خوب متوجه نشده‌ایم.

۲ به سلامتی در سال جدید در مشکلات زناشویی و نیمه‌زناشویی دوستان هنرمند و مشاهیر غرق هستیم. از طلاق یکتا ناصر با منوچهر هادی، تا رمانس‌های دلهره‌آور پارسا پیروزفر و حالا هم جدایی احتمالی سحر دولتشاهی و همایون شجریان. این وسط‌ها کمی هم تتلو داشتیم با چاشنی سحر قریشی، کمی نصرالله رادش داشتیم علیه مهران مدیری و پدر مهران غفوریان و حکم یاسین رامین گریز محمد رسول اوف... تازه این‌ها به‌جز پرونده‌های سلبریتی‌های سیاسی است. برادر آن مقام نظامی مهم و باغ ازگل و پارک قیطریه و عروسی اسپیناس و فاکتورهای گوشت و چای دبش و شستا و... همه این اتفاقات در ۵۷ روز گذشته رخ داده که تقریبا ۲۵ روز آن هم تعطیل بوده است.

دنده عقب
اشکان عقیلی‌پور

رفقا خوبین؟ عرضم خدمتتون همون‌طور که می‌دونین، یه چند وقتیه که دست‌اندرکاران، یهو نگران مقام معلم شدن و به‌واسطه یه صحنه‌ای تو سریال افعی، به تکاپو افتادن که اعاده حیثیت کنن. حالا این که حقوق معلم‌ها چقدره و چجوری زندگی می‌کنن و چه مشکلاتی دارن که اهمیتی نداره. مهم اینه که تو سریال، وجهه‌شون خوب باشه. تقریبا شبیه بقیه موارد مهم مملکت. همون ویترین کار درست باشه حله. باور بفرمایین مادر خود بنده که سابقه سی سال معلمی داره، این قسمت سریال رو دید و تنها چیزی که به مغزش خطور نکرد، توهین بود. راستش فقط یهو یاد معوقاتش افتاد. بگذریم.

حدود سی سال پیش، یعنی همون دورانی که عزیزان آموزش و پرورش اصرار دارن بگن همه چیز گل و بلبل بوده، ما یه ناظمی داشتیم که خیلی سوژه خوبی برای تحقیقات کارشناسان روانشناسی بود.

این اسوه لطافت، یه حال دوشخصیتی داشت. وقتی که پشت میکروفن بود و لاجرم صدای زیبایش رو کل همسایگان اطراف مدرسه می‌شنیدن، یک‌جور بود ولی زمانی که در راهروها و یا حیاط مدرسه با اون خط‌کشِ چوبی‌اش می‌چرخید جور دیگه‌ای بود. یعنی می‌خوام عرض کنم دایره لغاتش در هر کدام از این موقعیت‌ها، از دو فرهنگ متفاوت و قرینه می‌اومد و انسان باورش نمی‌شد این آدمی که الان مشغول انجام امور تربیتی به‌صورت فیزیکی‌ست و در حال پیاده کردنِ کلیه فنون رزمیِ شرقی بر ماست و هر آنچه صفت نکوهیده در ادبیات فارسی‌ست را به ما و خاندانمون نسبت میده، همون آقای محترمی‌ست که صبح، پشت میکروفن نصیحت می‌کرد و همه ما عزیزان را همچون فرزند خود می‌دیده...

خب، البته مشکل اصلی موقعی به وجود می‌آمد که ایشون درموقعیت A بودند ولی نیاز به جملاتی از نوع موقعیت B پیدا می‌کردند. خاطره که فراوون دارم ولی یکیش که خودم نقش اولش بودم رو براتون میگم.

یادمه یه روز صبح، سر صف صبحگاه، در حالی که ایشون مشغول نصیحت‌مان بودن، من بخت‌برگشته خمیازه‌ام گرفت و مثل کروکودیل دهانم رو باز کردم و تهِ حلقم رو به نمایش گذاشتم که بزرگوار نگاهش افتاد به من:

- «پسرم... عزیزم... شما یک لحظه تشریف میاری؟ شما نه... شما. نه شما... عزیزم... اون پسر قد بلندم رو میگم... پسرم، شما رو میگم... شما که قدت از همه بلندتره... »

بعد از این که همه خودمون رو به اون راه زدیم بلکه در این فاصله زلزله‌ای طوفانی چیزی بیاد و بی‌خیال بشه، میکروفن رو خاموش کرد و اون یکی شخصیتش زد بیرون:

- «هو... نردبون دزدا... چنار... مگه با تو نیستم؟ فقط قد دراز کردی؟ میای یا خودم بیام بیارمت؟...»

صد البته که بهتر بود خودم خدمتشون برسم. به دلیل این که اگر ایشون تشریف می‌آوردن، هزینه این ایاب و ذهاب را هم باهام حساب می‌کردن و مسیر برگشت رو هم در خدمتشون بودم. بعد از رسیدن به محضرشون، بعد از پذیرایی مقدماتی با یکی دو تا مشت و لگد، مراسم عبرت گرفتن بقیه شروع شد که چرا وسط حرف‌های من خمیازه کشیدی و دهنت رو مثل غار علیصدر باز کردی. بعد از این که خواب از سر من و همه دانش‌آموزان پرید، میکروفن روشن شد:

- «ببینید پسران من... لطفا صبح‌ها همگی با روحیه‌ای بشاش وارد مدرسه شوید و سر صف سرحال باشید که خدای نکرده مثل این پسر شاخ شمشادم، کسل نباشین...»

بلافاصله جلوی دهنیِ میکروفن رو گرفت و باقی نصایح رو با زبون دیگری که بهتر می‌فهمیدیم ادامه داد:

- «لنگ دراز، یه بار دیگه سر صف هیلی پیلی بخوری، من میدونم و تو ها... برو گمشو سر جات...»

و پای میکروفن ادامه داد:

- «حالا شما برو سر جات... از این به بعد هم بیشتر به بنده بذل توجه کن...»

و حرکتی دوگانه‌سوز کرد و میکروفن به دست، در حال صحبت متمدنانه، پس گردنی‌ای به من زد که صداش مانند صدای طبل در بلندگو پیچید و من هم داد زدم: «آخ »

هول شد و تنها چیزی که به ذهنش رسید این بود که بگه: «پسرم... مواظب باش... چرا سرت رو می‌کوبی تو میکروفن؟»

قصه های گمشده - ۱۱ (این پاورقی روزهای فرد منتشر می‌شود)
آرش خوشخو

مرد بداقبال چشم آبی

مرد چشم آبی سینمای ایران که زمانی شاید برای چهار یا پنج سال ستاره اصلی این سینما محسوب می‌شد، وقتی که سکته کرد و به کما رفت و بعد هم درگذشت، در یک اتاق کوچک در جنوب تهران زندگی می‌کرد. تنهای تنها. آن‌هم وقتی که ۷۸ سال داشت.

عبدالله بوتیمار اصالتا از مهاجران آذربایجان شوروی بود که در سه سالگی همراه خانواده به تهران آمده بود و در جوانی پایش به گروه‌های تئاتر و مهم‌تر از آن به گعده‌های دوبله باز شد. چشمان آبی داشت و پوست سفید و تیپ اروپایی. ساموئل خاچیکیان او را برای فیلم‌های پلیسی فرنگی‌مآبانه خود مناسب دید. بوتیمار معرفت به خرج می‌دهد و صمیمی‌ترین رفیق خود بیک ایمانوردی را هم همراه خود به سر صحنه می‌برد و دو نفری در فیلم ایستاده در مرگ بازی می‌کنند. اوج درخشش بوتیمار در فیلم ضربت، آخرین فیلم مهم خاچیکیان است. در این فیلم بوتیمار نقش پزشکی به‌نام دکتر امین را بازی می‌کرد که عاشق دختر فقیری به‌نام شیرین می‌شود که تبهکاری به‌نام حسین خواستگار اوست و برای ازدواج با او، پدرش را تحت فشار قرار می‌دهد اما دکتر امین در نهایت موفق می‌شود حسین و یاران تبهکار او را تحویل پلیس دهد و با شیرین بماند.

اما وقتی جادوی گنج قارون و چهره ایرانی فردین سرنوشت سینمای ایران را عوض کرد و فیلمفارسی شد باب‌طبع مردان تیپیکال ایرانی و آرزوها و تمایلاتشان؛ بوتیمار فقط می‌توانست در نقش بدمن‌ها و رئیس تبهکاران ظاهر شود. و خب شاهد صعود بخت چشم و ابرو مشکی‌هایی مثل فردین و ملک‌مطیعی و بهروز وثوقی شد و خودش تاوان چشمان آبی و رنگ پوست روشن خود را داد و شد مرد اشرافی بدذات ربدوشامبرپوش با لیوان آب پرتقال در دست!

بعد از پیروزی انقلاب هم شرایطش تغییری نکرد. خودش روایت کرده است که: «من و آرمان دوستی خوبی داشتیم. روز آخری که می‌خواست برای معالجه سرطان معده به خارج برود، دادستانی انقلاب، من و او را خواسته بود. سال ۶۰ یا ۶۱ بود و هر روز روزنامه کیهان اسم چند نفر را می‌نوشت که چه روزی به دادستانی انقلاب مراجعه کنند. آن روز من و آرمان صبح ساعت هشت رفتیم و ساعت یازده شب بیرون آمدیم. اتفاقا مسعودی خواننده هم با ما بود.

می‌پرسیدند کدام‌یک از فیلم‌هایی که بازی کردیم تبلیغ برای رژیم و دم و دستگاه شاه بود. من پاسخ دادم که برای رژیم فیلم بازی نکردیم و من همه‌اش فیلم‌های سینمایی- پلیسی- جنایی و عشقی بازی کرده‌ام. بعد از مسعودی پرسیدند که کدام ترانه‌ات را برای دربار خواندی. گفت هیچ‌کدام. گفتند پس «تاج تی سر زیبنده» را چه کسی خوانده است؟ پاسخ داد: «آهان، آن را یادم نبود». پرونده هنرمندان در کشوی آنها بود و مسعودی هم به ظفار رفته و برنامه اجرا کرده بود.

اتفاقا همان روزها سه فیلم دلهره، ضربت و سرسام من روی اکران بود. به عنوان فیلم‌های قدیمی. ما را ممنوع‌الچهره کردند و گفتند اگر به انقلاب وفادار نباشید، سه میلیون تومان جریمه می‌شوید و به زندان خواهید افتاد.

آرمان فردای همان روز برای معالجه سرطانش به اسپانیا رفت که شنیدم آنجا زیر عمل جراحی فوت کرد و بعد جنازه‌اش را به ایران آوردند. آدم خیلی خوبی بود و دهه پنجاه، روزهایی که باران می‌آمد، تلفن می‌کرد و به یک کافه در خیابان پهلوی می‌رفتیم...»

بوتیمار مثل رفیق قدیمی و البته مشهورترش یعنی بیک ایمانوردی در همان سال راهی آلمان شد و بیست سالی آنجا زندگی کرد و تلاش کرد که برای ایرانی‌های مقیم آلمان نمایش اجرا کند و با آموختن زبان آلمانی در حرفه دوبله در سینمای آلمان پول در بیاورد.

روایت است که وقتی در سال‌های ۸۲ و ۸۳ خبر درگذشت رفیق قدیمی‌اش بیک ایمانوردی را در وضعیت بد مالی در آریزونای آمریکا شنید و بعد هم درگذشت ژاله کاظمی ستاره بزرگ دوبله ایران را در ویرجینیا سیتی بر اثر سرطان، دیگر تاب نیاورد و در وحشت مرگ در غربت در اواخر دهه هشتاد راهی تهران شد. جدا از همسر و تک‌دخترش. تا دورانی را در کنار دوستان قدیمی‌اش طی کند. مثل ایرج ایقانی و آرمن مگردیچیان. ایقانی همان آکاردئون‌زن مشهور ترانه لب کارون آغاسی بود. بوتیمار در ایران یک هنرپیشه فراموش شده بود. آوازه فردین و قادری و وثوقی را نداشت. کاری هم برای او نبود. سنش از ۷۰ گذر کرده بود. با این حال در سال ۱۳۸۹، ایرج قادری، او را برای ایفای نقش در فیلم جدیدش به‌نام «فلش» انتخاب کرد و یکی از مقامات وزارت ارشاد نیز اعلام کرد که «مشکل عبدالله بوتیمار برای حضور دوباره در سینما حل شده و در فیلم ایرج قادری بازی می‌کند»، اما بیماری و وضعیت جسمی بد بوتیمار، این اجازه را به او نداد تا بار دیگر خود را بر پرده نقره‌ای و در برابر چشمان نسل جدیدی از تماشاگران سینما که خاطره‌ای تصویری از او در ذهن نداشت، ببیند. در نهایت در آبان ۱۳۹۰ بر اثر سکته مغزی به کما رفت و در بیمارستان فیروزگر بستری شد و دو ماه بعد در دی ماه همان سال درگذشت.

سایت‌نگار

پسر ساده‌لوح رامین، عشق پنهان هاشمی‌نسب، حکم عجیب بهلول

محمدعلی رامین، مقام دولت احمدی‌نژاد، در واکنش به حاشیه‌های یاسین رامین فرزندش و مهناز افشار، برائت‌نامه‌ای نوشته که متن آن در فضای مجازی درحال دست به‌دست شدن است.

در این نامه آمده است؛

یاسین ساده‌لوح! چرا فکر می‌کردی که خیلی زرنگ هستی و بهتر از بزرگترها زندگی را می‌فهمی؟!

ازدواج شماها، برای بهره‌برداری از موقعیت همدیگر بود، نه برای تشکیل یک کانون امن و آرام زندگی خانوادگی!

اما مهناز افشار بعد از فروپاشاندن خانواده‌ات، طبق تربیت خود، گام به گام تو را به سوی سقوط اعتقادی و سیاسی کشانید و تو نفهمیدی که ملاک دنیا و آخرت پدرت، ولی‌فقیه و ایستادن با انقلاب اسلامی در برابر اشرار جهانی بوده و هست!

مهناز که با پذیرش ماموریت ترویج بی‌حجابی و بی‌حیایی، مُحَرِک هر شایعه و کینه‌توزی علیه تو بوده، حالا ظاهراً برای دفاع از مظلومیت تو، با دریدگی تمام «لعنت به جمهوری اسلامی» می‌گوید؛ که البته یقیناً و حتماً، همین «لعن»، در دنیا و آخرت رهایش نخواهد کرد؛ بنابراین اگر هنوز ذره‌ای از اصالت و شعور در خودت سراغ داری، بفهم که بعداز سقوطِ کاملِ تو، مهناز رهایت می‌کند!

آنچه می‌بینم، باید بگویم: مهناز، واقعیت و مجازی را درهم ریخته و می‌خواهد با جذابیت زنانه‌اش، نقش «مریم رجوی زیبا» را بازی کند؛ اما تو «مسعود رجوی» او نیستی و کس دیگری نیاز خواهد بود که بتواند دست به کشتار ملت خود بزند؛ اما در ابتدای عطش‌ناک کینه‌جویی‌ها، هردوباهم تحریک‌پذیر در خدمت دشمنان ایران پادویی خواهید کرد؛ هم به‌خاطر رنج مشترکتان و هم به‌خاطر پیوندتان!

عصر ایران درباره مهدی هاشمی‌نسب نوشت:

مهدی هاشمی‌نسب در سال ۷۸ و ۷۹ بدون تردید بهترین بازیکن لیگ ایران بوده و حتی به‌عنوان یک مدافع فاصله چندانی تا تبدیل شدن به آقای گل لیگ نداشت. اما مهند المهدی عراقی در سال ۷۹ این عنوان عجیب و غیر قابل باور را از مهدی هاشمی‌نسب ربود و طبیعتاً این بازیکن انتظار داشت در صف بالاترین ارقام قرارداد در پرسپولیس قرار بگیرد. در آن مقطع عابدینی که به نوعی نقش کاتالیزور بین علی پروین و رختکن پرسپولیس را بر عهده داشت، تلاش می‌کرد تا با راضی کردن هاشمی‌نسب از نظر مالی زمینه ادامه حضور در پرسپولیس را فراهم کند. به‌عنوان مثال در اسفند ۷۹ و بعد از درگیری علی پروین و مهدی هاشمی‌نسب در ریاض، عابدینی پس از گلزنی این بازیکن در دربی به او یک سیم‌کارت که در آن مقطع ارزش مالی قابل توجهی داشت، هدیه کرد که این رفتار باعث افزایش خشم علی پروین نیز شد. او که در آن سال‌ها به معنی واقعی کلمه سلطان فوتبال ایران بود، رفتارهای عابدینی را برنتابید و به همین علت در مسابقات اسفند ۷۸ و در هفته‌های ماه‌های ابتدایی سال ۷۹، هاشمی‌نسب را تبدیل به یک نیمکت‌نشین صرف کرد تا به‌نوعی زهر چشم از او گرفته و یک بار دیگر قدرت و هیمنه خود را در رختکن پرسپولیس و در مجموع در بین هواداران فوتبال ایران به رخ بکشد (رفتاری مرسوم از علی پروین). تصور کنید مهدی هاشمی‌نسب به‌عنوان بهترین بازیکن ایران، در آن مقطع درگیر لجبازی با علی پروین شده و شاید یک‌سوم پایانی فصل را از روی نیمکت تماشا کرد. اما حداقل نشریات در آن مقطع از شروع دوباره مذاکرات هاشمی‌نسب برای ماندن در پرسپولیس در اردیبهشت خبر دادند، اما باز هم این باشگاه نتوانست بازیکن محبوب خود را از نظر مالی راضی کند. شایعاتی در آن مقطع در مورد انتقال او به باشگاه بوخوم شنیده شد، اما در نهایت به نظر می‌رسید پیشنهاد تیم آلمانی نیز چندان جدی نبود و هاشمی‌نسب باید برای انتقال به این باشگاه، به‌صورت تستی در تمرینات این تیم شرکت می‌کرد که حداقل در آن مقطع بسیاری از بازیکنان چنین پیشنهادی را قبول نمی‌کردند. ولو اینکه کریم باقری نیز شانس حضور در لیگ برتر انگلیس و استمرار بازی در این کشور را به همین علت رد کرد.

پس در واقع مهدی هاشمی‌نسب تنها یک پیشنهاد جدی و واقعی فقط از استقلال داشت. در آن مقطع تیم‌هایی مانند سپاهان یا تراکتور از قدرت و توجه رسانه‌ای و هواداری امروز برخوردار نبودند و غیر قابل باور بود که یک بازیکن در سطح هاشمی‌نسب به‌عنوان موثرترین بازیکن لیگ ایران، در تیمی مانند سپاهان، تراکتور یا تیم‌های مشابه بازی کند. در حقیقت در آن برهه زمانی چاره‌ای برای بازیکنان جز بازی در استقلال یا پرسپولیس یا انتقال به خارج از کشور وجود نداشت.

فارس نوشت: تیراندازی نیز در زمره فدراسیون‌هایی است که در یک سراشیبی مطلق سقوط قرار گرفته و همه هم نظاره‌گرند. فدراسیونی که در المپیک توکیو به مدال طلا رسید؛ حالا حتی نمی‌تواند به یک مدال معمولی نزدیک شود و تبدیل به یک ورزش حاشیه‌ای شده که حرفی در حوزه فنی ندارد. تا به کی انفعال و رصد این وضعیت ادامه خواهد داشت؟ تا نابودی تیراندازی گام‌های زیادی باقی نمانده است!

به گزارش خراسان: مرد جوانی که متهم است به بهانه خواستگاری و ازدواج، زنان جوان را فریب می‌داد و سپس با تعارف کیک‌های زهرآگین به آن‌ها تعرض می‌کرد، در حالی با دستورات ویژه قضایی دستگیر شد که به اموال بسیاری از طعمه‌های خود نیز دستبرد زده است.

این تبهکار مخوف که حدود ۴ماه قبل از زندان آزاد شده بود، هنگامی دوباره تحت تعقیب پلیس قرار گرفت که پرونده‌های تعرض و سرقت اموال زنان جوان در مشهد سریالی شد. به همین دلیل قاضی محمدحسین درودی (دادستان مرکز خراسان رضوی) بلافاصله دستورات ویژه‌ای را برای پیگیری سریع و قاطعانه پرونده سرقت‌های کثیف از زنان صادر کرد و این پرونده با توجه به اهمیت و حساسیت آن در شعبه ۲۰۴ بازپرسی زیر ذره‌بین تحقیقات قضایی قرار گرفت.

آخرین شاکی هم بعد از ۳روز بیهوشی در یک سوئیت اجاره‌ای، روی تخت بیمارستان طالقانی مشهد به هوش آمد و رازهای هولناکی را فاش کرد. گزارش روزنامه خراسان حاکی است با توجه به اهمیت این جرایم تکان‌دهنده، تلاش گسترده پلیس با بهره‌گیری از تجربیات ارزنده قاضی سیدعماد سجادی شهری به واکاوی در بانک اطلاعاتی مجرمان رسید و بدین ترتیب با ردیابی شماره تلفنی که برخی از شاکیان در اختیار پلیس گذاشته بودند، سرنخ‌هایی از یک مجرم سابقه‌دار به‌دست آمد که ۴ ماه قبل از زندان آزاد شده بود، بنابراین دامنه تحقیقات به خیابان آیت‌الله عبادی کشید و کارآگاهان موفق شدند این مرد حیله‌گر را که به «عقرب زهرآگین» معروف شده بود، در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر کنند.

در بازرسی از مخفیگاه وی چندین گوشی تلفن، تعداد زیادی کارت‌های بانکی، لوازم منزل و غیره کشف شد که حکایت از عمق جرایم تبهکارانه وی داشت. بررسی‌های تخصصی در این ماجرا نشان داد مردی که حدود ۴۳ سال دارد با معرفی خود به‌عنوان وکیل یا طلافروش، زنان مطلقه یا رانندگان تاکسی‌های اینترنتی را به بهانه خواستگاری و ازدواج فریب می‌داد و آن‌ها را با شگردی خاص به سوئیت‌های اجاره‌ای می‌کشاند.

سپس با تعارف کیک و شیرینی آغشته به قرص‌های خواب‌آور سنگین، طعمه‌های خود را بیهوش می‌کرد و نه تنها برخی از آنان را مورد تعرض و آزار و اذیت قرار می‌داد بلکه همه اموال، طلا و گوشی تلفن آن‌ها را می‌ربود و در ادامه جرایم وحشتناک خود، پیامی را با این مضمون به مخاطبان گوشی طعمه‌هایش ارسال می‌کرد که حالم خوب نیست یا در جایی گیر کرده‌ام که نیاز شدید به چندین میلیون تومان پول دارم و بدین ترتیب با شماره کارت سرقتی که در اختیار مخاطبان طعمه خود می‌گذاشت از آن‌ها نیز کلاهبرداری می‌کرد.

ایسنا پلاس نوشت: شهرت «فایزر» هم چه به‌خاطر واکسن خیلی معروفش و آلودگی‌های همراه آن که در ژاپن گندش درآمد و چه به‌خاطر محکومیت به پرداخت غرامت، خیلی بیشتر از آسترازنکاست. منتها بدنامی این غول بزرگ داروسازی آمریکا به واکسن محدود نمی‌شود. شکایت ۱۰ هزارنفری اخیر هم که رسانه‌ها درباره‌اش حرف زده‌اند مربوط به دسته‌گل سال‌های قبل این شرکت است. فایزر با درآمد سالانه بین ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلاری، تنها شرکت دارویی است که ۹ قلم دارو را با عرضه جهانی بیش از یک میلیارد دلار در سال به خودش اختصاص داده است.

اسم داروی رانیتیدین را حتماً شنیده‌اید. قرص‌های زانتاک تولید و توزیع شده توسط فایزر در واقع همان رانیتیدینی است که ما آن را به‌عنوان درمان ناراحتی‌های معده می‌شناسیم. چند سالی است مشخص شده قرص‌های زانتاک عوارض سرطانی دارند. سرطان‌زا بودن این دارو هم ذاتی نیست، بلکه برخی داروها دارای موادی هستند که با گذشت زمان، شرایط خاص نگهداری و یا در مجاورت مواد دیگری که در بدن بیماران وجود دارد، خاصیت سرطان‌زایی پیدا می‌کنند. مثلاً سال ۱۳۹۹ «ایسنا» نوشت: NDMA یک ترکیب سرطان‌زاست که به مقدار کم و مجاز در آب کلرزده، غذا و داروهای مختلف یافت می‌شود. سازمان غذا و داروی آمریکا برای به حداقل رساندن میزان مواجهه با این ترکیب، سطح قابل قبول از NDMA را در هر قرص کمتر از ۹۶ نانوگرم تعیین کرده که کاملاً هم بی‌خطر است... اما در سال‌های اخیر میزان بیشتری از ترکیب NDMA در برخی داروهای مورد استفاده برای فشارخون، دیابت و سوزش معده مشاهده شد... در یک مطالعه مشخص شد نگهداری از داروی رانیتیدین در شرایطی که در معرض دما یا رطوبت بالا باشد با گذشت زمان خطر ایجاد ترکیب NDMA را به همراه دارد.

خب... ممکن است بگویید: گناه فایزر این وسط چیست؟ این خاصیت مواد دارویی و شیمیایی مختلف است و آن‌هایی که مسئول حمل‌ونقل و نگهداری دارو هستند باید شرایط لازم را رعایت کرده و اجازه تولید خودبه‌خودی مواد سرطان‌زا در داروها را ندهند. حرف شما وقتی درست است که فایزر از این خاصیت و مشکل برخی داروها بی‌اطلاع بوده باشد. «بلومبرگ» در این‌باره نوشته است: «فایزر برای بررسی ۱۰ هزار پرونده قضایی به توافق رسیده که موضوع اکثر قریب به اتفاق آن‌ها پنهان کردن خطرات سرطان مرتبط با داروی زانتاک توسط این شرکت است!»

به گزارش رسانه‌ها: پیرمردی معروف به بهلول قاتل که دختری ۱۶ ساله را کشته و بعد از اعلام رضایت اولیای دم مقتول از جنبه عمومی جرم به ۸ سال حبس محاکمه شده بود، با کاهش مدت مجازاتش بار دیگر آزادی را تجربه می‌کند.

این مجرم دختری به نام شیما را که قربانی او بود، مدت‌ها در خانه‌اش نگه داشته و سپس به قتل رسانده بود. بهلول قاتل در حالی پای میز محاکمه رفت که اولیای دم از قصاص او گذشت کرده بودند، بنابراین او به هشت سال حبس به‌خاطر جنبه عمومی جرم محکوم بود.

بهلول با شکایت پدرخوانده دختر ۱۶ ساله دستگیر شد. پدرخوانده شیما با شکایتی که مطرح کرده بود از ماموران درخواست کمک کرد تا فرزند ناتنی‌اش را پیدا کنند. او گفت آخرین بار دیده‌اند که دخترش سوار یک خودروی مسافرکش شده است.

ماجرا در ۲۶ مردادماه ۱۳۹۸ به ماموران پلیس تهران خبر داده شد و پدرخوانده شیما اعلام کرد دخترش گم شده است. او گفت دخترش برای خرید خانه را ترک کرده و دیگر برنگشته است.

تحقیقات پلیس در این باره به جریان افتاد تا اینکه معلوم شد او آخرین بار در پایانه بیهقی سوار یک خودروی پژو مسافربر شده است. وقتی مالک خودرو که پیرمردی به نام بهلول بود، مورد تحقیق قرار گرفت، گفت از سرنوشت شیما خبر ندارد، برای همین هم آزاد شد، اما همچنان مظنون اصلی پرونده بود تا اینکه چند ماه بعد اعتراف کرد شیما را به قتل رسانده و جسدش را در خانه‌اش دفن کرده است. بعد از اینکه ماموران خانه متهم را بازرسی کردند، بقایای جسد شیما را یافتند. با شناسایی پدر و مادر واقعی مقتول آنها از بهلول شکایت و درخواست قصاص کردند؛ اما چند ماه بعد اعلام گذشت کردند.

نصرالله رادش با انتشار ویدئویی به تندی از گروهی از همکاران سابقش انتقاد کرد و گفت: از حداقل پنجاه درصد همکارانم حالم به‌هم می‌خورد. اینقدر ریا دارند. اینقدر دروغگو هستند و اینقدر کوچکند.

به گزارش ایسنا، نصرالله رادش در این ویدئو که در فضای مجازی وایرال شده می‌گوید: چندشم میشه از دیدن خیلی‌هایتان. چون روزهایی که توی سر شما می‌زدند و مثل «حیوون» باهاتون برخورد می‌کردند، نصرالله رادش دستتان را گرفت و شما حتی بهش زنگ نمی‌زدید. همه‌اش دروغ و دروغ و دروغ! پستی از هیکل‌تان می‌بارد. حالم به‌هم می‌خورد از دیدن‌تان و یکی از خوشبختی‌هایم اینه که نمی‌بینم‌تان. اگر این را قبل از مرگم نمی‌گفتم خیلی درد داشت. خجالت بکشید. یک ذره آدم باشید و از وضع رفقایتان بپرسید.

۹ زن در نشریه فرانسوی «Elle»، تهیه‌کننده پرکار فرانسوی «آلن سارد» را به تجاوز جنسی متهم کردند.

به گزارش مشرق، اتهامات مطرح شده از سوی این ۹ زن علیه این تهیه‌کننده ۷۲ ساله در آستانه آغاز جشنواره فیلم کن منتشر شده، جشنواره‌ای که این تهیه‌کننده ۵۰ اثر از جمله فیلم برنده نخل طلای «پیانیست» ساخته «رومن پولانسکی» و «جاده مالهالند» از «دیوید لینچ» را نمایش داده است.

این اتهامات به سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۳ بازمی‌گردند و همگی از سوی بازیگران زنی مطرح شده که عمدتاً به غیر از «آنلیس هسمه» و «لارنس کوت» هویت آنها فاش نشده است. موضوع مشترک در میان اتهامات این است که زنان با «آلن سارد» به بهانه بحث در مورد نقش‌های احتمالی در دفتر، خانه و سایر مکان‌های غیرمجاز ملاقات کرده‌اند.

«ژاکلین لافونت» وکیل این تهیه‌کننده پرکار فرانسوی بیانیه‌ای رسانه‌ای صادر کرد و مجله «Elle» را متهم کرد که از «سارد» خواسته بدون افشای نام یا جزئیات زنانی که او را متهم می‌کنند، نسبت به این اتهامات که بیشتر آنها به ۴۰ سال پیش بازمی‌گردد، پاسخگو باشد.

«لافونت» اعلام کرده که «آلن سارد» از این اتهامات دروغین، خشمگین و ویران شده چرا که رفتارهایی که به او نسبت می‌دهند را نمی‌پسندد و برای او کاملاً بیگانه است.

دیروز بخشی از مصاحبه بلند غلامعلی حداد عادل با نشریه فرهیختگان را خواندید. این هم بخشی دیگر از این گفت‌وگو:

-من پیش از دبستان به دبستان رفته بودم. من پنج سال و شش ماه هم بود که مادربزرگم من را برد به همان مدرسه‌ای که پدر و عموهایم آنجا درس خواندند. در واقع آن موقع در محله‌های ما که جنوب شهر تهران بود، کودکستان و پیش‌دبستانی نبود. محله ما هم خیلی محله بدی بود به‌اصطلاح همان گارد ماشین، پاخط. یک جای عجیب‌وغریبی بود.

-منزل ما بعد از میدان قیام روبه‌روی ایستگاه ماشین دودی قدیم بود که ما در کودکی سفرهای بسیاری با ماشین دودی به شهر ری و حضرت عبدالعظیم داشتیم. عرض کردم آنجا محله خوبی نبود و مادربزرگم من را به مدرسه برد و من را بردند کلاس تهیه. آن زمان به آمادگی کلاس تهیه می‌گفتند. من آنقدر کوچک بودم که بچه‌های کوچک کلاس من را بغل کرده و روی طاقچه گذاشتند. به معلم هم گفته بودند که این می‌نشیند سر کلاس و به او کاری نداشته باشید چون همه می‌گفتند برای چی او را سر کلاس آوردید. من نگاه می‌کردم و معلم درس می‌داد و هیچ چیزی هم از من نمی‌پرسید اما از بقیه می‌پرسید و تکالیف‌شان را می‌دید و این جور کارها.

کدام ماشین‌ها برای زنان مناسب است؟

خودروهایی در بازار ایران که می‌توانند باب طبع خانم‌های راننده باشند

گروه خودروماشین، زنانه و مردانه ندارد اما می‌توان مثل خودروی اسپرت که در دسته‌بندی جوان‌پسند قرار می‌گیرد، بررسی کرد کدام خودروها در چند سال اخیر بیشتر مورد علاقه خانم‌ها بوده یا بیشتر طرفدار خریدش هستند. شاید خانم‌ها خیلی علاقه ندارند با ماشینی روبه‌رو شوند که استهلاک زیادی دارد و قرار است هر روز فنی ماشین را چک کنند. از سوی دیگر، ظاهر یک خودرو را بیشتر بپسندند. در این مقاله سعی شده پارامترهایی که برای خانم‌ها در یک خودرو مانند ظاهر، استهلاک کم و فرمان‌پذیری آسان وجود دارد را مورد بررسی قرار بدهیم.

بک X۳ پرو — ۹۳۹ میلیون تومان

بک ایکس تری پرو محصول جدید خودروسازان بم، از آن دسته ماشین‌های جدیدی است که به تازگی به بازار آمده است. یک مینی با ظاهری زیبا که اتفاقا به خاطر رنگ‌های جذابش گزینه فوق‌العاده‌ای برای انتخاب خانم‌ها محسوب می‌شود. بک X۳ پرو، ظاهر خوبی دارد و امکانات مناسبی را ارائه می‌دهد. ویژگی‌های ظاهری آن شامل جلوپنجره با گرافیک عمودی و تزئینات کرومی که تا بالای چراغ‌های جلو امتداد یافته است، سپر جلو با ورودی هوای عریض، چراغ‌های بزرگ جلو با گرافیک زیبا، سپر عقب با طراحی هماهنگ با نمای جلو، چراغ‌های عقب چندضلعی و زیبا و رینگ‌های آلومینیومی ۱۶ اینچی هستند.ابعاد این کراس‌اوور کوچک به ۴۰۰۵ و ۱۷۶۰ و ۱۵۷۵ میلی‌متر با فاصله محوری ۲۴۸۰ میلی‌متر می‌رسد و فضای باری معادل ۴۰۰ لیتر ارائه می‌دهد.بک X۳ پرو از یک پیشرانه ۱/۵ لیتری تنفس طبیعی نیرو می‌گیرد و ۱۰۲ اسب‌بخار قدرت و ۱۴۰ نیوتن‌متر گشتاور را از طریق یک گیربکس اتوماتیک CVT به چرخ‌های جلو می‌فرستد. این پیشرانه در هر ۱۰۰ کیلومتر به طور متوسط به ۶/۱لیتر سوخت احتیاج دارد. سیستم تعلیق در بخش جلو از نوع مک‌فرسون و در بخش عقب از نوع پیچشی نیمه‌مستقل است. کابین بک X۳ پرو ساده و زیباست. یک داشبورد با خطوط افقی وجود دارد که خط افقی و کرومی، دریچه‌های تهویه میانی را به دریچه‌های کناری وصل می‌کند. یک نمایشگر به صورت ایستاده و عریض در بالاترین بخش داشبورد جانمایی شده و دسته‌دنده و غربیلک فرمان هم طراحی زیبایی دارند.

هیوندای i۲۰/ ۲۰۱۵ — ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان

هیوندای i۲۰ هم از محبوب‌ترین ماشین‌های موجود در بازار است. این هاچبک زیبا داستان پرفراز و نشیبی برای حضور در ایران طی کرده است. در سال‌های گذشته که پای خودروسازان خارجی به بازارهای ایران باز و وعده‌های همکاری زیادی مطرح شد، این خودرو در داخل کشور مونتاژ شد اما با ماجراهای برجام تولید و مونتاژ آن متوقف شد. با این وجود نمونه‌های وارداتی و مونتاژ داخلی هیوندا i۲۰ در ایران وجود دارد و اگر با سلیقه و بودجه شما سازگاری داشته باشد، خودروهای مناسب بانوان است. این محصول کمپانی هیوندای، سواری نرم و راحتی دارد، حسگرهای مختلف و دوربین پارک عقب، آپشن‌های فراوان، خدمات پس از فروش مناسب، نمایندگی فعال در ایران و ظاهر زیبایش از جمله دلایلی هستند که باعث شده این ماشین در بین خانم‌ها پرطرفدارتر شود.یکی از کوچک‌ترین و ارزان‌ترین تولیدات هیوندای، هیوندای i۲۰ است که به عنوان یک هاچبک اقتصادی طراحی شد و نسل‌های مختلفی هم داشت. جدیدترین نسل این هاچبک اما تغییرات مناسبی در طراحی داخلی خودرو برای لوکس و جذاب‌تر شدن هیوندای i۲۰ همراه داشته. تا حد خوبی این تغییرات قابل قبول هستند و طرفداران i۲۰ از اعمال تغییرات راضی شده‌اند. هیوندای i۲۰ مدل ۲۰۲۳ ساخت کره‌جنوبی، با حداکثر سرعت ۱۷۰ کیلومتر بر ساعت، به خاطر ظاهر جذاب، ابعاد و قابلیت‌هایی که دارد، می‌تواند گزینه مناسبی برای استفاده روزمره خانم‌ها در شهر باشد.شتاب صفر تا ۱۰۰ نسل جدید این خودرو ۱۰/۹ ثانیه بوده و در لیست خودروهای وارداتی به ایران قرار دارد. حجم باک ۵۰ لیتری از دیگر مزایای این ماشین برای خانم‌ها به حساب می‌آید.

کوئیک جی‌ال‌ایکس — قیمت ۴۳۰ میلیون تومان

خودرو کوییک (Quick) یکی از محصولات شرکت خودروسازی سایپاست که روی پلتفرم X۲۰۰ ساخته شده و به عنوان یک هاچبک مدرن و کم هزینه، از جمله برترین ماشینهای مناسب خانم‌ها شناخته می‌شود. کوییک به عنوان نسخه به‌روزتر و اسپرت‌تر خودرو تیبا طراحی شده و از نظر طراحی ظاهری و امکانات، پیشرفت‌هایی نسبت به نسل‌های قبل خویش دارد. کوییک با طراحی جوان‌پسند و اندازه کوچک‌ترش، بسیار مناسب سبک زندگی شهری و محیط‌های پرترافیک است. این خصوصیت‌ها، یک خودروی جمع و جور را برای بانوانی که به دنبال سرعت و کیفیت هستند، فراهم می‌آورد.قیمت کوییک در مقایسه با دیگر گزینه‌ها مناسب است و نگهداری آن به لحاظ اقتصادی نیز مقرون‌به‌صرفه به شمار می‌آید؛ در نتیجه می‌توان به عنوان یکی از بهترین ماشین‌های اقتصادی برای خانم‌ها روی آن حساب کرد. هزینه‌های تعمیر و نگهداری پایین و دسترسی راحت به قطعات یدکی از دیگر مزیت‌های آن است. اگرچه کوییک نمی‌تواند از لحاظ امنیتی با خودروهای رده بالای بازار رقابت کند، اما تجهیزات ایمنی استانداردی مانند کیسه هوا، سیستم ترمز ABS و EBD را ارائه می‌دهد که برای تردد شهری و سفرهای جاده‌ای کاملاً پاسخگوی نیازها هستند. کیسه هوا برای سرنشینان، سیستم کمکی ترمز پرقدرت و امکانات دیگر که البته شامل چند مدل کوئیک می‌شود.

پژو ۲۰۶ و ۲۰۷ — قیمت ۷۸۰ میلیون تومان

یکی از بهترین ماشینهای مناسب خانم‌ها که جمع و جور است و بیش از یک دهه پیش مهمان بازار اتومبیل ایران شده، پژو ۲۰۶ است. مدل‌های مختلف این خودرو شامل هاچبک و صندوق‌دار هستند. ۲۰۶ با موتورهای متنوعی ارائه شده که در مدل‌های ایرانی عموماً چهار سیلندر هستند.۲۰۶ با اندازه‌ای متوسط و هندلینگ نرم و راحت، برای رانندگی در فضاهای شهری شلوغ و پارکینگ‌های کوچک ایده‌آل است. این خصوصیات رانندگی روزمره را برای بانوان راحت‌تر می‌کند. به علاوه مصرف سوخت پایین ۲۰۶، به‌ویژه در مدل‌هایی با موتورهای کوچک‌تر، آن را به یک خودروی اقتصادی تبدیل می‌کند که هزینه‌های جاری را کاهش می‌دهد. پژو ۲۰۷ که از حدود سال ۲۰۰۶ به عنوان جایگزینی برای مدل ۲۰۶ معرفی شد، نسل بعدی از همان خط تولید است و یکی از بهترین ماشینهای مناسب خانم‌ها به حساب می‌آید. این مدل کمی بزرگ‌تر و سنگین‌تر از پیشینیان خود بوده و با امکانات و آپشن‌های به‌روزتر و طراحی داخلی و بیرونی مدرن‌تری عرضه شده است. مدل‌های مختلف ۲۰۷ شامل هاچبک و SD می‌شوند. پژو ۲۰۷ با ظاهر زیبا، ابعاد متناسب و خطوط جذاب، به بانوانی که به دنبال زیبایی هستند، انتخابی ایده‌آل ارائه می‌دهد. ۲۰۷ به واسطه تجهیزات ایمنی چون کیسه هوا، ترمزهای ABS و سیستم‌های کمکی رانندگی، از ایمنی نسبتاً بالایی برخوردار است که برای رانندگان خانم اهمیت بالایی دارد. هردو خودرو از ماشین‌های موردپسند بانوان هستند.

کیا پیکانتو/۲۰۱۶ — ۱ میلیارد و ۲۸۰ میلیون تومان

کیا پیکانتو یک ماشین دنده اتومات مناسب برای خانم‌ها است که طرفداران زیادی هم بین بانوان دارد. این ماشین با ظاهر زیبا، مینیمال، فانتزی و جذابی که دارد، نظر بانوان را به خوبی جلب کرده است. سنسور پارک عقب آن در کنار گیربکس اتوماتیک باعث رفاه بیشتر راننده می‌شود. کیا پیکاتو از نظر ایمنی هم خودرو قوی و مطلوبی است. ضمن اینکه آپشن‌های متنوعی هم در طراحی آن به کار رفته است. برای مثال این خودرو ترمز ABS دارد، فرمانش به سرعت حساس بوده و سانروف و آینه‌های برقی‌اش راحتی را برای راننده و سرنشینان رقم می‌زند.کیا پیکانتو که تولید کشور کره جنوبی است، یکی از هاچبک‌های کاملا مناسب خانم‌ها به شمار می‌رود. حداکثر سرعت این خودروی شهری، ۱۶۰ تا ۱۸۰ کیلومتر بوده و به ازای هر ۱۰۰ کیلومتر حدود ۵/۸ لیتر بنزین(مصرف سوخت به صورت ترکیبی) مصرف می‌کند. از این رو می‌توان گفت مصرف سوخت کمی دارد.شتاب صفر تا ۱۰۰ کیا پیکانتو، در نسخه ۱/۲۵ لیتری حدود ۱۴ ثانیه و در نسخه ۱ لیتری ۱۰/۱ ثانیه ثبت شده است. این خودرو با حجم باک مناسبی که دارد(۳۵ لیتر)، نیاز شما به پمپ بنزین را تا حد خوبی کم می‌کند. از طرفی، طراحی کیا پیکانتو به گونه‌ای است که با وجود هاچبک بودن، فضای مناسبی برای سرنشینان جلو و عقب خودرو وجود دارد. جادار بودن صندوق و امکان تا شدن صندلی‌های عقب، شرایط را برای استفاده مناسب‌تر از فضا فراهم می‌کند.برخلاف تصور عموم که کیا پیکانتو را یک خودروی صرفا درون شهری می‌دانند، کشش و چسبندگی این خودرو در جاده هم به اندازه‌ای است که ایمنی مناسبی را برای شما فراهم می‌کند. اما نباید از خودروهایی که بیشتر مناسب شهر طراحی شده‌اند توقع سرعت یا قدرت زیادی داشت.

کیا اسپورتیج/ ۲۰۱۵ — ۲ میلیارد و ۸۹۰ میلیون تومان

کیا اسپورتیج یک کراس‌اوور کامپکت محبوب از شرکت خودروسازی کیا موتورز است که از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی آغاز شده و تا امروز یکی از محبوب‌ترین و بهترین ماشین زنانه کیا برشمرده می‌شود. کیا اسپورتیج با تکیه بر طراحی مدرن، امکانات رفاهی بالا و عملکرد قابل اطمینان، به خوبی توانسته است جایگاهش را در بازارهای جهانی و به‌ویژه بازار ایران پیدا کند. این خودرو با ارائه موتورهای متنوع بنزینی و دیزلی و انتخاب‌های مختلف گیربکس، گزینه‌های متعددی را به مشتریان خود عرضه می‌کند.اسپورتیج با طراحی جسورانه و شیک خود، نظر بانوانی که ظاهر خودرو برایشان مهم است را به خود جلب می‌کند. این خودرو ارتفاع نشست بالاتری نسبت به سایر سدان‌های هم‌رده خود دارد و بنابراین دید بهتری را به راننده ارائه می‌دهد. فضای داخلی کیا اسپورتیج نه‌تنها راحت و جادار است، بلکه با مواد اولیه باکیفیت و طراحی دقیق، آسایش را برای سرنشینان به همراه می‌آورد. این ویژگی برای مادران و خانواده‌های پرجمعیت، بسیار حائز اهمیت است و اسپورتیج را به یکی از بهترین انتخاب‌های ماشین مناسب خانم‌ها تبدیل می‌کند.مجهز بودن به سیستم‌های پیشرفته کمک رانندگی، کیسه‌های هوا چندگانه، سیستم ترمز اتوماتیک اضطراری و دیگر تکنولوژی‌های ایمنی، همچنین صندلی‌های گرم‌کن‌دار، سیستم‌های اطلاعاتی و سرگرمی پیشرفته از جمله ویژگی‌هایی هستند که برای بانوان جذابیت دارند.البته که در دور جدید واردات خودرو محصولات کیا با کوشاخودرو به کشور وارد شده است.

وب گردی

شکل جدید مرسدس بنز باشکوه

خبرآنلاین نوشت: شاید فکر کنید که مرسدس بنز باشکوه و پرافتخار، تحت تأثیر تحولات صنعت خودروسازی راه قدیمی خود را گم کرده و بیشتر به سمت خودروهای برقی حرکت می‌کند. اما در کنار محصولات نوین مرسدس، هنوز خودروهایی از این برند وجود دارد که همان تصویر زیبای اصالت و وقار را به ما نشان می‌دهند. مرسدس بنز G۶۳ هنوز وجود دارد و حتی از قبل هم بهتر شده است! G۶۳ گواه آن است که مرسدس هنوز هم شاهکارهایی در آستین دارد.ازنظر بصری، این شاسی‌بلند تقریباً تغییری نسبت به مدل قبلی ندارد و هنوز هم یک پیشرانه V-۸ (۸ سیلندر) توئین‌توربو در زیر کاپوت آن وجود دارد. این شرکت می‌توانست همان خودروی قبلی را بفروشد و عنوان بهترین شاسی‌بلند بازار را از دست ندهد؛ اما AMG فرمول G واگن را بهبود بخشید و سیستم هیبریدی ملایم و سیستم تعلیق انقلابی را به آن اضافه کرد. تعداد انگشت‌شماری از تغییرات بیرونی برای سال ۲۰۲۵ وجود دارد؛ جلوپنجره جدید، چراغ‌های جلو و عقب LED جدید، کالیپرهای ترمز نقره‌ای‌رنگ و تاج AMG روی کاپوت وجود دارد؛ اما بزرگ‌ترین تغییرات مثل همیشه در زیر پوست G کلاس قرار دارد. موتور ۴ لیتری هشت سیلندر خوشبختانه برای سال ۲۰۲۵ دست‌نخورده باقی‌مانده و همان ۵۷۷ اسب بخار قدرت و ۸۵۰ نیوتن‌متر گشتاور قبلی را تولید می‌کند. بین این پیشرانه و گیربکس ۹ سرعته، بخش جدیدی قرار گرفته است؛ ژنراتور استارت یکپارچه (ISG) که در زمان پایین بودن دورها با افزودن ۲۰ اسب بخار قدرت و ۲۰۰ نیوتون‌متر گشتاور،به حرکت روبه‌جلو کمک کند. این دو منبع انرژی با هم برای ثبت شتاب صفر تا صد ۴/۲ ثانیه‌ای کافی است که ۰/۳ ثانیه سریع‌تر از قبل است. حداکثر سرعت به صورت الکترونیکی به ۲۲۰ کیلومتر بر ساعت محدود شده است. جذاب‌تر از فناوری هیبریدی ملایم، سیستم تعلیق جدید G۶۳ است. AMG Active Ride Control سیستم جدیدی است که فقط برای محصولات AMG در دسترس است و می‌تواند عملکرد G۶۳ را در داخل و خارج از جاده متحول کند. ازنظر سیستم تعلیق، این خودرو به خوبی GLS می‌باخ نیست، اما به‌طورکلی بسیار راحت‌تر از قبل است.سیستم AMG Active Ride Control زمانی که این خودرو در زیستگاه طبیعی خود یعنی خارج از جاده قرار دارد، درخشان‌ترین عملکرد خود را ارائه می‌دهد. بالا رفتن از موانع در G۶۳ مانند همیشه آسان است. لاستیک‌ها کمتر زمین را ترک می‌کنند و در نتیجه کشش بیشتری دارند.

داشبورد

رولز رویس کالینان آپدیت می‌شود

از زمان معرفی رولز رویس کالینان در سال ۲۰۱۸ تا به امروز، سگمنت خودروهای لوکس و گران‌قیمت دچار تغییر و تحولات بسیاری شده است. تقریبا تمام برندهای فعال در این بخش از بازار، تلاش کردند تا استانداردها و انتظارات رایج از این سگمنت را متحول کنند. برندهایی مثل فراری و آستون‌مارتین هم در این مدت شانس‌شان را امتحان کردند و اکنون بهترین زمان برای رولز رویس است تا یکی از محبوب‌ترین و موفق‌ترین شاسی‌بلندهای لوکس و مجلل را به‌روزرسانی کند. به گزارش اتومبیل فارسی، تغییرات اعمال‌شده روی کالینان سری ۲ و نسخه اسپرت‌تر Black Badge آن خوشبختانه چندان افراطی و زیاد نیست. این خبر می‌تواند برای طرفداران قدیمی‌تر خودرو خوشحال‌کننده باشد چون معنای آن این است که هر دو نسخه به استفاده از پیشرانه V۱۲ ادامه خواهند داد. این پیشرانه توبین‌توربو قادر به تولید ۵۶۳ اسب بخار در نسخه استاندارد و ۵۹۲ اسب بخار در نسخه جذاب Black Badge است.تغییراتی که رولز رویس برای فیس‌لیفت کالینان به ارمغان آورده شامل دستکاری بخش‌های ظاهری و فناوری‌ها و جزئیات دیگر می‌شود. رولز رویس با مطالعه دقیق انتظارات و خواسته‌های مشتریان کالینان و بررسی رفتارها و عادات آن‌ها در حین رانندگی تلاش کرده تا فیس‌لیفتی که از محبوب‌ترین مدل خود عرضه می‌کند، تمام نیازهای صاحبان این محصول را پاسخ دهد. به عنوان مثال، یکی از موضوعاتی که رولز رویس یاد گرفته این است که کالینان‌ها معمولا درون شهرها هستند و در سفرهای بین جاده‌ای چندان از آن‌ها استفاده نمی‌شود. همچنین، سن متوسط رانندگان و صاحبان خودرو نیز ۴۳ سال است. رولز رویس با در نظر گرفتن این موارد، به تغییرات اعمال‌شده بر روی نسخه فیس‌لیفت چراغ سبز نشان داد. رولز رویس تغییراتی که برای نسخه استاندارد فیس‌لیفت کالینان در نظر گرفته را روی نسخه Black Badge هم اعمال کرده است. همانند اعضای قبلی مجموعه Black Badge، این نسخه از ویژگی‌های متمایزکننده دیگری مثل شیشه‌های دودی و استفاده از رنگ مشکی در عناصر مختلف خودرو بهره می‌برد. کالینان Black Badge همچنین سوار بر چرخ‌های بزرگ و جذاب ۲۳ اینچی است. در فضای داخلی رولز رویس کالینان Black Badge همان پنل دیجیتالی نسخه استاندارد دیده می‌شود اما اینجا هم به‌جای استفاده از کروم، از رنگ مشکی برای عناصر مختلف فضای داخلی استفاده شده است. ظاهر کلی خودرو نیز کمی خشن‌تر است و عملکرد فنی آن هم از برخی تغییرات جزئی مثل جعبه‌دنده کالیبره‌شده و ترمز قوی‌تر بهره می‌برد.

وارداتی‌های گران‌قیمت مشتری ندارند

هونگچی بی ام کارز با کاهش قیمت هم خریدار پیدا نکرد!

هونگچی H۵، سدان لوکس چینی وارداتی بهمن موتور که قیمت آن به حدود ۱۰ میلیارد تومان رسیده بود، حالا روی دست خریداران مانده است. بهمن موتور با تاسیس برند بی ام کارز در راستای واردات محصولات بالارده چینی از جمله خودروهای هونگچی قدم برداشت و تحت این برند، هونگچی H۵ را روانه بازار کرد. این سدان لوکس چینی زمستان گذشته به عرضه رسید و مدتی قبل بعد از تحویل به خریداران، قیمت آن در بازار آزاد مشخص شد. قیمت هونگچی H۵ در بازار آزاد حتی به حدود ۱۰ میلیارد تومان رسید، در حالی که قیمت واردکننده هونگچی H۵ حتی با افزایش صورت گرفته در فروردین ماه، ۲ میلیارد و ۷۶۲ میلیون تومان بود. با وجود این، آخرین اخبار خودرو حکایت از این دارند که این محصول وارداتی جدید حالا حتی با چند میلیارد تومان کمتر هم متقاضی ندارد.

نبود تقاضا برای هونگچی H۵ در بازار آزاد

بررسی بازار آزاد و پلتفرم‌های آنلاین ثبت آگهی نشان می‌دهد که قیمت هونگچی اچ ۵ در بازار به مرور زمان کاهش پیدا کرده و در این مقطع حتی با حداقل قیمت تقریباً ۵ میلیارد تومانی هم برای آن خریدار پیدا نمی‌شود. این اتفاق حاکی از این است که مشتریان نسبت به قیمت غیرواقعی این خودرو وارداتی واکنش نشان داده‌اند و از خرید آن خودداری کرده‌اند. با این رویه، انتظار می‌رود در آینده قیمت هونگچی H۵ بهمن موتور حتی بیشتر از این افت کند و به سطح معقول‌تری برسد. به گزارش گجت نیوز، این در حالی است که این خودرو با قیمت رسمی بیش از ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان هم در حال حاضر بین گران‌ترین خودروهای وارداتی جا دارد. البته عرضه ماشین‌های وارداتی با قیمت چند برابر قیمت رسمیِ تعیین شده توسط شرکت واردکننده، موضوع تازه‌ای نیست و بارها بازار شاهد چنین پدیده‌ای بوده است.هونگچی اچ ۵ یک سدان لوکس کامپکت است که با طراحی به‌روز با اصالت چینی، کابین مجلل و انواع و اقسام امکانات، یکی از لوکس‌ترین خودروهای وارداتی و چینی بازار ایران به‌حساب می‌آید. یک موتور ۲ لیتری ۴ سیلندر توربوشارژ قوای محرکه این خودرو را تامین می‌کند که توانایی تولید قدرت ۲۲۲ اسب بخار و گشتاور ۳۴۰ نیوتن‌متر را دارد. نیرو محرکه آن هم به‌وسیله یک گیربکس اتوماتیک ۸ سرعته به چرخ‌های جلو هدایت می‌شود.

همچنین سعید موتمنی، فعال بازار خودرو درخصوص وضعیت بازار به خبرنگار اقتصاد آنلاین گفت: قیمت‌ها در بازار خودرو از اواخر هفته گذشته روند کاهشی به خود گرفته است و خودروهای نو، کارکرده، وارداتی و مونتاژی ریزش قیمت داشته‌اند.وی افزود: اکثر خودروهایی که بیش از ۵۰۰ میلیون قیمت دارند، بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان افت قیمت داشته‌اند و حتی قیمت خودرویی مانند پژوپارس ۲۰ تا ۴۰ میلیون تومان افت کرده است.موتمنی درخصوص ریزش قیمت خودروهای داخلی توضیح داد: قیمت پژوپارس که تا چند روز پیش ۶۷۵ میلیون تومان بود به ۶۵۵ میلیون تومان رسیده است و حتی تا ۶۳۵ میلیون هم به فروش می‌رسد و قیمت دنا اتوماتیک که یک میلیارد و ۱۵۰ میلیون بود به یک میلیارد و ۱۲۵ میلیون تومان رسیده است. موتمنی اضافه کرد: کیا سلتوس که سه میلیارد و ۹۰۰ میلیون بود، ۳۰۰ میلیون ریزش قیمت داشته است، اما قیمت هیوندای توسان پایین نیامده و همچنان حول ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان می‌چرخد. قیمت النترا ۱۰۰ میلیون افت داشته و در میان خودروهای وارداتی، کرولا کاهش قیمت زیادی داشته و ۴۵۰ میلیون تومان ارزان‌تر شده است.این کارشناس حوزه خودرو تصریح کرد: خودرو چون به یک کالای سرمایه‌ای تبدیل شده است و قیمت آن ارتباط نزدیکی با تنش‌های سیاسی و نوسانات ارزی دارد و از آنها تاثیر می‌پذیرد، به دلیل این که اوضاع کمی آرام شده شاهد عقب‌نشینی قیمت‌ها هستیم، قیمت خودرو که در سال جدید ۳ تا ۵ درصد افزایش یافته بود، آرام آرام در حال نزدیک شدن به قیمت اسفندماه است.

بی‌ستون

اعتراف‌ات خطرناک یک ذهن معتاد به خرید

آیان فرزیان | بعضی مردم نعمت‌هایی مثل صدا یا هنر از خانواده به ارث می‌برند اما یادگاری ژنتیکی پدرم برای من، مهربانی بیش از اندازه با دست‌فروش‌ها است یا هیجان‌زده شدن موقع دیدن کالایی پشت ویترین.

اوایل دهه ۷۰، در ترمینال مسافربری جنوب، جلوی اصرار دورگردی تسلیم شده بود، چون فکر می‌کرد عروسک می‌تواند دخترش را خوشحال کند. همه می‌دانند نباید از دوره‌گردها عروسک لوکس خرید اما ما خانواده‌ای وقتی دست‌فروش و دوره‌گرد می‌بینیم، هول می‌کنیم. شاید بعضی‌هایتان بتوانید پایان ماجرا را حدس بزنید اما قطعا نمی‌توانید درک کنید وقتی در خانه عروسک را از جعبه بیرون کشیدیم، با چه میزان زشتی و پلشتی روبه‌رو شدیم. رسما روی یک تکه پلاستیک بازیافتی خشک و زشت، ماسک سیلیکونی کوچک زیبایی کشیده بودند و با برک دورک، عروسک آنلال را جای یاریی به مردم می‌فروختند. اگر کسی اینطوری سر شما کلاه بگذارد، حداقل تا مدتی دست به عصا حرکت می‌کنید اما پدر نازنین من، هفته بعد در همان ترمینال از دوره‌گرد مشکوک دیگری، چند دست لباس خرید! موقع باز کردن بسته‌بندی پلاستیکی در خانه متوجه شدیم، تمام آن‌ها ضایعاتی هستند و حیله‌گرانه خشکشویی و بسته‌بندی شده‌اند. واکنش پدرم عالی بود، گفت: «به نظرم خودم قیافه طرف (دوره‌گرد دوم) خیلی شبیه قبلی (فروشنده عروسک) بود!». حالا چندتا از شاهکارهای خودم را بشنوید.

معمولا برای خرید هر چیزی دوبار پول می‌دهم. این اتفاق وقتی رخ می‌دهد که بین دو گزینه مردد می‌مانم. اول گزینه ارزان‌تر را برمی‌دارم و به خانه می‌آورم اما قبل از اینکه بتاب بخرد، کیف کنم! وسوسه‌ای در سرم می‌افتد و مثل خوره، مغزم را می‌خورد. قرار می‌روم بازار و گزینه دوم، یعنی گزینه گران‌تر را می‌خرم! چون به نظرم قشنگ‌تر است. خدا کند بین سه گزینه مردد باشم!

یک بار در مترو، دستفروشی موفق شد نظرم را برای خرید پنج فلش ۶۴گیگابایت، به قیمت ۱۰۰هزار تومان جلب کند. نمی‌گویم ارزش ۱۰۰هزار تومان ۸سال پیش چقدر بود اما قسمت آموزنده ماجرا اینجاست که هیچکدام از فلش‌ها کار نکرد.

من مثل بقیه اعضای خانواده، وقتی کلمه off را می‌بینم، دست‌وپایم را گم می‌کنم. چند سال پیش گول کلمه ۷۰درصد آف را خوردم و یک‌سری کمک فنر خاور خریدم.

بعد از کلی تحقیق و جست‌وجو تصمیم را گرفتم. کلی پول دادم و بعد کوچی خریدم. موقع حساب‌وکتاب خانم فروشنده یک شیشه عطر کلونه به‌عنوان اشانتیون داخل کسه خرید آهدانداخت. بلهٔ متاسفانه عطر اشانتیون کلونه، ۱۰۰ پله بهتر از عطر کوچی گران‌قیمت من بود.

رفتم داروخانه، از قیافه یک لیف الیاف طبیعی خوشم آمد؛ بدون اینکه قیمت را چک کنم، وارد سبد خرید کردم و جلوی صندوق فهمیدم باید ۸۵۰هزار تومان پول بدهم. برای اینکه بتوانم خودم و شجره‌نامه خانوادگی را از شر لیف الیاف طبیعی ۵۰۰هزار تومانی خلاص کنم، دیر شده بود یا حداقل برای استانداردهای زن خانوادگی ما دیر شده بود!

من از چند سال پیش به این طرف، خودم را از نمایشگاه کتاب محروم کرده‌ام؛ چون فکر می‌کنم کتابفروشی‌های سطح شهر نباید تعطیل شوند. بعد علاوه بر خود کتاب‌ها، کلی پول می‌دهم تا پیک یا پست کتاب‌ها را برایم ارسال کنند.

دو روز پیش، خامه ترش خریدم. امروز صبح رفتم سر یخچال، مزه کردم و دیدم ترشه! توهم زده خراب شده و انداختم دور. باور کنید وضعیت باقی اموراتِ زندگی‌ام به همین صورت است.

یک بار دیدم سر اتوبان کفش حراج کرده‌اند با قیمت ۱۰۰هزار تومان. هول شدم و توی تاریکی زدم کنار، امروز فهمیدم هر دو لنگه، مال پای چپ هستند.

دو سال پیش دوستم عین کفشی که من گول خوردم و در تبلیغ تلویزیونی ۷۷هزار تومان خریدم را از بازار شاه عبدالعظیم، ۳۳هزار تومان خرید.

بارها پیش آمده برای اینکه ۲۰هزار تومان پول پارکینگ ندهم، کنار خیابان پارک کرده‌ام و موقع برگشت از زیر شیشه ماشین، برگ جریمه ۸۰هزار تومانی پلیس را برداشته‌ام. این اشتباه، برای خرید شامپو خیلی به ضررم تمام شد. جلوی فروشگاهی بازی کرد، چون می‌دانستم شامپوی مورد نظرم را ۱۵۱هزار تومان ارزان‌تر می‌فروشد. وقتی برگشتم بلافاصله پیامک جریمه پلیس روی موبایلم ارسال شد.

موقع خرید بسته اینترنت موبایل زیاد دقت می‌کنم ولی متاسفانه در اغلب مواقع، بسته ۱۰۰ گیگابایت ساعت ۲ بامداد تا ۵صبح تصمیم می‌شود.

دوست دارم به آدم‌ها هدیه‌هایی بدهم که خودم قبلا امتحانشان کرده‌ام. گاهی برای مدتی مشخص به آدم‌ها یک هدیه ثابت می‌دهم. مثلا از سال ۹۵ تا ۹۷، به آدم‌ها مودم TD-LTE هدیه دادم‌ام و چون همه‌شان را به اسم خودم خریده‌ام، میبینت یک روز در میان برایم پیامک هشدار پایان حجم یا اعتبار اشتراک TD-LTE ارسال می‌کند. در کمال شگفتی، معمولا هشدار مربوط به سرویس خود را نادیده می‌گیرم و اینترنتم قطع می‌شود!

وقتی در نگاه اول از چیزی خوشم بیاید، بدجوری دست‌وپایم را گم می‌کنم. آخرین مرتبه از کیفی خوشم آمد و سه رنگ مختلف از آن خریدم. رنگ مشکی بعد از یک ماه استفاده، مضمحل شد. دوتای دیگر را گذاشتم‌ام پشت شیشه و هر روز از دور برایشان ماچ می‌فرستم.

راهنمای لباس پوشیدن به سبک نابغه‌ها

چطور استایلی شبیه به زاکربرگ، بیل گیتس یا استیو جابز داشته باشیم؟

مهسا مزدهی | اگر هر روز بخواهید یک دست لباس خوش سروشکل از کمد بیرون بیاورید و رنگ‌ها و طرح‌ها را با هم سست کنید، هم باید فاتحه حساب بانکی خود را بخوانید و هم زمان زیادی را در هر روز، صرف انتخاب لباس خواهید کرد. این کاری است که اغلب ثروتمندان و نابغه‌های جهان انجامش نمی‌دهند. آنها بیشتر اوقات یک لباس خنثی و ثابت و معمولی می‌پوشند و برای سال‌ها به همان فرم و مدل و رنگ وفادارند. مثلا استیوجابز یک بلوز یقه‌اسکی مشکی داشت که تبدیل به نماد او شده بود و مارک زاکربرگ علاقه زیادی به هودی خاکستری خود دارد. استیوجابز که رهبری غولی به نام اپل را بر عهده داشت یک بار در مصاحبه‌ای گفت من چندین شلوار جین و بلوزهای یقه‌اسکی مشکی مشابه هم دارم. این رسم از قدیم هم ظرفدار داشته است. مثلا انیشتین نابغه فیزیک همیشه یک کت‌وشلوار خاکستری به تن داشت. او البته در تابستان‌ها از بلوزهای دکمه‌دار خنک آستین کوتاه هم استقبال می‌کرد. چندی قبل تصویری از یک کمد پر از تی‌شرت‌های خاکستری با عنوان کمد لباس مارک زاکربرگ، موسس و مدیر فیس‌بوک منتشر شد. او در بهار و تابستان همیشه یک تی‌شرت خاکستری ساده می‌پوشد و آن را با یک شلوار جین ست می‌کند. بیل گیتس علاقه زیادی به پلیورهای رنگی روی پیراهن‌های ساده دارد و جک دوروسی مدیرعامل شبکه ایکس در اغلب اوقات با کت‌وشلوار تیره و خوش‌دوخت و مشابه هم در جمع حاضر می‌شود. اگر ساده‌ترین استایل این جمع را در نظر بگیرید و بخواهید بلوز و شلوار را از برندهای ایرانی تهیه کنید، باید حدودا ۳میلیون تومان برای پوششی مانند آنچه زاکربرگ می‌پوشد، بپردازید. هزینه لباس پوشیدن مانند جک دوروسی بالای ۳۰میلیون تومان می‌شود.

لباس پوشیدن به سبک استیو جابز

درست است که استیو جابز مدیرعامل سابق اپل، سال‌ها است که مرده، اما سبک لباس‌پوشیدن او هنوز هم برای طرفداران استایل نابغه‌ها جذاب است. او در تابستان و زمستان، معمولا یک یقه اسکی مشکی به تن داشت. اگر بخواهید از برندهای ایرانی چنین بلوزی را انتخاب کنید، اغلب باید برای هر عدد بلوز از یک میلیون تومان هزینه کنید. متلا کروم یکی از برندهای داخلی ایران است که یقه‌اسکی مشکی را با قیمت حدودی ۲میلیون و ۷۰۰ هزار تومان می‌فروشد. البته اگر بخواهید در این فصل از آن خرید کنید، با تخفیف می‌شود همان یقه‌اسکی ساده را با قیمت یک میلیون و ۳۴۴هزار و ۵۰۰تومان خریداری کرد. برند سالیا یقه‌اسکی‌های ساده مردانه را با قیمت یک میلیون و ۳۵۰هزار تومان می‌فروشد. یقه‌اسکی‌های مردانه برند وادین‌کوک در فصل سرد، یک میلیون و ۱۹۸هزار تومان بوده، اما حالا به ۹۵۸هزار و ۴۰۰تومان می‌شود، صاحب یکی از آنها در برند جین‌وست که البته با نام جوتی جینز هم دیده می‌شود و ایرانی است، قیمت جین یقه‌اسکی را دو میلیون و ۳۰۰ هزار تومان گذاشته اما از آنجایی که همیشه تخفیف دارد، می‌توانید همان را با قیمت یک میلیون و ۷۰۰هزار تومان بخرید. در نهایت اگر به دنبال اسپیدر سر زدید، می‌توانید یقه‌اسکی‌های مردانه و مشکی را نزدیک به یک میلیون و ۵۰۰هزار تومان بخرید. تکمیل کننده این لباس، برای استیو جابز معمولا یک شلوار جین ساده و معمولی بود. برای خرید چنین جینی از برند جین‌وست، باید نزدیک به ۴میلیون تومان هزینه کنید. وادین کوک شلوارهای جین ساده مردانه را نزدیک به یک میلیون و ۸۵۰هزار تومان قیمت گذاشته و سالیان نمونه‌های مشابه را با همان قیمت یک میلیون و ۸۵۰هزار تومان می‌فروشد. استیوجابز به کتونی‌های مردانه نیوبالانس علاقه زیادی داشت. البته پیدا کردن اصل این مدل‌ها در ایران اگر غیرممکن نباشد، بسیار سخت است. اما به‌طور کلی قیمت کتونی‌های مردانه نیوبالانس معمولا بین ۱۰ تا ۳۰میلیون تومان تعیین می‌شود.

لباس پوشیدن به سبک بیل گیتس

اگرچه در برخی موارد ممکن است بیل گیتس با کت و شلوار و کراوات ببینیم، اما استایل مورد علاقه او، پوشیدن پلیورهای رنگی روی پیراهن‌های ساده با یقه‌های بزرگ است. این مدیر مشهور مایکروسافت معمولا موهای غیرمرتب و فریم عینک ثابتی دارد. اول از همه بهتر است قیمت پیراهن‌های ساده مشابه بیل‌گیتس را ببینیا کنیم که تقریبا چهارفصل هستند. برند کروم که معمولا گران‌تر از دیگر برندهاست، پیراهن‌های ساده و آستین بلند را نزدیک به دو میلیون و ۹۰۰هزار تومان می‌فروشد. اگر بخواهید از سالیان خرید کنید، بابت پیراهن‌های ساده و کلاسیک مردانه، باید دو میلیون و ۳۹۰هزار تومان تا دو میلیون و ۴۹۰هزار تومان هزینه کنید. سلاپین پیراهن مردانه پارچه‌ای و ساده را یک میلیون و ۴۰۰هزار تومان قیمت داده که البته با کمی تخفیف می‌شود آن را با قیمت یک میلیون و ۱۲۰هزار تومان خرید. جوتی جینز یا همان قیمت دارند. البته این برند گزینه‌های ارزان‌تری هم دارد و شما می‌توانید با پولی حدود دو میلیون و ۵۰۰هزار تومان یک پیراهن کلاسیک را از چنین برندی بخرید و به تن کنید. بادی اسپیدر پیراهن‌های ساده مردانه را با نام اکسفورد می‌فروشد. برای خرید یک مدل از آنها باید نزدیک به یک میلیون و ۳۰۰هزار تومان هزینه کنید. بر گردیم بر سر پلیورهای رنگی آقای بیل‌گیتس. برندهای ایرانی اغلب چندان سمت تولید چنین پلیورهایی نمی‌روند. اما مثلا اگر به یکی از شعب سالیان سر بزنید، می‌توانید یک مدل با نام جورلان را که تنوع رنگ هم دارد به قیمت یک میلیون و ۶۸۰هزار تومان تهیه کنید. پلیورهای رنگی مردانه سلامین، ۸۶۸هزار تومان است و البته چندان تنوع رنگی زیادی ندارد. جین‌وست مواردی مشابه آنچه بیل گیتس می‌پوشد را بدون تخفیف، یک میلیون و ۹۰۰هزار تومان قیمت زده که البته می‌شود آن را به قیمت یک میلیون و ۳۴۹هزار تومان تهیه کرد. بادی اسپیدر چنین پلیورهایی را یک میلیون و ۶۹۰هزار تومان قیمت گذاشته که البته می‌توانید آن را حالا که هوا گرم شده با یک میلیون و ۳۵۱هزار تومان بخرید. بیل گیتس هم اغلب لباس‌هایش را با شلوار جین ساده ست می‌کند که قبلا درموردش حرف زدیم و برای خرید از برندهای ایرانی باید بین یک میلیون و ۸۰۰هزار تومان تا دو میلیون تومان بابتشان هزینه کنید.

لباس پوشیدن به سبک زاکربرگ

برخی معتقدند پشت پرده خرید تی‌شرت‌های خاکستری ساده زاکربرگ، پول زیادی ردوبدل می‌شود و او آنها را از برندهای مشهور و گران می‌خرد. این اطلاعات هرگز تایید نشده و ما هم نمی‌دانیم که او برای خرید چنین لباس‌هایی چقدر پرداخت می‌کند. اما می‌توانیم به شما بگوییم اگر برای خرید چنین لباس‌هایی سری به برندهای ایرانی بزنید، چه گزینه‌هایی دارید و چقدر برایتان تمام می‌شود. قبل از همه این‌ها، باید یاد گفت که زاکربرگ طرفدار کتونی‌های برند نایک با رنگ سفید است. این کتونی‌ها هم مانند نیوبالانس در ایران پیدا نمی‌شود. اما اگر گذرتان به کشورهای دیگر افتاد، اغلب باید بیش از ۷میلیون تومان بابت یک جفت از آنها هزینه کنید. این مبلغ بسته به اینکه کدام مدل را در نظر دارید، بسیار متغیر است. برند کروم تی‌شرت طوسی کم ندارد. اما اگر بخواهید یک مدل ساده و مشابه آنچه مارک زاکربرگ می‌پوشد را بخرید، باید نزدیک به دو میلیون و ۵۰۰هزار تومان پول بدهید. البته این در شرایطی است که انتخاب‌های شما پولوشرت باشد و گرنه برای آستین کوتاه‌های یقه گرد خاکستری، کارتان با کمتر از ۳میلیون تومان هم راه می‌افتد. تی‌شرت‌های طوسی و ساده برند سالیان را می‌شود با قیمت ۷۹۰ تا ۸۹۰هزار تومان خرید که یکی از به‌صرفه‌ترین گزینه‌های بازار است. برندهای ایرانی اغلب چندان سمت تولید چنین پلیورهایی نمی‌روند. اما مثلا اگر به یکی از شعب سالیان سر بزنید، می‌توانید یک مدل با نام جورلان را که تنوع رنگ هم دارد به قیمت یک میلیون و ۶۸۰هزار تومان تهیه کنید. پلیورهای رنگی مردانه سلامین، ۸۶۸هزار تومان است و البته چندان تنوع رنگی زیادی ندارد. جین‌وست مواردی مشابه آنچه بیل گیتس می‌پوشد را بدون تخفیف، یک میلیون و ۹۰۰هزار تومان قیمت زده که البته می‌شود آن را به قیمت یک میلیون و ۳۴۹هزار تومان تهیه کرد. بادی اسپیدر چنین پلیورهایی را یک میلیون و ۶۹۰هزار تومان قیمت گذاشته که البته می‌توانید آن را حالا که هوا گرم شده با یک میلیون و ۳۵۱هزار تومان بخرید. بیل گیتس هم اغلب لباس‌هایش را با شلوار جین ساده ست می‌کند که قبلا درموردش حرف زدیم و برای خرید از برندهای ایرانی باید بین یک میلیون و ۸۰۰هزار تومان تا دو میلیون تومان بابتشان هزینه کنید.

لباس پوشیدن به سبک زاکربرگ

برخلاف بسیاری از مدیران بزرگ دنیا، جک دوروسی در انتخاب لباس‌ها و استایل خود حرف‌های برای گفتن دارد. او معمولا استایل شیک و مرتبی دارد. کت و شلوارهای تیره و تیشرت‌های ساده از اصلی‌ترین انتخاب‌های او می‌تواند باشد. دوروسی معمولا در انتخاب لباس‌های خود، درست عمل می‌کند اما فراتر از همین دو گزینه نمی‌رود. در شرایطی که بخواهید از برند آل‌سی‌من یک دست کت‌وشلوار تیره و خوش‌دوخت و نسبتا گران بخرید که شباهت‌هایی به ایجه دوروسی می‌پوشد داشته باشد، باید نزدیک به ۲۷میلیون تومان هزینه کنید. البته این برند کت‌شلوارهای تیره با قیمت ۲۴ تا ۲۴میلیون تومان هم دارد. اما چون پورت می‌پوشد داشته باشید، باید نزدیک به ۱۸میلیون و ۵۰۰هزار تومان در جیب داشته باشید. هاکوپیان تنها است که گویا کراس را همان انجام می‌دهد. چند بار با صدای بلند می‌گوید: «کلس از مغازه ۱۵۰هزار تومان نخر، من اینجا با ۸۰هزار تومان بهترین و محکم‌ترین گلس را روی گوشیت نصب می‌کنم». به اینجا که می‌رسد، یکی از مسافران واگن باتوان گوشی‌اش را از کیفش بیرون می‌آورد و با صدای بلند مرد جوان را صدا می‌زند. مرد که فکر می‌کند مشتری پیدا کرده با شوق چند قدم بلند بر می‌دارد، ولی وقتی چهره خشمگین او را می‌بیند. چند قدم عقب می‌رود. خانم مسافر بلند می‌شود و با صدایی که به همه برسد می‌گوید، لطفا مرد با نه پیچ‌گوشتی چند ضربه محکم به صفحه نمایش گوشی قدیمی‌اش می‌زند و با صدای بلند می‌گوید: «مسافران محترم، گلس نانو، بهترین و مقاوم‌ترین محافظ صفحه نمایش گوشی است؛ در چهار دقیقه نصب می‌شود و برای همیشه خیالتان از بابت صفحه نمایش گوشی راحت می‌شود». مرد با شور و هیجان خاصی توضیح می‌دهد که گلس نانو دستگاهی، برای همیشه گوشی را از خط و خش و آب و ضربه مقاوم می‌کند و حتی اگر از ساختمان چهار طبقه هم بیفتد، خط بر نمی‌دارد. توجه‌ها که جلب می‌شود، کیف فلزی نقره رنگش را بالا می‌گیرد و توضیح می‌دهد همه چیز با دستگاه و جلوی چشم مشتری انجام می‌شود. بعد در کیفش را باز می‌کند و رو به مسافران مترو می‌گیرد. داخل کیف فلزی چند قطره و یک دستگاه سفید رنگ است که گویا کار اصلی را همان انجام می‌دهد. چند بار با صدای بلند می‌گوید: «گلس از مغازه ۱۵۰هزار تومان نخر، من اینجا با ۸۰هزار تومان بهترین و محکم‌ترین گلس را روی گوشیت نصب می‌کنم». به اینجا که می‌رسد، کروم کت‌وشلوار ندارد اما می‌توان کت‌هایی مشابه با آنچه دوروسی می‌پوشد را با کیفیتی بیرون می‌آورد و با صدای بلند مرد جوان را صدا می‌زند. مرد که فکر می‌کند مشتری پیدا کرده با شوق صفحه نمایش را بگیرند، باعث خرد شدن آن می‌شود. یعنی به جای اینکه گلس بشکند، صفحه نمایش زیر گلس از بین می‌رود.

تجربه بازار

نصب گلس نانو در مترو، محافظ یا مخرب؟

کسی فریب نخورد. من این گوشی‌ام را تازه خریده‌ام، ولی گلس نداشت. مغازه‌دار می‌گفت با اجرت ۳۰۰هزار تومان می‌گیرد، من فکر می‌کردم گلس‌های مترو محافظ خوبی هستند. اما نمی‌دانستم مایع است و در گوشی نفوذ می‌کند و میکروفون گوشی را از راه می‌اندازد. حالا نه تنها یک میلیون و ۵۰۰هزار تومان برای تعمیر گوشی داده‌ام، تازه تعمیر کار موبایل گفته، این گلس هیچوقت از روی صفحه نمایشت کنده نمی‌شود. اما داستان گلس‌های نانویی که در مترو نصب می‌کنند اصلا چه هست؟ یکی از فروشنده‌های موبایل که در مغازه‌اش، نصب گلس و تعمیرات گوشی هم انجام می‌دهد به هفت صبح می‌گوید، گلس نانویی که اگر به شکل گلس‌های معمولی باشد، خیلی هم خوب است و مقاومت گوشی و صفحه نمایش را بالا می‌برد. اما گلس‌های مایعی که با دستگاه‌های حرارتی در مترو نصب می‌کنند، گوشی را از بین می‌برد. چون دیگر بعد نخر، من اینجا با ۸۰هزار تومان بهترین و محکم‌ترین گلس را روی گوشیت نصب می‌کنم». به اینجا که می‌رسد، کروم کت‌وشلوار ندارد اما می‌توان کت‌هایی مشابه با آنچه دوروسی می‌پوشد را با کیفیتی بیرون می‌آورد و با صدای بلند مرد جوان را صدا می‌زند. مرد که فکر می‌کند مشتری پیدا کرده با شوق چند قدم بلند بر می‌دارد، ولی وقتی چهره خشمگین او را می‌بیند. چند قدم عقب می‌رود. خانم مسافر بلند می‌شود و با صدایی که به همه برسد می‌گوید، لطفا

لباس پوشیدن به سبک چک‌دوروسی

برخلاف بسیاری از مدیران بزرگ دنیا، جک دوروسی در انتخاب لباس‌ها و استایل خود حرف‌های برای گفتن دارد. او معمولا استایل شیک و مرتبی دارد. کت و شلوارهای تیره و تیشرت‌های ساده از اصلی‌ترین انتخاب‌های او می‌تواند باشد. دوروسی معمولا در انتخاب لباس‌های خود، درست عمل می‌کند اما فراتر از همین دو گزینه نمی‌رود. در شرایطی که بخواهید از برند آل‌سی‌من یک دست کت‌وشلوار تیره و خوش‌دوخت و نسبتا گران بخرید که شباهت‌هایی به ایجه دوروسی می‌پوشد داشته باشد، باید نزدیک به ۲۷میلیون تومان هزینه کنید. البته این برند کت‌شلوارهای تیره با قیمت ۲۴ تا ۲۴میلیون تومان هم دارد. اما متاسفانه آسانسور ندارد. البته به غیر از آسانسور، پارکینگ و انباری هم ندارد. اما ماجرا اینجا است که کرده؛ کوچه این است و می‌توانید ماشینتان را زیر پنجره اتاق خوابتان پارک کنید.

در غرب کرج، یعنی در شهرک کمالشهر نیز می‌توانید با بودجه ۱۵۰میلیون تومانی یک واحد ۶۰متری یک‌خوابه رهن کنید که سال ۹۱ ساخته شده و به تازگی کارهای نوسازی آن به پایان رسیده است. این واحد مسکونی در طبقه سوم واقع شده و آسانسور هم ندارد.

کسانی که با این بودجه دنبال آپارتمان بزرگ‌تر و دو خوابه می‌گردند، می‌توانند، آپارتمان ۸۵متری شهرک آوج را بررسی کنند. این واحد سال ۸۶ ساخته شده و دو اتاق خواب بزرگ دارد که یکی از اتاق‌ها بالکن و کمد دیواری دارد. نکته مهم درباره این آپارتمان، این است که در طبقه چهارم یک ساختمان چهار طبقه واقع شده، اما متاسفانه آسانسور ندارد. البته به غیر از آسانسور، پارکینگ و انباری هم ندارد. اما ماجرا اینجا است که کرده؛ کوچه این است و می‌توانید ماشینتان را زیر پنجره اتاق خوابتان پارک کنید.

در شمال غرب کرج، یعنی در باغستان هم می‌توانید با این بودجه یک واحد ۷۰متری یک خوابه رهن کنید. این واحد مسکونی، سال ۹۰ ساخته شده و در طبقه همکف یک ساختمان دو طبقه قرار دارد. این ملک دونبش و نور گیر است و حیاط دارد. اما متاسفانه آسانسور ندارد. البته به غیر از آسانسور، پارکینگ و انباری هم ندارد.

در غرب کرج، یعنی در خرمدشت، شهرک کی که بعد از پل حصارک قرار دارد، می‌توانید یک واحد ۶۵متری یک آپارتمان ۸۶متری یک خوابه ۱۰۰ سال ساخت رهن کنید. این آپارتمان در یک ساختمان ۱۲ طبقه واقع شده و آسانسور هم دارد. البته روی پارکینگ و انباری این واحد مسکونی نمی‌توانید حساب کنید؛ اما متاسفانه درباره واحدی که برای اجاره گذاشته، نوشته که دو نبش شاید تصور پیدا کردن واحد مسکونی با ۱۵۰ میلیون رهن کامل در کرج سخت باشد، اما بررسی فایل‌های موجود نشان می‌دهد، در شهرهای اطراف کرج می‌توان با این مبلغ حتی آپارتمان نوساز و یا یک ملک حیاط‌دار اجاره کرد. مثلا اگر خیلی نوساز بودن واحد برایتان مهم است، یک آپارتمان ۵۰متری یک خوابه در کوی بهار با این مبلغ رهن داده می‌شود. صاحبخانه تاکید کرده واحد کلید نخورده است و گاز صفحه‌ای و هود هم دارد. این واحد مسکونی در طبقه دوم یک ساختمان سه‌طبقه بدون آسانسور واقع شده که فقط یک انباری دارد. اگر دوست دارید یک سال ساکن خانه نقلی باشید و بعد پول پیش بدهید، آپارتمان ۶۰متری در حصار کرج را اجاره کنید. این آپارتمان در مارلیک کرج است و سال ۹۰ ساخته شده. این واحد مسکونی در طبقه دوم یک ساختمان چهارطبقه قرار دارد. انباری، آسانسور و پارکینگ هم ندارد.

در شهرک آوج که به مرکز کرج نزدیکتر است نیز می‌توانید یک آپارتمان ۸۶متری یک خوابه ۱۰۰ سال ساخت رهن کنید. این آپارتمان در یک ساختمان ۱۲ طبقه واقع شده و آسانسور هم دارد. البته روی پارکینگ و انباری این واحد مسکونی نمی‌توانید حساب کنید؛ اما متاسفانه درباره واحدی که برای اجاره گذاشته، نوشته که دو نبش

معامله شمش طلا
روز سه‌شنبه ۱۵ اردیبهشت‌ماه، در بیست‌وششمین جلسه حراج شمش طلا که در مرکز مبادله ایران برگزار شد، از مجموع ۲۲۰ کیلوگرم شمش طلای استاندارد با عیار ۹۹۵ در هزار و با میانگین قیمت ۳میلیارد و ۳۸۴میلیون تومان به ازای هر شمش طلای استاندارد به فروش رسید. تاکنون، طی ۶۶ حراج برگزارشده، ۴۱۲۰کیلوگرم شمش طلای استاندارد در مرکز مبادله ایران مورد معامله قرار گرفته است.

کیلوگرم **۱۶۸**

بورس بازار هم فرز شد
شاخص بورس تهران روز گذشته دوباره در مسیر نزولی قرار گرفت؛ اما این در حالی اتفاق افتاد که بازار بورس روز سه‌شنبه بعد از یازده روز افت متوالی، سبز شده بود. در معاملات روز چهارشنبه، شاخص کل بورس تهران، ۱۰۷۶ واحد نسبت به روز سه‌شنبه پایین‌تر ایستاد و به سطح ۳میلیون و ۱۶۴هزار و ۹۷واحد رسید. شاخص کل هموزن بورس نیز با ریزش ۱۶۶۶ واحدی، در رقم ۷۱۴هزار و ۹۵واحد ایستاد. همچنین در پرارزش‌ترین معاملات کل بازار سهام به ۵۸ هزار و ۳۴۹میلیارد تومان رسید. ارزش معاملات اوراق بدهی در بازار ثانویه، ۱۷هزار و ۹۹۵میلیارد تومان بود که ۷۱درصد از ارزش کل معاملات بازار را در این روز تشکیل می‌دهد.

واحد **۱۰۷۶**

قیمت مصوب لاستیک چند؟
متقاضیان خرید لاستیک می‌توانند با تبدیل‌نام در سامانه تخصیص تایر لاستیک «دولتی بخرند. البته برای خرید، دارا بودن کد پیش‌ثبت‌نام برای تسریع در انجام استعلام‌ها و فرآیند خرید لاستیک لازم است. امیدوار، عضو هیات رئیسه اتاق اصناف ایران همچنین درباره قیمت لاستیک اعلام کرد: در سایز ۱۳، قیمت قدیم ۷۷۰هزار تومان بود که اکنون به یک میلیون و ۱۰هزار تومان رسیده است. در سایز ۱۴ نیز از یک میلیون ۱۸۹ هزار تومان به یک میلیون و ۱۶۰ هزار تومان رسیده است. در سایزهای ۱۵ و ۱۶ به بالا که مصرف کمتر است، واحدهای صنفی که متاسفانه رسوب کالا دارند، زیر قیمت مصوب، محصول خود را عرضه می‌کنند.

قسط **۱۵**

شرایط جدید پرداخت مالیات
برای اولین بار، پرداخت مالیات در ۱۵ قسط امکان‌پذیر شد. رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور اعلام کرد، برای تسهیل تکالیف مشاغل خرد و تکریم مودیان، همه صاحبان مشاغلی که مجموع فروش خالص کالا و ارائه خدمات آنها در سال ۱۴۰۳ مبلغ ۱۸ میلیارد تومان بوده، مشمول استفاده از تسهیلات تبصره ماده (۱۰۰) هستند. به گفته سجادیان، اگر مودی بدهی نداشته باشد، می‌تواند مالیات مقطوع یا ابرازی خود را در ۱۰قسط به صورت مساوی پرداخت کند. همچنین هر مودی که از چک الکترونیک استفاده کند (فارغ از این که بدهی نداشته باشد) می‌تواند مالیات مقطوع خود را در ۱۵ قسط بپردازد.

هزار نفر **۷۰**

واگذاری زمین به مضمولان
از ابتدای سال ۱۴۰۲ تاکنون ۱۴۶ هزار و ۲۰۰ نفر از مشمولان طرح جوانی جمعیت دارای سه فرزند و بیشتر برای دریافت زمین تائید نهایی شدند و در قالب سه پویش «قربان تا غدیر»، «بیامبر رحمت» و «خانواده مهدوی» ۷۰هزار و ۵۰ نفر افراد مشمول توانستند زمین‌های خود را دریافت کنند. به گفته دبیر ستاد جوانی جمعیت وزارت راه‌وشهرسازی، سال گذشته واگذاری به ۷هزار نفر بر نامه‌ریزی شده بود و امسال نیز به همین میزان زمین در اختیار مشمولان قرار خواهد گرفت که به این ترتیب افراد در صف انتظار دریافت زمین در این طرح به صف نزدیک خواهد شد.

نیش بازار

از ماجرای وام تشویقی دهه‌شصتی‌ها تا جزئیات ساخت مسکن در جزیره ابوموسی

وام تشویقی ازدواج دهه‌شصتی‌ها خیلی‌ها را به اشتباه انداخته که یعنی متولدین دهه شصت می‌توانند مبلغ بیشتری به عنوان وام ازدواج دریافت کنند. اما واقعیت این است که وام ازدواجی که اسمیه خزعلی، معاون امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری درباره آن صحبت کرده، داستان متفاوتی دارد و فقط به برخی از زوج‌های جوان پرداخت می‌شود. این طور که اعلام شده این وام فقط به متولدان دهه‌شصتی تعلق می‌گیرد که در روستا یا شهری با جمعیت زیر ۲۰هزار نفر ساکن باشند. وام تشویقی ازدواج دهه ۶۰ تا ۱۰۰میلیون تومان تسهیلات برای ازدواج، ۲۰۰میلیون تومان برای خرید جهیزیه به صورت اقساطی و ۲۰۰میلیون تومان وام اشتغال می‌شود. همچنین سقف تسهیلات خرید اقساطی جهیزیه برای هر یک از زوجین، حداکثر ۱۰۰میلیون تومان است که قرار شده به صورت کالاکارت داده شود. حداکثر مدت بازپرداخت آن هم ۶۴ماه تعیین شده. جمع این اعداد و ارقام هم نشان می‌دهد که قرار است به زوج‌هایی که شرایط بالا را دارند، ۵۰۰میلیون تومان وام با کارمزد چهار درصد داده شود. البته سکونت در روستا یا شهری با جمعیت زیر ۲۰هزار نفر تنها شروط دریافت این وام نیستند. وام تشویقی ازدواج دهه شصتی‌ها به افرادی تعلق می‌گیرد که تاریخ تولدشان در بازه زمانی یک فروردین ۱۳۶۰ تا ۲۹ اسفند ۱۳۶۹ و تاریخ عقدشان از ۳۰ خرداد سال ۱۴۰۲ تا ۲۹ اسفند سال ۱۴۰۲ باشد. در ضمن، مجوز بودن زوجین و دارا بودن حساب بانک مهر از دیگر شرایطی است که تا زوج‌های دهه شصتی واجد آن‌ها نباشد، خبری از وام هم نیست. تا کنون ۴هزار و ۶۰۰نفر متقاضی دریافت وام تشویقی دهه شصتی‌ها بوده‌اند که از این رقم، فقط ۱۲۰۰ زوج، شرط و شروط دریافت وام را داشتند. طبق اطلاعات منتشرشده، این عدد به بانک و معاونت روستایی معرفی شده‌اند. از بین واجدان شرایط مهر، ۵۰۰زوج موفق شدند که وام را دریافت کنند.

حدود ۴ میلیون پیامک به مالکان خانه‌های خالی ارسال شده است. مدیرکل دفتر اقتصاد مسکن وزارت راه‌وشهرسازی اعلام کرد، بر اساس ارزیابی‌های انجام‌شده، ۱۲۰هزار خانه خالی شناسایی و با معرفی این واحدها به سازمان امور مالیاتی برای همه مالکان آنها برگه تشخیص صادر شده است. فرآیند مالیات ستانی از این واحدها آغاز خواهد شد. ضمن این که با تمام افرادی که بیش از ۳خانه در اختیار داشتند، تماس گرفته شده. همچنین با ۳۰۰ شرکت حقوقی که گزارش خانه خالی از آنها آمده، نامه‌نگاری و تذکرات لازم به این شرکت‌ها داده شده است.

۱۱۰ پروژه نهضت مسکن در جزیره ابوموسی و هرمز کلید خورد. طبق اعلام معاون فنی و م

مرگ به سراغ آلیس مونرو هم آمد

نقطه پایان راوی قصه‌های انسان‌هایی که در حاشیه زندگی، زندگی می‌کردند

رامتین لطیفی | آلیس مونرو، نویسنده داستان کوتاه کانادایی که در قصه‌هایش به زندگی مردم عادی از شهرهای کوچک و روستایی می‌پرداخت و آن‌ها را با روایتی ساده و مبتنی بر زندگی به اسطوره‌هایی باشکوه تبدیل می‌کرد، در ۹۲ سالگی درگذشت. مونرو برای کانادایی‌ها یک گنجینه ملی بود، نویسنده‌ای که بیش از هرچیزی، گوهری به نام عشق و همدلی بین انسان‌ها را با ابزار واژه مکتوب کرد و از این طریق توانست از حصار مرزهای کانادا بیرون برود و آنچنان در سراسر جهان نشت کند که جایزه نوبل ادبیات را برایش به ارمغان آورد. او و آثارش، الهام‌بخش نویسندگان بی‌شماری در سراسر جهان بود و مرگ او بدون هیچ شک و شبهه‌ای و بیش از هر چیزی، فقدانی برای عرصه ادبیات به حساب می‌آید.

مونرو که بسیاری او را بهترین نویسنده داستان کوتاه نسل خود می‌دانند، تنها چند ماه پس از انتشار مجموعه‌ای از داستان‌ها که به گفته او آخرین داستان او خواهد بود، در سال ۲۰۱۳ جایزه نوبل ادبیات را دریافت کرد. او پیش از نوبل، جایزه بین‌المللی بوکر، جایزه ملی منتقدان کتاب آمریکا و هر جایزه ادبی برتر ارائه شده در زادگاهش کانادا، از جمله معتبرترین آن، جایزه فرماندار جنرال را دریافت کرده بود. سینتیا اوزیک نویسنده چند سال پیش با مقایسه او با استاد داستان کوتاه روسیه در قرن نوزدهم گفت: «آلیس مونرو، چخوف است که در عصر و دوران ما، دوباره متولد شد و نویسنده‌ای است که بیش از هم‌عصرانش دوام می‌آورد.» در مورد دوام مونرو در تاریخ ادبیات که شبهه‌ای وجود ندارد. در مورد قرابت مونرو و چخوف باید بگوییم که منتقدان اغلب نام این دو نویسنده را به هم گره می‌زنند، چراکه بن‌مایه آثار درخشان هر دو نویسنده، برزیرلایه‌هایی استوار شده بود که عنصری به نام «شخصیت‌سازی» به معنای دقیق و وسیع کلمه را می‌ساخت.

جان آپدایک، نویسنده، منتقد ادبی نیویورکر، در مصاحبه‌ای با مونترال گزت در سال ۲۰۰۱ گفت: «مونرو نویسنده‌ای است که در عرصه ادبیات به یک ستاره بازیگری تبدیل شده و بدون اینکه بخواهد خودنمایی کند، موفق می‌شود وارد زندگی مردم شود و پیوندی بین آنها و قصه برقرار کند.» اگرچه در نگاه اول، شخصیت‌های داستان مونرو بسیار عادی و معمولی، کسل‌کننده و ساده به نظر می‌رسند و انسان‌هایی هستند که در حاشیه پرتلاطم زندگی امروز بشر با تمام تلاطم‌هایش، زیست می‌کنند اما به تعبیر خود مونرو خصائل و پیچیدگی‌هایی درونشان دارند که نشان می‌دهد هیچ چیز در این دنیا آنطور که نشان می‌دهد ساده و پیش‌بینی‌پذیر نیست و همین امر جهان را به محلی برای زندگی و زندگی را به تجربه‌ای جذاب و شیرین تبدیل می‌کند. مونرو در مصاحبه‌ای با وینتیج بوکز در سال ۱۹۹۸ گفت: «من می‌خواهم داستانی را به روشی تعریف کنم که خواننده احساس کند نه آنچه اتفاق می‌افتد، بلکه روشی که اتفاق‌ها روی می‌دهد، شگفت‌انگیز و قابل تأمل باشد.»

با این حال، در داستان‌های مونرو، مطابق آنچه بشر در زندگی طولانی خود روی این کره خاکی تجربه کرده، پایان خوشی وجود ندارد اما می‌توان گفت در زندگی تمام شخصیت‌های قصه‌های او، لحظاتی از خوبی‌های اساسی متبلور می‌شود که به انسان یادآوری می‌کند به‌رغم تمام سختی‌ها و دشواری‌ها، باید ادامه داد. برای مثال، شخصیت‌های داستان‌های مونرو به وضوح در عشق شکست می‌خورند و ناامیدی‌های‌شان را روی دوش‌شان با خود حمل می‌کنند اما فراموش نمی‌کنند که در این مسیر چیزی به نام عشق را شناختند، هرچند سرانجامی نداشت و آنها را میانه راه رها کرد. به تعبیر جویس کارول منتقد نیویورک تایمز، مونرو این نکته را به خواننده‌اش گوشزد می‌کند که زندگی دلخراش است اما همچنان لحظات ناشناخته زیبایی دارد که حیات را با شخصیت‌هایش آشتی می‌دهد. (لس‌آنجلس تایمز، نیویورک تایمز و پنگوئن)

کمیک

خبر انتقال یک میلیاردی سلاح‌های آمریکایی به اسرائیل در پی ممانعت دو هفته‌ای از ارسال سلاح، ضربه‌ای مهلک به کمپین انتخاباتی جو بایدن وارد آورد و جوانان حامی حزب دموکرات را ناامید کرد. بایدن برای پیروزی و غلبه بیش از هر چیزی در جهان به برقراری صلح و آتش‌بس در جنگ غزه نیاز دارد. از این رو لوله اسلحه‌ای که در دست نتانیاهوست، علاوه بر فلسطینی‌های مظلوم، آینده سیاسی بایدن را هم نشانه گرفته است. کارتونی از واشنگتن‌پست

ینگه دنیا

فصل انتقامجویی؛ کوهن علیه ترامپ

مایکل کوهن، وکیل سابق رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا پس از یک دهه حضور در جمع نزدیکان دونالد ترامپ بار دیگر در دادگاه علیه او شهادت داد. وی که پیش‌تر در دادگاه نسبت به پرداخت ۱۳۰ هزار دلار حق‌السکوت به استورمی دنیلز بازیگر فیلم‌های پورن از سوی موکلش شهادت داده بود، روز سه‌شنبه تایید کرد دونالد ترامپ از این ماجرا به خوبی آگاه بوده است. گفته می‌شود مایکل کوهن به درخواست خانواده‌اش و نیز در پی مجازات‌هایی که پیش‌تر در ارتباط با جرائم این پرونده متحمل شده بود، تصمیم گرفت بار دیگر علیه دونالد ترامپ در دادگاه شهادت دهد. این در حالی است که دفتر کار، آپارتمان مسکونی و اتاق هتلی که مایکل کوهن برای انجام ماموریتی رزرو کرده بود، پیش‌تر در جریان تحقیقات این پرونده از سوی اف‌بی‌آی مورد تفتیش و بازرسی قرار گرفته بود. ارتباط دونالد ترامپ با این بازیگر سابق فیلم‌های پورن با نام اصلی استفانی کلیفورد که رئیس‌جمهوری سابق آمریکا آن را به کلی تکذیب می‌کند، بر اساس پرونده اتهامی به ۱۰ سال پیش از پرداخت حق‌السکوت برمی‌گردد.

اتهامات علیه دونالد ترامپ در خصوص این پرونده سال ۲۰۱۶، چند روز قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح شد. به موجب آنچه در پرنده اتهامی دونالد ترامپ آمده، استفانی کلیفورد با نام مستعار استورمی دنیلز ۱۳۰ هزار دلار از مایکل کوهن، وکیل شخصی میلیاردر آمریکایی دریافت می‌کند. وی در ازای آن می‌پذیرد که در خصوص رابطه جنسی خارج از زناشویی که سال ۲۰۰۶ با دونالد ترامپ داشته، سکوت اختیار کند؛ این در حالیست که ترامپ پیش از برقراری رابطه با این ستاره سابق فیلم‌های پورن، با ملانیا ازدواج کرده بود. استورمی دنیلز نیز پیش از مایکل کوهن، هفته گذشته با حضور در دادگاه شهادت داد که در سال ۲۰۰۶ با دونالد ترامپ رابطه داشته و قبل از انتخابات ۲۰۱۶ بابت مخفی نگه داشتن این موضوع حق‌السکوت گرفته است. مایکل کوهن که به دلیل جرائم مرتبط با همین پرونده و اتهام‌هایی چون فرار از پرداخت مالیات، کلاهبرداری و نقض مقررات تامین مالی کارزارهای انتخاباتی به زندان رفته و نوامبر ۲۰۲۱ از حبس خارج شد، روز سه‌شنبه تایید کرد همانند باقی امور در ماجرای پرداخت حق‌السکوت نیز بنا به خواست دونالد ترامپ عمل کرده بود. وی با قرار گرفتن در جایگاه شاهد تصریح کرد: «برای حفظ وفاداری و انجام کارهایی که او (دونالد ترامپ) از من خواسته بود، اصول اخلاقی‌ام را زیر پا گذاشتم و برای آن متحمل مجازاتی شدم که خانواده‌ام نیز آن را تحمل کردند.»

وکلای مدافع دونالد ترامپ در دادگاه سعی کردند کوهن را فردی جلوه دهند که به دنبال انتقام از رئیس سابق خود است. آنها به کوهن مطالب تند و توهین‌آمیزش علیه دونالد ترامپ در شبکه‌های اجتماعی را یادآوری کردند و مدعی شدند که وی در پی انتقامجویی است و می‌خواهد که رئیس‌جمهوری سابق را دستبند به دست در جایگاه مجرم ببیند.

اما به نوشته آسوشیتدپرس، حیرت‌انگیزترین لحظه روز سه‌شنبه خارج از دادگاه رقم خورد، زمانی که مایک جانسون، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا به همراه ترامپ ظاهر شد؛ چهره‌ای که با غیرقانونی خواندن دادگاه، از جایگاه قدرتمند خود برای اقدام تحریک‌آمیز حزب سیاسی‌اش علیه حاکمیت قانون استفاده کرد. مایک جانسون و سایر قانون‌گذاران جمهوری‌خواه در حالی که خود ترامپ به دلیل حکم دادگاه با ممنوعین صحبت روبرو است، در واقع به عنوان نمایندگان او عمل می‌کنند.

در حالی که جمعی از چهره‌های سیاسی و هواداران حزب جمهوری‌خواه در پس‌زمینه دادگاه حضور داشتند، دونالد ترامپ خطاب به هیات منصفه گفت: «من جانشین و نماینده‌های زیادی دارم که از سراسر واشنگتن می‌آیند، بسیار مورد احترام هستند و زیبا صحبت می‌کنند. آنها معتقدند که این بزرگترین کلاهبرداری است که تا به حال دیده‌اند.» نامزد جمهوری‌خواه انتخابات ریاست جمهوری پیش روی آمریکا خود را بی‌گناه دانسته و کلیه اتهام‌های مطرح در این پرونده را رد می‌کند. این نخستین محاکمه کیفری یک رئیس جمهوری سابق ایالات متحده محسوب می‌شود که ممکن است شش تا هشت هفته به طول انجامد. در جریان رسیدگی به این پرونده اگر ترامپ مجرم شناخته شود، حداکثر چهار سال مجازات زندان در انتظارش خواهد بود. (یورونیوز)

سایت‌نگار

اعلام سفر قریب‌الوقوع پوتین به چین

ولادیمیر پوتین پس از پیروزی در انتخابات و آغاز پنجمین دوره ریاست جمهوری در اولین سفر خارجی خود به چین سفر می‌کند. تحلیلگران روسیه از تصمیم پوتین برای سفر به چین ابراز خرسندی کرده و روابط بین دو کشور را تحسین کردند. یوری اوشاکوف، دستیار رئیس‌جمهوری روسیه پیشتر گفته بود که این سفر اقدامی متقابل پس از سفر دولتی رسمی شی جین‌پینگ رهبر چین به روسیه در مارس به دنبال انتخاب مجدد او در چین بود. به گزارش خبرگزاری تاس، آقای اوشاکوف گفت: «ما این قول را به همکاران چینی خود دادیم، بنابراین آنها این پیشنهاد را دادند و می‌توان گفت، این پاسخی است به اولین سفر رسمی رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ که سال گذشته و پس از انتخابات در چین انجام شد.» دفتر مطبوعاتی کرملین اعلام کرد ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه به دعوت شی جین‌پینگ، رهبر چین، از ۱۶ تا ۱۷ ماه مه برای یک سفر دولتی رسمی به چین سفر می‌کند. مقام‌های روسیه می‌گویند رهبران دو کشور «درباره طیفی از مسائل دوجانبه و همکاری‌های راهبردی مذاکره خواهند کرد و زمینه‌های کلیدی توسعه بیشتر همکاری عملی روسیه و چین را شناسایی خواهند کرد و همچنین در زمینه مسائل مهم بین‌المللی و منطقه‌ای تبادل نظر خواهند کرد.» پس از این مذاکرات، قرار است پوتین و شی بیانیه‌ای مشترک و تعدادی از اسناد دوجانبه را امضا کنند. آنها همچنین در جشنی به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک بین دو کشور و آغاز «سال فرهنگی روسیه و چین» شرکت خواهند کرد. انتظار می‌رود پوتین همچنین با لی چیانگ، نخست‌وزیر چین دیدار کرده و درباره همکاری‌های دوجانبه در زمینه‌های تجاری، اقتصادی و بشردوستانه گفت‌وگو کند. به گفته کرملین، پوتین نه‌تنها از پکن بازدید خواهد کرد، بلکه در مراسمی در هاربین در شمال شرقی چین نیز شرکت خواهد کرد. مفسران روس تصمیم پوتین برای سفر به چین پس از انتخاب مجدد را ستودند و گفتند این سفر نشانه قدرتمندی از اتحاد بین دو کشور است.

دولت بایدن تعرفه واردات خودروهای برقی چین را به میزان ۱۰۰ درصد افزایش می‌دهد

جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا تعرفه‌ها بر واردات خودروهای الکتریکی، پنل‌های خورشیدی، فولاد و سایر کالاهای ساخت چین را افزایش می‌دهد. کاخ سفید اعلام کرده این تصمیم که شامل افزایش ۱۰۰ درصد مالیات برواردات خودروهای برقی از چین می‌شود، پاسخی به سیاست‌های ناعادلانه آن کشور و با هدف حفاظت از مشاغل در ایالات متحده است. چین پیشتر از این تصمیم انتقاد کرده بود. تحلیلگران افزایش این تعرفه‌ها را مرتبط با انتخابات ریاست جمهوری پیش‌رو ارزیابی می‌کنند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا که قصد حضور مجدد در انتخابات ریاست‌جمهوری را دارد، حمایت آقای بایدن از خودروهای برقی را باعث تلف کردن صنعت خودروی آمریکا خوانده بود. علاوه بر افزایش تعرفه خودروهای الکتریکی از ۲۵ درصد به ۱۰۰ درصد، عوارض پنل‌های خورشیدی هم از ۲۵ درصد به ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت. تعرفه برای برخی از محصولات فولادی و آلومینیومی هم از ۷ و نیم درصد یا کمتر، به ۲۵ درصد افزایش می‌یابد. این اقدامات تعرفه‌های گسترده‌ای را که ایالات متحده در دوران آقای ترامپ بر کالاهای چینی و به دلیل «اعمال ناعادلانه تجاری» برقرار کرده بود، گسترش می‌دهد. طی بررسی سیاست‌های اخیر، دولت بایدن، نزدیک به ۱۵۰۰ نظر دریافت کرد که اکثریت قریب به اتفاق آنها، خارج از صنف‌های مرتبط و مربوط به صاحبان مشاغل دیگری بود که استدلال می‌کردند که چنین تصمیمی قیمت‌ها را برای آمریکایی‌های بالا می‌برد و از دولت خواسته بود که از این تصمیم منصرف شود. تصمیم آقای بایدن برای باقی ماندن تعرفه‌ها و گسترش آن در حوزه‌های جدید - حتی در شرایطی که تورم مداوم ایالات متحده بر میزان محبوبیت او تأثیر گذاشته است — گواهی است بر تغییر چشمگیر دیدگاه‌های تجاری برای هر دو حزب سیاسی در ایالات متحده که از ایده تجارت جهانی حمایت می‌کردند. وندی کاتلر، یکی از مقام‌های تجاری سابق ایالات متحده که اکنون نایب رئیس موسسه سیاست جامعه آسیا است، گفت به اعتقاد او آمریکایی‌ها مایلند در ازای حمایت از شرکت‌ها و مشاغل در ایالات متحده، خودروهایی با قیمت بالاتر بخرند. مقامات کاخ سفید در گفت‌وگو با خبرنگاران تأثیر سیاست داخلی بر این تصمیم را رد کردند. آنها گفتند که تصمیم اخیر ایالات متحده ناشی از عملکرد تجاری چین است که به ایالات متحده آسیب می‌رساند و به عنوان مثال شرکت‌های غربی را مجبور به اشتراک‌گذاری اطلاعات می‌کند و سپس این اطلاعات را به سرقت می‌برد. آنها همچنین گفتند این اقدام‌ها هدفمند بوده است و انتظار ندارند باعث تورم شود. (بی‌بی‌سی)

«اتهام تجاوز جنسی به شارلوت لوئیس»؛ رومن پولانسکی در پرونده افترا به بازیگر بریتانیایی تبرئه شد

دادگاه کیفری پاریس، رومن پولانسکی کارگردان مشهور را از اتهام تهمت و افترا به شارلوت لوئیس بازیگر بریتانیایی پس از اینکه او را به تجاوز جنسی در نوجوانی متهم کرده بود، تبرئه کرد. این حکم البته تنها مربوط به اتهام افترا است و ارتباطی به پرونده تجاوز جنسی این کارگردان سرشناس به شارلوت لوئیس ندارد. شارلوت لوئیس در سال ۲۰۱۰ پولانسکی را متهم کرد که در سال ۱۹۸۳ و زمانی که یک دختر نوجوان ۱۶ ساله بوده به بدترین شکل مورد تعرض جنسی این کارگردان نامدار قرار گرفته است. با این حال خانم لوئیس در سال ۱۹۸۶ در فیلم «دزدان دریایی» ساخته پولانسکی بازی کرد. پولانسکی هم در سال ۲۰۱۹ در گفت‌وگویی با مجله فرانسوی «مچ» اتهامات شارلوت لوئیس را «دروغی شنیع» خوانده بود. پس از آن لوئیس از پولانسکی به اتهام افترا شکایت کرد. لوئیس، ۵۶ ساله در ماه مارس به دادگاه گفت که پولانسکی به او تجاوز و سپس به او افترا زده است. پولانسکی ۹۰ ساله که در پاریس زندگی می‌کند در هیچ یک از جلسات دادگاه شرکت نکرد و برای شنیدن حکم هم در دادگاه حاضر نشد. این کارگردان برنده جایزه اسکار و سازنده آثار درخشانی چون پیانیست، بچه رزماری و محله چینی‌ها در طول دوران حرفه‌ای خود به تجاوزهای جنسی دیگری نیز متهم شده که خودش تمام آنها را رد می‌کند. پولانسکی که به اتهام تجاوز به یک نوجوان ۱۳ ساله در سال ۱۹۷۷ در ایالات متحده تحت تعقیب است در سال ۱۹۷۸ به اروپا آمد. در طول این سال‌ها فرانسه، سوئیس و لهستان که محل زندگی او بوده‌اند، درخواست‌های آمریکا برای استرداد این کارگردان سرشناس را رد کرده‌اند. (یورونیوز)

در سال گذشته میلادی ۷۶ میلیون نفر در کشورهای خود آواره شده‌اند

بنا بر جدیدترین گزارش سازمان بین المللی غیردولتی مرکز پایش آوارگی داخلی که روز سه‌شنبه منتشر شد، تعداد آوارگان داخلی کشورها طی پنج سال گذشته ۵۰ درصد افزایش یافته و در دهه گذشته نیز دو برابر شده است. این آمار، شامل پناهندگان و آوارگانی که به خارج از کشورهای خود گریخته‌اند، نمی‌شود. مرکز پایش آوارگی داخلی که تهیه آمار و تحلیل داده‌های مورد نیاز سازمان ملل در زمینه آوارگی داخلی را برعهده دارد، تنها طی سال گذشته میلادی، ۴۶/۹ میلیون جابجایی افرادی که گاهی اوقات بیش از یک بار مجبور به ترک محل زندگی خود شده بودند را شمارش کرده است. در بیشتر این موارد، مانند پس از بلایای طبیعی، آوارگان در نهایت به خانه خود باز می‌گردند. در این گزارش، شمار کل آوارگان درون مرزی تمام کشورها در پایان سال ۲۰۲۳، با احتساب افرادی که از سال‌های پیش از آن آواره شده بودند، حدود ۷۵/۹ میلیون نفر اعلام شده است که نیمی از این تعداد، ساکن کشورهای آفریقای جنوب صحرا هستند. حدود ۹۰ درصد از کل آوارگی‌های داخلی ساکنان کشورها، به درگیری و خشونت نسبت داده شده و تنها حدود ۱۰ درصد از جابجایی‌های داخلی ناشی از تأثیر بلایای طبیعی بوده است. سیل، طوفان، زلزله، آتش‌سوزی و سایر بلایای طبیعی در سال گذشته میلادی مسبب ۲۶/۴میلیون مرتبه جابه‌جایی بوده و ۷/۷میلیون نفر را در کشورهای خود آواره کرده است. (رادیو فرانسه)

حادثه روز

حمله مهاجمان مسلح به خودروی حمل زندانی در فرانسه

در حمله افراد مسلح به یک خودروی حمل زندانی در فرانسه دست‌کم دو مامور زندان کشته و سه نفر دیگر به شدت زخمی شدند. در پی این حمله که روز سه‌شنبه در دپارتمان «اور» روی داد، مهاجمان مسلح موفق به فراری دادن یک زندانی شدند. بیش از ۲۰۰ مامور پلیس برای یافتن مجرم فراری بسیج شدند. به دنبال این حادثه، امانوئل ماکرون، رئیس جمهوری فرانسه ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های قربانیان، وعده داد که همه توان برای یافتن عاملان این حمله به کار گرفته خواهد شد تا آنها به دست عدالت سپرده شوند. اریک-دوپون موروتی، وزیر دادگستری هم از اتاق بحران تشکیل شده در این وزارتخانه اعلام کرد این اولین بار از سال ۱۹۹۲ است که یک مامور زندان حین انجام وظیفه خود کشته می‌شود. به نوشته خبرگزاری فرانسه، کاروان حامل زندانی فراری در زمان حمله مهاجمان مسلح هیچ‌گونه اسکورت پلیسی برای تامین امنیت آن نداشته است. این حمله توسط یک گروه از مهاجمان مسلح به وسیله دو خودرو صورت گرفت که لاشه سوخته یکی از آنها کمی بعد از حادثه در دپارتمان «اور» پیدا شد. زندانی فراری، محمد امر نام دارد و متولد ۱۹۹۴ است. (رادیو فرانسه)

کیوسک

وال‌استریت ژورنال، عکس و تیتر یک خود را به مراسم تقدیر و بزرگداشت مریل استریپ، بازیگر شهیر و پیشکسوت آمریکایی روی فرش قرمز جشنواره کن اختصاص داد.

کراس، عکس و تیتر یک خود را به سایت‌های جدید هسته‌ای فرانسه و سفر مکرون به نرماندی برای ابلاغ آن اختصاص داد. فرانسه در نظر اروپا را زیر چتر هسته‌ای خود قرار داده.

یلو زون

اجرای ترانه نیل یانگ با صدا و اجرای آناتونی بلینکن

بلینکن صبح سه‌شنبه در سفری از پیش‌اعلام نشده و به منظور برگزاری دیداری محرمانه با مقامات اوکراین، وارد کی‌یف شد. این چهارمین سفر او به این کشور محسوب می‌شود و پس از تصویب لایحه کمک نظامی ۶۱ میلیارد دلاری واشنگتن برای کی‌یف، صورت گرفته است. این دیپلمات آمریکایی به زلنسکی گفته است که «کمک در راه است. بخشی از آن همین حالا رسیده و عمده آن هم خواهد رسید. این بسته تفاوتی حقیقی را در جنگ جاری با روسیه در میدان نبرد رقم خواهد زد.» در ادامه اما بلینکن که یک نوازنده حرفه‌ای گیتار الکتریک است، برای القای قوت قلب به اوکراینی‌ها روی صحنه حاضر شد و اثر «راک در دنیای آزاد» اثر نیل یانگ را اجرا کرد و با صدای خودش این ترانه را خواند. گفتنی است اجرای این ترانه که محتوی اشعاری درباره جهان آزاد و به دور از جنگ است، بسیار در فضای مجازی مورد توجه قرار گرفت و در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد تا هشتگ آنتونی بلینکن به یکی از هشتگ‌های داغ شبانه‌روز گذشته بدل شود. (سی‌ان‌ان)

آخر هفته

قهرمان‌هایی که بوی یورو می‌دهند
خرده‌روایت‌های شهر شلوغ
صفحه ۱۰

می‌خواهیم زنده بمانیم
پنج تیم لیگ‌برتری برای بقا در بالاترین سطح فوتبال ایران رقابت تنگاتنگی با یکدیگر طی سه هفته پایانی خواهند داشت صفحه ۱۲

حرف‌های داغ هفته

کیانوش عیاری

«آبادانی‌ها» در جشنواره لوکارنو نمایش داده شد و مدیر سینماتیک پاریس، ضیافت شامی را به افتخار این فیلم برگزار کرد که در آن ۴۰ نفر از سینماگران جهان حاضر بودند. ایشان در تمام مدت آن ضیافت، درباره فیلم حرف زد. وی «آبادانی‌ها» را برتر از «دزد دوچرخه» می‌دانست و مهمانان حاضر نیز بر این عقیده بودند. «دزد دوچرخه» فیلم محبوب من نیست و علاقه‌ای به آن ندارم. اگر به سمت این فیلم آمدم به دلیل قالب آن بود. عقیده دارم انسان برای مشقت به دنیا نمی‌آید بلکه برای کسب لذت زاده می‌شود. ... از طرف دیگر، دزدیده شدن خودروی باجناق من باعث شد به «دزد دوچرخه» فکر کنم.

موزه سینما
۲۴ اردیبهشت

حسن فتحی

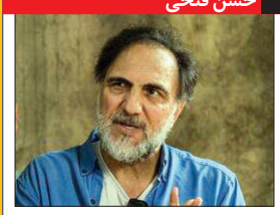

چه ایرانی و چه ترک، همه عاشق مولانا هستند. فکر می‌کردیم باید اثری {مست عشق} بسازیم که تماشاگران هر دو کشور با آن ارتباط برقرار کنند. به هر حال دستگاه ممیزی ممکن است در این دو کشور تفاوت‌هایی با هم داشته باشند که تحت‌الشعاع آن تفاوت‌ها، تغییراتی در نسخه ایرانی و ترک اتفاق می‌افتد. اما قطعا خواست ما این نیست و نبوده است. تلاش‌مان این بوده و هست که این نسخه هم در معرض تماشای تماشاگر ایرانی قرار بگیرد و هم در معرض تماشای تماشاگران ترک... وقتی از مولانا حرف می‌زنیم، از شخصیتی می‌گوییم که به همان اندازه که ایرانی است، همان اندازه هم جهانی است.

روزنامه شرق
۲۴ اردیبهشت

مجید واشقانی

اگر کاری کرده‌ام که بازتاب اجتماعی داشته، درباره‌اش زیاد هم حرف زده‌ام تا بینندگان درباره‌اش اطلاعات زیادی پیدا کنند چون آن شوق را به خودم دادم که درباره‌اش حرف بزنم. سریال «هفت سر اژدها» دیده می‌شود و تمام این آمار و اعدادی که برخی صفحات ارائه می‌کنند، به ضرس قاطع می‌گویم همه‌اش سیاست‌زده و جناحی و کاملاً مغرضانه است. به جد می‌توانم بگویم به‌عنوان یکی از عواملی که در ویترین این کار قرار گرفته‌ام، بازتاب کف جامعه برای من بازتاب بسیار قابل‌قبولی بوده است. کمااینکه اگر چنین بازتابی نبود خودم هم منتقدش می‌شدم و این را بازگو می‌کردم که اشتباه رفتیم و الان می‌توانم بگویم درست رفتیم.

خبرگزاری مهر
۲۲ اردیبهشت

جواد انصافی

از دوران دبستان و دبیرستان کار طنز و نمایش فضای شادی‌آور انجام می‌دادم و از سال ۵۰ به صورت حرفه‌ای کار می‌کردم اما در سال‌های ۵۳ و ۵۴ به خودم اجازه ندادم لباس سیاه بپوشم چراکه می‌گفتم باید اطلاعاتم به حدی برسد که بتوانم لباس سیاه بپوشم. اواخر سال ۵۳، حس کردم اطلاعات لازم را کسب کردم و برای اولین بار سال ۵۴ نمایش سیاه‌بازی را روی صحنه بردم. ابتکار دیگری که زدم این بود که برای نخستین بار یک سیاه زن را در کنار سیاه مرد روی صحنه بردم و سال‌ها این کار ادامه داشت و از سال ۵۸ به بعد اجازه این کار داده نشد.

ایرنا
۲۵ اردیبهشت

خشایار راد

مردم ما فهیم و به دنبال کیفیت هستند. اگر به عنوان مثال می‌بینید که سریال‌های این روزهای شبکه نمایش خانگی دیده می‌شوند و مخاطب برایشان هزینه می‌کند این نشانگر این است که مخاطب دنبال کار درجه یک، خوب و قابل قبول است و می‌بینیم که در حال حاضر سلیقه مردم هم به همین فضا سوق پیدا کرده و هنرمندان هم از همین جا کسب درآمد می‌کنند؛ پس باید حواسمان بیشتر باشد. همیشه برای هر کاری چه در تلویزیون چه نمایش خانگی و حتی سینما و تله‌فیلم، اعتقاد شخصی‌ام این است که سه عامل باعث موفقیت یک کار می‌شوند: فیلمنامه خوب، عوامل و بازیگران خوب و کارگردان خوب.

ایسنا
۲۶ اردیبهشت

چهره هفته

آزاده صمدی

موهبت دوگانه آزاده

ایفای دو نقش متضاد در دو سریال خانگی، موقعیت خوبی است که نصیب آزاده صمدی شده و توانسته تحسین‌ها را به خود ببیند. او در «جنگل آسفالت» نقش دختری خشن و تندخو به نام عاطفه را بازی می‌کند و در «افعی تهران» عهده‌دار کاراکتر الهه، به عنوان مادری مهربان است. عاطفه در «جنگل آسفالت» روزگاری با امیر (علیرضا جعفری) رابطه داشته. او اما دل نکند و با نقشه دزدی دلار، دوباره امیر را به چنگ آورد! حتی او را مجبور کرد به هنگامه (فرشته حسینی) دروغ بگوید که دوستش ندارد و در نهایت جوان مستاصل را سر سفره عقد نشاند. صمدی در «جنگل آسفالت» یک شخصیت زورگو است و آنقدر شخصیت را خوب بازی کرده که گفتار و رفتارش به مخاطب احساس تنفر می‌دهد. این بازیگر در «افعی تهران» اما زنی است مهربان که از آرمان (پیمان معادی) جدا شده و در آستانه ازدواج مجدد است. الهه، فرزندشان را سال‌ها نگهداری کرد و همچنان بابک را سیراب از مهر مادری می‌کند. صمدی هرچقدر در «جنگل تهران» لج مخاطب را در می‌آورد؛ در «افعی تهران» شمایلی سمپاتیک از مادر دارد. حتی نوع گریم، گفتار و شیوه رفتار شخصیت در راستای همراهی مخاطب طراحی شده است.

این فیلم‌ها را ببینید

غلاف تمام فلزی / جمعه / ساعت ۱۹ / شبکه نمایش

- کارگردان: استنلی کوبریک
- تهیه‌کننده: استنلی کوبریک
- نویسنده: استنلی کوبریک
- بازیگران: متیو موداین، آدام بالدوین، وینسنت دن آفریو
- محصول: آمریکا / ۱۹۸۷

وقتی پای فیلمی مانند «غلاف تمام فلزی» به‌عنوان یک شاهکار در میان است، مگر نیازی به توصیه و پیشنهاد وجود دارد؟ فیلم درباره عده‌ای سرباز تازه‌کار است که برای پیوستن به نیروهای دریایی ایالات متحده آمریکا داوطلب می‌شوند. آن‌ها باید هشت هفته آموزش سخت و طاقت‌فرسا را برای پیوستن به نیروی دریایی ایالات متحده و شرکت در جنگ ویتنام پشت‌سر بگذارند. گروهبان توپخانه هارتمن، افسری منظم و بسیار سخت‌گیر است. هارتمن سعی دارد با تمرینات فشرده جسمی و روحی سربازانش را جوری آموزش بدهد که بتوانند در جنگ زنده بمانند.

دی‌دی می‌تازد / جمعه / ساعت ۸:۴۵ / شبکه سه

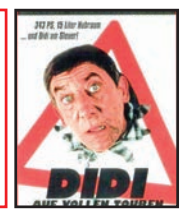

- کارگردان: ویگبرت ویکر
- تهیه‌کننده: دیتر هالروردن
- نویسنده: دیتر هالروردن
- بازیگران: دیتر هالروردن، برنارد منز و پیر تورناد
- محصول: آمریکا / ۱۳۸۶

دی‌دی، که به‌طور اتفاقی در آزمون رانندگی با کامیون در شرکت حمل و نقل آلمانی قبول شده ماموریت پیدا می‌کند تا از طرف شرکت، یک کامیون را به کشور فرانسه برساند. مارسل که مسئول بار شرکت است، گمان می‌کند که این محموله زباله‌های سمی قابل انفجار بوده و دی‌دی از این موضوع خبر ندارد. او با نظر رئیسش تصمیم می‌گیرد در میان راه با دی‌دی همراه شود تا از ایست بازرسی پلیس‌ها فرار کنند. اما در حقیقت طبق نقشه شولز رئیس مافیا، محموله اصلی توسط کامیون دیگری در حال حمل به بندر است.

کیمیا / جمعه / ساعت ۱۷ / شبکه افق

- کارگردان: احمدرضا درویش
- تهیه‌کننده: پخشیران
- فیلمنامه: احمدرضا درویش
- بازیگران: خسرو شکیبایی، بیتا فرهی، رضا کیانیان
- محصول: ایران / ۱۳۷۳

یکی از به‌یادماندنی‌ترین نقش‌آفرینی‌های زنده‌یاد خسرو شکیبایی در همین فیلم به ثبت رسیده است. فیلمی از احمدرضا درویش که در آلبوم افتخارات سینمای دفاع مقدس هم یکی از محبوب‌ترین و متفاوت‌ترین تجربه‌ها محسوب می‌شود. قصه فیلم مربوط به آغاز جنگ تحمیلی است؛ همسر رضا باردار است و رضا او را به بیمارستان می‌رساند و خود به اسارت قوای دشمن درمی‌آید. همسر رضا حین عمل جراحی می‌میرد و دکترش فرزند رضا را نجات می‌دهد. پس از گذشت نه سال، وقتی رضا از اسارت آزاد می‌شود در جست‌وجوی تنها بازمانده خود، فرزندش است.

پیشنهاد ویژه هفته

نگهبان شب | فیلیمو

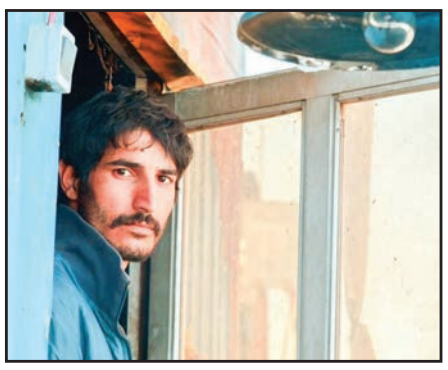

نمای کلی

- کارگردان: میرکریمی
- نویسنده: سیدرضا میرکریمی، محمد داوودی
- تهیه‌کننده: سیدرضا میرکریمی
- بازیگران: تورج الوند، لاله مرزبان، محسن کیایی
- محصول: ایران / ۱۴۰۰
- زبان: فارسی
- زمان: ۱۱۷ دقیقه

درباره فیلم

اگر از علاقه‌مندان سینمای سیدرضا میرکریمی هستید که حتما تا امروز «نگهبان شب» را دیده‌اید و برای تماشای مجدد آن هم نیازی به توصیه ما ندارید! اما اگر هنوز این فیلم را ندیده‌اید، فرصتی را در جدول برنامه‌های خود خالی کنید و به تماشای آن بنشینید، پشیمان نمی‌شوید. «نگهبان شب» فیلمی دیگر از فیلمسازی است که بیش از هر چیز در آثارش، روایتگر زندگی آدم‌های معمولی، از دریچه اخلاق است. آدم‌هایی که میرکریمی تا امروز در ۱۰ فیلم سینمایی خود خلق کرده است، سرشار از سوال و تردیدند و شاید همین عدم قطعیت در دنیای این آدم‌ها باشد که حیات آن‌ها را اینگونه در حافظه مخاطبان آثارش تضمین کرده است. سیدرضا میرکریمی کارگردانی است که هم قصه‌گویی با دوربین را خوب بلد است و هم نگاهی متفاوت نسبت به انسان‌ها دارد.

درباره داستان

براساس تیتراژ ابتدایی فیلم، ایده «نگهبان شب» از آن خود میرکریمی بوده و بعد در فرآیند تولید با همراهی محمد داوودی آن را تبدیل به یک فیلمنامه بلند کرده است. داستان فیلم موقعیتی به‌ظاهر ساده و کلیشه‌ای دارد؛ ماجرای کارگری که به‌دنبال کار موقت در کنار خیابان ایستاده و ناگهان فردی با ماشین شاسی‌بلند پیدا می‌شود و پیشنهاد یک کار تمام‌وقت را به او می‌دهد. میرکریمی همین داستان ساده و تا حدودی کلیشه‌ای را با لحنی تأثیرگذار و با لحاظ کردن خرده‌داستان‌ها پرورانده و رنگی از «عشق» به آن پاشیده است. قهرمان اصلی فیلم رسول با بازی تحسین‌برانگیز تورج الوند است که حالا در موقعیت یک کارگر ساده، زندگی روزمره‌اش با چالش‌هایی مواجه شده است. او در فضای کاری جدید، دل‌بسته می‌شود اما آنگونه که انتظار دارد، زندگی به کامش نمی‌شود.

یک نکته

«اون روز که منو سوار کردین، فک می‌کردم از طرف خدا اومدین!» رسول تازه از زندان آزاد شده و وقتی باردیگر به اجبار سوال ماشین بهنام می‌شود، با چشم‌های اشک‌آلود این کلمات را خطاب به او می‌گوید، تصویری تمام و کمال از حسرت‌هایی که بر دل او چنگ می‌زند اما او حتی نمی‌تواند جمله‌اش را تمام کند. رسول از ماشین پیاده می‌شود و با تمام سوال‌هایی که در ذهن دارد راه خانه را در پیش می‌گیرد؛ آنچه قهرمان «نگهبان شب» در این لحظات تجربه می‌کند را می‌توان حس مشترکی دانست که شخصیت‌های دنیای سینمایی رضا میرکریمی، در تمام این سال‌ها آن را زیسته‌اند. تفاوتی هم ندارد، از سیدحسن «زیر نور ماه» و دکتر عالم «زیر نور ماه» گرفته تا طاهره در «به همین سادگی» و پسند در «یه حبه قند».

فیلم‌های آخر هفته

شبکه نمایش
پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت
گاهی خوشی، گاهی غم / ساعت ۱۳
سازمان آلوده / ساعت ۱۵
اسرار رسمی / ساعت ۱۷
انجمن ادبی کیک پوست سیب‌زمینی / ساعت ۱۹
پیکو / ساعت ۲۱
یخچال / ساعت ۲۳
جمعه ۲۸ اردیبهشت
گذرگاه شبانه / ۱ بامداد
غلاف تمام فلزی / ساعت ۱۹
بی‌باک ۳ / ساعت ۲۱

شبکه یک
پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت
مسیح دوست من است / ساعت ۲۳:۳۰
جمعه ۲۸ اردیبهشت
اخت‌الرضا / ساعت ۱۶:۳۰

شبکه دو
جمعه ۲۸ اردیبهشت
بازی آخر / ساعت ۲۰ دقیقه بامداد
کودک پنجاه ساله / ساعت ۷:۳۰

شبکه سه
پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت
چشم سوم / ساعت ۱۰
فرشته محافظ / ساعت ۱۵:۲۵
دره انتقام / ساعت ۲۴
جمعه ۲۸ اردیبهشت
دیدی می‌تازد / ساعت ۸:۴۵
نامیرا / ساعت ۱۴:۱۵

شبکه چهار
پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت
می‌تونی منو ببخشی؟ / ساعت ۲۰:۳۰
جمعه ۲۸ اردیبهشت
کویر / ساعت ۲۰:۳۰

شبکه تهران
پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت
دی‌دی و دوستان / ساعت ۱۳:۳۰
جمعه ۲۱ اردیبهشت
کوچولوی خیال‌پرداز / ساعت ۹
پسران ماجراجو / ۱۳:۳۰

شبکه کودک
پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت
کارآگاه شرلوک / ساعت ۱۴
جمعه ۲۸ اردیبهشت
پرواز / ساعت ۱۴

شبکه امید
پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت
آخرین نمایش فیلم / ساعت ۱۷
جمعه ۲۸ اردیبهشت
نجات زرافه / ساعت ۱۷

شبکه افق
جمعه ۲۸ اردیبهشت
تولد یک ملت / ساعت ۱۰
کیمیا / ساعت ۱۷

عکس هفته

فصل سوم رحیل می‌آید؟

رامین عباسی‌زاده طراح و تهیه‌کننده بعد از سریال تاریخی «رحیل» این بار زندگی یک سیاستمدار پرمناقشه ایرانی را به شبکه خانگی می‌آورد یا از دل تاریخ امپراطوری سریالی برای تلویزیون خواهد ساخت؟ به گزارش برنا، کشش داستانی «رحیل» آنقدر بود که همچنان بتوان آن را تا فصل سوم ادامه داد به خصوص کاشت‌های داستانی دو فصل قبل و معرفی کاراکترهای چندپهلو باعث شده، بشود روی ادامه موفقیت این سریال برای فصل سوم هم حساب باز کرد. اینکه فصل سوم «رحیل» تولید شود به انگیزه‌های عباسی‌زاده طراح و تهیه‌کننده آن بازگردد که با پیشنهادات مختلفی هم در تلویزیون و هم در پلتفرم و شبکه خانگی مواجه است. عباسی‌زاده پیشنهاد تولید یک سریال عاشقانه-سیاسی ملتهب با داستانی مماس با خط قرمزها، در یکی از پلتفرم‌ها را پیش‌رو دارد که برگرفته از ماجرای واقعی زندگی یک سیاستمدار است ولی اینکه او برای ادامه کار، تلویزیون را برگزیند یا شبکه خانگی‌ریال معلوم نیست؟

ترین‌های هفته

وداع هفته | درگذشت سید علی‌اکبر طوفان‌پناه

به گزارش تسنیم، سید علی‌اکبر طوفان‌پناه که از مدتی قبل بر اثر سکته در بیمارستان بستری شده بود و بیش از یک ماه را نیز در کما گذراند، صبح روز ۲۶ اردیبهشت درگذشت. این خبر را فرزند این بازیگر تأیید کرده که بعد از ترخیص از بیمارستان دچار سکته شده و بعد از بستری دوباره که ۴۰ روز به طول انجامید، دارفانی را وداع گفته است. این بازیگر که از سال ۱۳۸۶ دیگر در عرصه بازیگری حضور نداشت، عمده فعالیتش به سال‌های پیش از انقلاب برمی‌گردد و بعد از آن نیز در فیلم‌ها و سریال‌هایی همچون «معصوم»، «باغ گیلاس» و «عیاران» بازی کرده بود.

شروع هفته | سریال‌های جدید می‌آیند

«آقای قاضی؛ شعبه ۱۲۱» از پنجشنبه- ۲۷ اردیبهشت، روزهای آخر هفته روی آنتن شبکه دو خواهد رفت. «پشت پرده» به کارگردانی محمدرضا حاجی‌غلامی از شنبه- ۲۹ اردیبهشت‌ماه حوالی ساعت ۲۱ و ۱۵ دقیقه روانه آنتن شبکه دو می‌شود. «بدل» به کارگردانی علیرضا مسعودی از جمعه- ۲۸ اردیبهشت ماه- هر شب حوالی ساعت ۲۰:۳۰ روی آنتن شبکه سه خواهد رفت. «دکل» محصول سال ۲۰۲۲ از بامداد جمعه ۲۸ اردیبهشت به روی آنتن شبکه چهار می‌رود. «سرگردان» اثری از کره‌جنوبی در ۱۶ قسمت از یکشنبه ۲۳ اردیبهشت، هر شب حوالی ساعت ۲۳ روی آنتن افق سیما می‌رود.

قهرمان‌هایی که بوی یورو می‌دهند

خرده‌روایت‌های شهر شلوغ | نگاهی به مالکان و بودجه تیم‌های برتر لیگ‌های معتبر اروپایی

مصطفی آرانی | این هفته که بیاید تکلیف قهرمان آخرین لیگ معتبر اروپایی یعنی لیگ جزیره هم روشن خواهد شد. (البته به عنوان یک آرسنالی، از همین حالا تقریبا مطمئن هستم که منچستریونایتد قهرمان خواهد شد!) به هر حال به این بهانه تصمیم گرفتیم نگاهی داشته باشیم به مالکان، مسائل مربوط به بودجه و میزان درآمد و هزینه قهرمان‌های این لیگ‌ها. از آلمان شروع کردیم و سپس به سه ایتالیا و اسپانیا، بر تفال و فرانسه؛ در مورد لیگ انگلستان هم پروفایلی برای دو باشگاه یعنی منچستریونایتد و آرسنال نوشتیم تا در نهایت، دستان بیاید که این تیم‌ها، از چه راه‌هایی، از بلیط فروشی استادیوم گرفته تا کیت‌فروشی و لباس‌هایشان با برخی بخش تلویزیونی و البته فروش استعدادهایی که باشگاه در پروش آن‌ها نقش داشته، درآمد کسب می‌کنند و در چه مسیری آن را خرج می‌کنند. موضوعی که شاید خیلی در یک بازی فوتبال به چشم نیاید ولی به نظر می‌رسد مهم‌ترین پایه و اساس برای فوتبال‌های زیبا و مهیجی است که ماراتاب تلویزیون می‌بینیم. باشگاه‌هایی خصوصی که دغدغه‌شان کسب درآمد است؛ نه صدور بیانیه برای ادامه جنگ لفظی با باشگاه‌رقیب و خریدن تحسین چند کانال تلگرامی یا چند پیج اینستاگرامی که توسط تینیجرها اداره می‌شود!

لورکوزن؛ تیم آسپرینی‌ها

بایر ۰۴ لورکوزن باشگاهی است متعلق به کمپانی Bayer AG در آلمان. همین ابتدای کار بگویم که بیسن بایر و بایرن فرق وجود دارد. پیشوند لورکوزن بایر است چون موسس این باشگاه فردریش بایر نام داشته؛ در حالی که پیش‌وند تیم مشهور شهر مونیخ «بایرن» است که به معنای برامدن این تیم از ایالت باواریا است.

شرکت بایر که موسس لورکوزن است، در سال ۱۸۶۳ تاسیس شده و سال تاسیس لورکوزن سال ۱۹۰۴، یعنی ۴۱ سال بعد از تاسیس شرکت است. حوزه فعالیت این شرکت، داروسازی و مواد شیمیایی است.

شرکت بایر تاریخ پر فراز و نشیبی دارد. از سویی جان بسیاری از انسان‌ها را نجات داده چون در سال ۱۸۹۹ ترکیب دارویی آسپرین را کشف کرده است و از سوی دیگر در جنگ جهانی دوم، در ماجرای هولوکاست نقش جدی داشته و موادی را برای آزمایش روی اسیرای جنگی در اردوگاه‌های کار اجباری یا حتی اتاق گاز تامین می‌کرده و از این رو با اتمام جنگ توسط متفقین مصادره شده است.

با این حال، پس از جنگ این شرکت توانست در فالب اقتصاد سرمایه‌داری آلمان غربی، به سرعت جایگاه سابق خود را پیدا کند و حالا باز هم یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های جهان در حوزه دارو و مواد شیمیایی و جزو یکی از پنجاه شرکت بزرگ در اروپا است.

اگر بخواهیم با عدد و رقم صحبت کنیم، باید بگویم که در سال ۲۰۲۳، میزان درآمد این شرکت حدود ۱ تا ۱۵میلیارد یورو بوده است. طبق صورت‌های مالی سال ۲۰۲۲ هم میزان سود خالص این شرکت بیش از ۴میلیارد یورو بوده است. مجموع دارایی‌های این شرکت در همان سال نزدیک به ۱۲۵ میلیارد یورو بوده و بیش از ۱۰۰هزار کارمند و کارگر دارد.

جالب است بدانید که این شرکت در ایران هم، نمایندگانی برای امور تجاری دارد و محصولاتش در کشور ما نیز به فروش می‌رسد.

با این حال، نباید تصور کرد که موفقیت امسال این تیم به خاطر خرج بسیار زیادی بوده که مالک تروتمند باید لورکوزن داشته است. داده‌های ترانسفر مارکت نشان می‌دهد، لورکوزن در سال جاری حدود ۱۲۰میلیون یورو خرج کرده؛ در حالی که نزدیک به ۷۰میلیون یورو در آمد داشته و بنابراین تبرا نقل‌وانتقالات این باشگاه، فقط ۱۱میلیون یورو منفی است.

از سوی دیگر میزان حقوق‌های این باشگاه در سال جاری حدود ۱۲میلیون یورو در سال بوده. در حالی که به گفته مدیر این باشگاه، بودجه باورن مونیخ سه برابر این و بودجه دورتموند دو برابر این بوده است. بیشترین حقوق را در این باشگاه پاتریک شیک مهاجم ۲۶ساله و اهل جمهوری چک گرفته که حقوق سالیانه او، ۶میلیون و ۴۰۰هزار یورو بوده است. خود زایی آلونسو هم ۶میلیون یورو در سال حقوق گرفته است که اگرچه در بوندس‌لیگا، نفر دوم است ولی با توجه به موفقیتی که برای این تیم کسب کرده، حتما ارزشش را داشته است.

تیم سلطنتی

در اسپانیا چهار باشگاه شاخص رئال مادرید، بارسلونا، اتلتیک بیلبائو و اساسونا به عنوان یک اتحیین ثبت شده‌اند و نه یک شرکت. این وضعیت حقوقی دو تاثیر دارد. یکی اینکه خرید سهام در باشگاه وجود ندارد و چارهای این امکان وجود دارد تا هم صاحب اعضای آن انجمن باشید. در حال حاضر، اعضای انجمنی که در واقع بالاترین هیات حاکمه باشگاه رئال مادرید هستند و به «سوسیوس» مشهورند، ۶۰هزار نفر هستند. اینکه چطور بتوانید عضوی از این انجمن باشید فرایند پیچیده‌ای دارد ولی اجمالاً، بدانید که نیاز به خرج کردن مبلغی پول هم وجود دارد.

دومین تاثیر حقوقی انجمن این است که باشگاه عملا متعلق به هواداران می‌شود و آن‌ها هستند که در مورد باشگاه تصمیم می‌گیرند. از این رو است که مدیران باشگاه هم در قبال این هواداران که عضو آن انجمن هستند، مسئولیت می‌یابند؛ چرا که در انتخابات بعدی برای ریاست باشگاه باید رای آن‌ها را داشته باشند.

رئال مادرید تا سال ۲۰۰۰، از نظر اقتصادی باشگاه منظم و تروتمندی به حساب نمی‌آمد و بدهی‌های کلانی داشت. در این زمان فلورنتینو پرز، رئیس باشگاه شد و توانست با یک مدیریت جاطلبانه امبراطوری کلاهی برای باشگاه بسازد و البته تا همین حالا هم مدیر این باشگاه بماند. پروژه اول پرز، حل و فصل کردن ماجرای بدهی‌های باشگاه بود. پرز این کار را با فروش بخشی از زمین‌های متعلق به باشگاه در شهر مادرید به شهرداری به مبلغ ۲۷۵ میلیون یورو خرج کرد؛ در حالی که نزدیک به ۷۰میلیون یورو در آمد داشته توانست علاوه بر حل‌وفصل ماجرای بدهی باشگاه، گران‌ترین بازیکنان جهان مانند زین‌الدین زیدان، لوئیز فیگو، رونالدو و دیوید بکهام را بخرد.

حالا این باشگاه چقدر درآمد دارد؟ ۸۳۱میلیون یورو از چه راهی؟ بیش از نیمی از این درآمد مربوط به مارکتینگ و بازاریابی و تبلیغات است. رئال در یک پژوهش یکی از ۲۰برند برتر جهان شناخته شده و بنابراین عجیب نیست که این میزان درآمد را از این راه به دست بیاورد. یکی از زیرمجموعه‌های مارکتینگ هم بحث فروش کالاهای مربوط به باشگاه، مثل پیراهن است. گفته شده که این باشگاه بیش از هر باشگاه دیگری در جهان، پیراهن خود را می‌فروشد. حدود یکونیم میلیون عدد در سال. از حدود ۴۰۰میلیون یورویی باقی مانده نیز بیش از نیمی دیگر ناشی از فروش حق‌پخش به پخش‌کننده‌های بین‌المللی است.

البته رئال و فلورنتینو پرز، خیلی هم خرج می‌کنند. مثلا این فصل آن‌ها فقط ۴ میلیون یورو از نقل و انتقالات درآمد داشتند و در مقابل ۱۲۹میلیون یورو در این فصل هزینه کردند و مثلا فقط برای بلینگهام، ۱۰۳ میلیون یورو خرج کردند تا از دورتموند به رئال بیاید.

البته باید این را هم در نظر گرفت که ارزش بازار بازیکنانی که رئال می‌خرد یا در اختیار دارد هم بالاست و می‌تواند از آن‌ها درآمدهای بسیار خوبی کسب کند. مثلا رئال در حال‌حاضر، چهار بازیکن دارد که ارزش بازارشان، ۱۰۰میلیون یورو یا بیشتر است. رودری، والورده، ونیسیوس و همین بلینگهام. این چهارنفر روی هم ۱۰میلیارد یورو ارزش دارند؛ یعنی تقریبا به اندازه کل باشگاه لوورکوزن که ارزش کل بازیکنانش ۹۴میلیون یورو است.

ازدهای سرخ میلان

اینترمیلان از سال ۲۰۱۶ توسط یک کمپانی خصوصی چینی به‌نام Suning Holdings خریداری شده است. در سال ۲۰۱۸ دومین شرکت غیرنظامی بزرگ در سرزمین اصلی چین بود. در سال ۲۰۲۰ هم این شرکت با درآمد حدود ۶۶۵ میلیارد یوانی معادل ۹۲ میلیارد دلار، دومین شرکت برتر چین بود و در صدر فهرست خرده‌فروشی اینترنتی هم قرار داشت. کار اصلی این شرکت هم خرده‌فروشی است و در واقع یک نوع فروشگاه زنجیره‌ای است. البته این را هم باید گفت که از سال (۲۰۲۱) این شرکت حدود یک‌چهارم از سهام خود را به بخش دولتی واگذار کرده است.

داده‌هایی از فوربس به‌دست آوردیم که نشان می‌دهد این شرکت در بهار سال گذشته بیش از یک میلیارد دلار ارزش داشته است. داده‌های مربوط به یک سال قبل از آن یعنی فصل ۲۰۲۲ نشاندهنده این است که درآمد باشگاه در یک سال ۳۰۸ میلیون یورو بوده است که ۱۳درصد از آن مربوط به درآمدهای روز مسابقه بوده است. ۵۲درصد از آن مربوط به حق‌پخش بوده و ۲۱درصد از آن مربوط به تبلیغات و ۱۵درصد نیز مربوط به درآمدهای باشگاه از ناحیه برندآن بوده است.

در مورد اینترمیلان جای توجه به این نکته ضروری است که هنوز هم مشکلات مالی که این باشگاه با آن روبه‌رو بوده و به فروش به چینی‌ها انجامید به‌طور کامل برطرف نشده و باشگاه تقریبا به‌اندازه ۴۰درصد از کل ارزش خود، بدهی دارد. در حالی که این میزان برای باشگاه‌های مثل یوونتوس ۱۰درصد است.

جالب است بدانید که باشگاه در فصل منتهی به قهرمانی اخیرش در سری آ، در نقل و انتقالات روی دور سود بوده است و ۱۳۰ میلیون یورو بازیکن فروخته و حدود ۷۵ میلیون یورو بازیکن خریده است. با این حال به مدد نزدیک به ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار یورو حقوق هفتگی که بازیکنان این تیم می‌گرفتند؛ موفقیتی این چنینی به‌دست آمده است.

برخی از این بازیکنان البته حق داشتند که این میزان حقوق بگیرند. مثلا مارتینز آرژانتینی که در فصل گذشته حدود ۱۱ میلیون و ۱۰۰ هزار یورو حقوق از اینترمیلان دریافت کرده است؛ نزدیک به ۱۰۰ میلیون یورو در بازار نقل و انتقالات ارزش دارد. دستمزد آقای اینزاگی هم برای فصل گذشته حدود ۵ میلیون یورو بوده است. او بعد از مربی یوونتوس و نیز مورینیو و در آ.اس.رم و همچنین مربی میلان، چهارمین مربی در آمدها را در سری آ امسال را داشته است.

اسپورتینگ؛ ثروتمند ولی در حد لیسبون

قهرمان امسال لیگ پرتغال متعلق است به باشگاهی به همین نام. هیات مدیره از آن حداقل پنج و حداکثر یازده نفر تشکیل می‌شود که یک‌سوم از اعضای آن باید بیش از بیست سال سابقه عضویت در باشگاه را داشته باشند و یک‌سوم دیگر بیش از پانزده سال. البته سهام باشگاه فوتبال در بورس پرتغال هم عرضه شده و قابل خریداری است.

ارزش باشگاه اسپورتینگ از همه باشگاه‌هایی که در این هفته بررسی می‌کنیم کمتر است. کل ارزش بازیکنان باشگاه ۳۲۹ میلیون یورو است که یک‌ششم آن هم مربوط به بازارش‌ترین بازیکن باشگاه یعنی ویکتور گیوکرس سوئدی است. بیشترین حقوق را اما فرانسیسکو ترینکائوی پرتغالی امسال از باشگاه گرفته که حدود ۷۵ هزار یورو در هفته بوده است. عملکرد باشگاه در نقل و انتقالات هم مثبت بوده به‌گونه‌ای که حدود ۱۲۳ میلیون یورو بازیکن فروخته و نیمی از این مبلغ را خرج خرید بازیکن جدید کرده و به این ترتیب نزدیک به ۶۵ میلیون یورو سود داشته است.

میزان درآمد باشگاه در سال ۲۰۲۳ نزدیک به ۱۲۳ میلیون دلار بوده است که از این میزان باز هم بیشترین مبلغ مربوط به حق پخش تلویزیونی است. حدود ۳۷درصد از کل درآمد باشگاه مربوط به حق‌پخش و حدود ۲۵درصد مربوط به درآمد بلیت‌فروشی بوده و نزدیک به ۲۱درصد از آن مربوط به درآمدهای ناشی از اسپانسر و تبلیغات.

پاری‌سن‌ژرمن؛ قطری با لهجه فرانسوی

شاید خیلی لازم نباشد در مورد مالک پاری‌سن‌ژرمن صحبت کنیم چون بسیاری از جزئیات آن هم باخبرند ولی شاید ندانید که پاری‌سن‌ژرمن در ابتدا متعلق به هواداران بود، سپس گروهی از تاجران ثروتمند فرانسوی مالکیت باشگاه را در اختیار گرفتند، بعد از آن برای مدتی شرکت سرمایه‌گذاری کاتار وارد شد و بعد از آن یک شرکت سرمایه‌گذاری مالک آن شد و در نهایت از سال ۲۰۱۱ بود که قطری‌ها از طریق شرکت سرمایه‌گذاری ورزشی خود حدود ۸۸ درصد از سهام این باشگاه را در اختیار گرفتند. از همان زمان هم نام‌آور الخلیفی معروف به ناصر خلاف رئیس این باشگاه است اما گفته شده که تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر، خرج آن را در مورد هر تصمیم مهم باشگاه می‌زند.

در حال حاضر باشگاه با ارزش حدود ۴ میلیارد دلاری هفتمین باشگاه ارزشمند در جهان است. میزان درآمد آن در ۲۳۹ میلیون دلار در سال ۲۰۲۱ - ۲۰۲۲ بوده است و حجم بدهی به ارزش باشگاه حدود ۲درصد است که یک رقم بسیار اندک به حساب می‌آید. بر خلاف سایر باشگاه‌ها، حق پخش اکثر درآمد این باشگاه را در اختیار ندارد بلکه این مسائل تجاری و مارکتینگ و اسپانسرشیپ است که با حدود ۴۵ درصد، بیشترین سهم از سبد درآمدی باشگاه را دارد. پس از آن حق پخش با حدود ۲۰ درصد قرار دارد.

قطری‌ها تاکنون نزدیک به ۲ میلیارد دلار در پاری‌سن‌ژرمن سرمایه‌گذاری کردند به این امید که بتوانند نه فقط قهرمان لیگ فرانسه که قهرمان لیگ قهرمانان اروپا شوند ولی امسال نه‌تنها این اتفاق برای آن‌ها نیفتاد و از همان ابتدا در مقابل دورتموند از این رقابت‌ها حذف شدند بلکه یکی از بازیکنانی که نه انتقالات هم مثبت بوده به‌گونه‌ای که حدود ۱۲۳ میلیون یورو بازیکن فروخته و نیمی از این مبلغ را خرج خرید بازیکن جدید کرده و به این ترتیب نزدیک به ۶۵ میلیون یورو سود داشته است.

میزان درآمد باشگاه در سال ۲۰۲۳ نزدیک به ۱۲۳ میلیون دلار بوده است که از این میزان باز هم بیشترین مبلغ مربوط به حق پخش تلویزیونی است. حدود ۳۷درصد از کل درآمد باشگاه مربوط به حق‌پخش و حدود ۲۵درصد مربوط به درآمد بلیت‌فروشی بوده و نزدیک به ۲۱درصد از آن مربوط به درآمدهای ناشی از اسپانسر و تبلیغات.

پاری‌سن‌ژرمن؛ قطری با لهجه فرانسوی

شاید خیلی لازم نباشد در مورد مالک پاری‌سن‌ژرمن صحبت کنیم چون بسیاری از جزئیات آن هم باخبرند ولی شاید ندانید که پاری‌سن‌ژرمن در ابتدا متعلق به هواداران بود، سپس گروهی از تاجران ثروتمند فرانسوی مالکیت باشگاه را در اختیار گرفتند، بعد از آن برای مدتی شرکت سرمایه‌گذاری مالک آن شد و در نهایت از سال ۲۰۱۱ بود که قطری‌ها از طریق شرکت سرمایه‌گذاری ورزشی خود حدود ۸۸ درصد از سهام این باشگاه را در اختیار گرفتند. از همان زمان هم نام‌آور الخلیفی معروف به ناصر خلاف رئیس این باشگاه است اما گفته شده که تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر، خرج آن را در مورد هر تصمیم مهم باشگاه می‌زند.

اسپورتینگ؛ ثروتمند ولی در حد لیسبون

قهرمان امسال لیگ پرتغال متعلق است به باشگاهی به همین نام. هیات مدیره از آن حداقل پنج و حداکثر یازده نفر تشکیل می‌شود که یک‌سوم از اعضای آن باید بیش از بیست سال سابقه عضویت در باشگاه را داشته باشند و یک‌سوم دیگر بیش از پانزده سال. البته سهام باشگاه فوتبال

ازدهای سرخ میلان

اینترمیلان از سال ۲۰۱۶ توسط یک کمپانی خصوصی چینی به‌نام Suning Holdings خریداری شده است. در سال ۲۰۱۸ دومین شرکت غیرنظامی بزرگ در سرزمین اصلی چین بود. در سال ۲۰۲۰ هم این شرکت با درآمد حدود ۶۶۵ میلیارد یوانی معادل ۹۲ میلیارد دلار، دومین شرکت برتر چین بود و در صدر فهرست خرده‌فروشی اینترنتی هم قرار داشت. کار اصلی این شرکت هم خرده‌فروشی است و در واقع یک نوع فروشگاه زنجیره‌ای است. البته این را هم باید گفت که از سال (۲۰۲۱) این شرکت حدود

تیم سلطنتی

در اسپانیا چهار باشگاه شاخص رئال مادرید، بارسلونا، اتلتیک بیلبائو و اساسونا به عنوان یک اتحیین ثبت شده‌اند و نه یک شرکت. این وضعیت حقوقی دو تاثیر دارد. یکی اینکه خرید سهام در باشگاه وجود ندارد و چارهای این امکان وجود دارد تا شما عضوی از آن انجمن باشید. در حال حاضر، اعضای انجمنی که در واقع بالاترین هیات حاکمه باشگاه رئال مادرید هستند و به «سوسیوس» مشهورند، ۶۰هزار نفر هستند. اینکه چطور بتوانید عضوی از این انجمن باشید فرایند پیچیده‌ای دارد ولی اجمالاً، بدانید که نیاز به خرج کردن مبلغی پول هم وجود دارد.

دومین تاثیر حقوقی انجمن این است که باشگاه عملا متعلق به هواداران می‌شود و آن‌ها هستند که در مورد باشگاه تصمیم می‌گیرند. از این رو است که مدیران باشگاه هم در قبال این هواداران که عضو آن انجمن هستند، مسئولیت می‌یابند؛ چرا که در انتخابات بعدی برای ریاست باشگاه باید رای آن‌ها را داشته باشند.

رئال مادرید تا سال ۲۰۰۰، از نظر اقتصادی باشگاه منظم و تروتمندی به حساب نمی‌آمد و بدهی‌های کلانی داشت. در این زمان فلورنتینو پرز، رئیس باشگاه شد و توانست با یک مدیریت جاطلبانه امبراطوری کلاهی برای باشگاه بسازد و البته تا همین‌حالا هم مدیر این باشگاه بماند. پروژه اول پرز، حل و فصل کردن ماجرای بدهی‌های باشگاه بود. پرز این کار را با فروش بخشی از زمین‌های متعلق به باشگاه در شهر مادرید به شهرداری به مبلغ ۲۷۵ میلیون یورو خرج کرد؛ در حالی که نزدیک به ۷۰میلیون یورو درآمد داشته

توضیح هفت‌صبح: بخشی از مطالب این صفحه برگرفته از شبکه‌های اجتماعی است و منبع اولیه انتشار دهنده آنها ذکر شده است. بدیهی است که استفاده از این مطالب مصداق استفاده منصفانه طبق ماده ۷ قانون مولفان، مصنفان و هنرمندان خواهد بود.

طنازی‌های شبکه‌های اجتماعی

والدین خوب تمام ماجراست

هر نوشته‌ای نویسنده‌ای دارد. هر نویسنده‌ای حق دارد اسمش را پای مطلبش ببیند. نوشته‌هایی که در این صفحه می‌خوانید، نوتیزهای کیپی پیست شده‌ای است که در شبکه‌های اجتماعی دست به دست چرخیده و صاحبش را گم کرده. اگر «شما» نویسنده این آثار هستید، لطفاً عصبانی نشوید. لبخند بزنید و به خواننده‌هایی فکر کنید که با خواندن نوشته‌هایتان لبخند می‌زنند و درد دل تحسینتان می‌کنند.

«مادر، با یکی ازدواج کنید که دوراکیایی که دوس دارد با مال شما متفاوت باشه.

خیر اتاقم رو تمیز نمی‌کنم چون نمی‌خام تنها اشغال این اتاق باشم.

رو میل نشسته بودم دیدم پرهام یقه کرده اومدم صافش کنم دیدم عدا این واقعا شکمه.

وقتی یه نفر روی حقوق بهتون نشون میده به این معنیه که: من انسانم و تصور می‌کنم تو هم انسانی نه اینکه من سادمام بیا سوارم شو!

وقتی اینکه میگن تو غم و عزا سیگار تو نور علنی کنید کسی بهتون گیر نمیده، جرت و پرته. من مامان بزرگم مرده بود تو بهشت زهرا به نخ سیگار در اوردم یکشم بابام تو بهشت زهرا می‌دوید دنبالم می‌گفت قبرش دو طبقه‌س اینم توش خاک کنید.

اما والدین خوب تمام ماجراست، یا رخوب شوخی‌ای بیش نیست در مقابلش.

شمام اینجوریید که هر کسی لیاقت داشتن آهنگای مورد علاقه‌تونو ندارد؟

بیشترین کار محاسباتی دوران تحصیلم این بود که بشمارم ببینم کدوم تمرین به من می‌رسه که بدیرم.

آره دخترانیم ولی تاحالا پسری که سماخترد دیدی؟

چاچوری می‌تونید هر روز بیرد کافی‌شاپ؟

من هر سری میرم تاشش ماه باید قسط‌هاشو بدم.

اینکه تازه ازدواج کنید یادم رفته بهش بدم امضا کنه.

زنگ زدم به بابام میگم پول ندارم، میگه این تنها چیزه مشترک‌مونه.

تو خارج دیگه نهایت اینکه بخوان با بچه‌هاشون شوخی کنن شب کریسمس کادوی بچه‌رو قایم می‌کنن به ساعت بعد بهش میدن، بعد بابای من عید بابم گرفت که به دوچرخه جدید بخره واسم، نه‌تنها نخرید بلکه دوچرخه قبلیمم فروخت.

مشکل من تو این پیجای لباس‌فروشی اینه که طرف عکس گذاشته شلوار بفروشه می‌گن من از کفشش خوشم میاد.

انگلیسی‌ها خیلی‌ها حرف‌البمللی دارند با این مضمون:

کسی که فقط لندن را دیده باشد، لندن را هم نمی‌شناسد.

نه‌تنها خوشمزه‌ترین غذاها بیشترین عوارض و ضرر و دارن بلکه خوشگل‌ترین‌ها هم همیشه گند اخلاق‌ترین‌ها هستن.

اگه تنهم وقتی صدای آمپولاتن رو می‌شنوی برای کسی که توشه دعا می‌کنی، سلام.

این پادکست گوش دادن پشت فرمون هم واسه تهرانه، من الان به اینرژه نیم ساعتی رو به هفتتس مارم گوش میدم، تا بلی می‌کنم می‌رسم.

در هوای گرم رو برابر بیستر از قبل اجتماع گریز می‌شم و میل به معاشرت با افراد در من بهشدت کاهش پیدا می‌کنه.

باتری گوشی من در عرض ۱۰ دقیقه از وضعیت «داداش خیالت راحت» می‌رسه به «چیزه، به مشکل بزرگی پیش اومده».

«با عزیزم معلومه که پدیرفتم ولی این دلیل نمیشه ماهی سه بار به خاطرش گریه نکنم.

آموزشی: با یکی ازدواج کنید که خوراکیایی که دوس دارد با مال شما متفاوت باشه.

خبر: اتاقم رو تمیز نمی‌کنم چون نمی‌خام تنها اشغال این اتاق باشم.

رو میل: نشسته بودم دیدم پرهام یقه کرده اومدم صافش کنم دیدم عدا این واقعا شکمه.

عدا: بچه‌ها قرار شد قندرو حذف کنید. اومدم تو مترو فهمیدم اشتباهی دارید حمومو حذف می‌کنید. حواس‌مون هست.

تاحالا: شده به روز بیدار شی و یکی بهه چه روز خوبیه و من خیلی خوشحتم و باشم برم سر کار و روز بشه دیدنی باشه دنیا؟

کوتاه: اینکه به قربون صدقه‌های اولش نیست، به محترم بودن‌های وسط دعواشه.

هر وقت: به آدم موفق و پولدار می‌بینم سنش رو با خودم مقایسه می‌کنم، اگه از من کوچیکتر بود احساس ناکافی بودن میاد بغلم می‌کنه.

تنها: استفاده‌ای که از پاسپورتم می‌کنم اینه که می‌ذارمش زیر لیوان جایی که جای لیوان رو میز نمونه.

به روز: که حوصله داشته باشم، می‌رم «حوصله ندارم» رو به تمام زبان‌های زنده دنیا یاد می‌گیرم.

من: دونگار اینیستم یا شما حال نمی‌کنم فقط.

«جه خبر؟

سلامتی: (به تو حاصلی ندارد غم رو ول گار گفتن)

من: واقعاً از بزرگسالی و چاش‌های پرسترس و مسخره‌ش خستم، دلم می‌خواد مثلاً آلان دغدغه‌ی این باشه که چه‌جوری امضای مامانمو جعل کنم یای رضایتنامه‌ای که دیشب یادم رفته بهش بدم امضا کنه.

زنگ زدم: به بابام میگم پول ندارم، میگه این تنها چیزه مشترک‌مونه.

تو خارج: دیگه نهایت اینکه بخوان با بچه‌هاشون شوخی کنن شب کریسمس کادوی بچه‌رو قایم می‌کنن به ساعت بعد بهش میدن، بعد بابای من عید بابم گرفت که به دوچرخه جدید بخره واسم، نه‌تنها نخرید بلکه دوچرخه قبلیمم فروخت.

مشکل من: تو این پیجای لباس‌فروشی اینه که طرف عکس گذاشته شلوار بفروشه می‌گن من از کفشش خوشم میاد.

انگلیسی‌ها: خیلی‌ها حرف‌البمللی دارند با این مضمون:

کسی که فقط لندن را دیده باشد: لندن را هم نمی‌شناسد.

نه‌تنها: خوشمزه‌ترین غذاها بیشترین عوارض و ضرر و دارن بلکه خوشگل‌ترین‌ها هم همیشه گند اخلاق‌ترین‌ها هستن.

اگه: تنهم وقتی صدای آمپولاتن رو می‌شنوی برای کسی که توشه دعا می‌کنی، سلام.

این پادکست: گوش دادن پشت فرمون هم واسه تهرانه، من الان به اینرژه نیم ساعتی رو به هفتتس مارم گوش میدم، تا بلی می‌کنم می‌رسم.

در هوای: گرم رو برابر بیستر از قبل اجتماع گریز می‌شم و میل به معاشرت با افراد در من بهشدت کاهش پیدا می‌کنه.

باتری: گوشی من در عرض ۱۰ دقیقه از وضعیت «داداش خیالت راحت» می‌رسه به «چیزه، به مشکل بزرگی پیش اومده».

«با عزیزم: معلومه که پدیرفتم ولی این دلیل نمیشه ماهی سه بار به خاطرش گریه نکنم.

آموزشی: با یکی ازدواج کنید که خوراکیایی که دوس دارد با مال شما متفاوت باشه.

خبر: اتاقم رو تمیز نمی‌کنم چون نمی‌خام تنها اشغال این اتاق باشم.

رو میل: نشسته بودم دیدم پرهام یقه کرده اومدم صافش کنم دیدم عدا این واقعا شکمه.

بچه‌ها: قرار شد قندرو حذف کنید. اومدم تو مترو فهمیدم اشتباهی دارید حمومو حذف می‌کنید. حواس‌مون هست.

تاحالا: شده به روز بیدار شی و یکی بهه چه روز خوبیه و من خیلی خوشحتم و باشم برم سر کار و روز بشه دیدنی باشه دنیا؟

کوتاه: اینکه به قربون صدقه‌های اولش نیست، به محترم بودن‌های وسط دعواشه.

هر وقت: به آدم موفق و پولدار می‌بینم سنش رو با خودم مقایسه می‌کنم، اگه از من کوچیکتر بود احساس ناکافی بودن میاد بغلم می‌کنه.

تنها: استفاده‌ای که از پاسپورتم می‌کنم اینه که می‌ذارمش زیر لیوان جایی که جای لیوان رو میز نمونه.

به روز: که حوصله داشته باشم، می‌رم «حوصله ندارم» رو به تمام زبان‌های زنده دنیا یاد می‌گیرم.

من: دونگار اینیستم یا شما حال نمی‌کنم فقط.

«جه خبر؟

سلامتی: (به تو حاصلی ندارد غم رو ول گار گفتن)

من: واقعاً از بزرگسالی و چاش‌های پرسترس و مسخره‌ش خستم، دلم می‌خواد مثلاً آلان دغدغه‌ی این باشه که چه‌جوری امضای مامانمو جعل کنم یای رضایتنامه‌ای که دیشب یادم رفته بهش بدم امضا کنه.

زنگ زدم: به بابام میگم پول ندارم، میگه این تنها چیزه مشترک‌مونه.

تو خارج: دیگه نهایت اینکه بخوان با بچه‌هاشون شوخی کنن شب کریسمس کادوی بچه‌رو قایم می‌کنن به ساعت بعد بهش میدن، بعد بابای من عید بابم گرفت که به دوچرخه جدید بخره واسم، نه‌تنها نخرید بلکه دوچرخه قبلیمم فروخت.

مشکل من: تو این پیجای لباس‌فروشی اینه که طرف عکس گذاشته شلوار بفروشه می‌گن من از کفشش خوشم میاد.

انگلیسی‌ها: خیلی‌ها حرف‌البمللی دارند با این مضمون:

کسی که فقط لندن را دیده باشد: لندن را هم نمی‌شناسد.

نه‌تنها: خوشمزه‌ترین غذاها بیشترین عوارض و ضرر و دارن بلکه خوشگل‌ترین‌ها هم همیشه گند اخلاق‌ترین‌ها هستن.

اگه: تنهم وقتی صدای آمپولاتن رو می‌شنوی برای کسی که توشه دعا می‌کنی، سلام.

این پادکست: گوش دادن پشت فرمون هم واسه تهرانه، من الان به اینرژه نیم ساعتی رو به هفتتس مارم گوش میدم، تا بلی می‌کنم می‌رسم.

در هوای: گرم رو برابر بیستر از قبل اجتماع گریز می‌شم و میل به معاشرت با افراد در من بهشدت کاهش پیدا می‌کنه.

باتری: گوشی من در عرض ۱۰ دقیقه از وضعیت «داداش خیالت راحت» می‌رسه به «چیزه، به مشکل بزرگی پیش اومده».

«با عزیزم: معلومه که پدیرفتم ولی این دلیل نمیشه ماهی سه بار به خاطرش گریه نکنم.

آموزشی: با یکی ازدواج کنید که خوراکیایی که دوس دارد با مال شما متفاوت باشه.

خبر: اتاقم رو تمیز نمی‌کنم چون نمی‌خام تنها اشغال این اتاق باشم.

رو میل: نشسته بودم دیدم پرهام یقه کرده اومدم صافش کنم دیدم عدا این واقعا شکمه.

بچه‌ها: قرار شد قندرو حذف کنید. اومدم تو مترو فهمیدم اشتباهی دارید حمومو حذف می‌کنید. حواس‌مون هست.

تاحالا: شده به روز بیدار شی و یکی بهه چه روز خوبیه و من خیلی خوشحتم و باشم برم سر کار و روز بشه دیدنی باشه دنیا؟

کوتاه: اینکه به قربون صدقه‌های اولش نیست، به محترم بودن‌های وسط دعواشه.

هر وقت: به آدم موفق و پولدار می‌بینم سنش رو با خودم مقایسه می‌کنم، اگه از من کوچیکتر بود احساس ناکافی بودن میاد بغلم می‌کنه.

تنها: استفاده‌ای که از پاسپورتم می‌کنم اینه که می‌ذارمش زیر لیوان جایی که جای لیوان رو میز نمونه.

به روز: که حوصله داشته باشم، می‌رم «حوصله ندارم» رو به تمام زبان‌های زنده دنیا یاد می‌گیرم.

من: دونگار اینیستم یا شما حال نمی‌کنم فقط.

«جه خبر؟

سلامتی: (به تو حاصلی ندارد غم رو ول گار گفتن)

من: واقعاً از بزرگسالی و چاش‌های پرسترس و مسخره‌ش خستم، دلم می‌خواد مثلاً آلان دغدغه‌ی این باشه که چه‌جوری امضای مامانمو جعل کنم یای رضایتنامه‌ای که دیشب یادم رفته بهش بدم امضا کنه.

زنگ زدم: به بابام میگم پول ندارم، میگه این تنها چیزه مشترک‌مونه.

تو خارج: دیگه نهایت اینکه بخوان با بچه‌هاشون شوخی کنن شب کریسمس کادوی بچه‌رو قایم می‌کنن به ساعت بعد بهش میدن، بعد بابای من عید بابم گرفت که به دوچرخه جدید بخره واسم، نه‌تنها نخرید بلکه دوچرخه قبلیمم فروخت.

مشکل من: تو این پیجای لباس‌فروشی اینه که طرف عکس گذاشته شلوار بفروشه می‌گن من از کفشش خوشم میاد.

انگلیسی‌ها: خیلی‌ها حرف‌البمللی دارند با این مضمون:

کسی که فقط لندن را دیده باشد: لندن را هم نمی‌شناسد.

نه‌تنها: خوشمزه‌ترین غذاها بیشترین عوارض و ضرر و دارن بلکه خوشگل‌ترین‌ها هم همیشه گند اخلاق‌ترین‌ها هستن.

اگه: تنهم وقتی صدای آمپولاتن رو می‌شنوی برای کسی که توشه دعا می‌کنی، سلام.

این پادکست: گوش دادن پشت فرمون هم واسه تهرانه، من الان به اینرژه نیم ساعتی رو به هفتتس مارم گوش میدم، تا بلی می‌کنم می‌رسم.

در هوای: گرم رو برابر بیستر از قبل اجتماع گریز می‌شم و میل به معاشرت با افراد در من بهشدت کاهش پیدا می‌کنه.

باتری: گوشی من در عرض ۱۰ دقیقه از وضعیت «داداش خیالت راحت» می‌رسه به «چیزه، به مشکل بزرگی پیش اومده».

«با عزیزم: معلومه که پدیرفتم ولی این دلیل نمیشه ماهی سه بار به خاطرش گریه نکنم.

آموزشی: با یکی ازدواج کنید که خوراکیایی که دوس دارد با مال شما متفاوت باشه.

خبر: اتاقم رو تمیز نمی‌کنم چون نمی‌خام تنها اشغال این اتاق باشم.

رو میل: نشسته بودم دیدم پرهام یقه کرده اومدم صافش کنم دیدم عدا این واقعا

نکته بازی

یک کرنر و این همه قیل و قال!

یک کرنر تبدیل به مهم‌ترین سوژه این روزهای فوتبال ایران شده است. در بازی استقلال و فولاد، موعود بنیادی‌فر یک کرنر در دقیقه ۵۸ برای استقلال اعلام کرد که همین کرنر با ارسال ابوالفضل جلالی و ضربه سر ایمان سلیمی تبدیل به گل ۳ امتیازی استقلال شد. تصاویر تلویزیونی به شکلی نبود که با قاطعیت بشود درباره درست بودن تصمیم داور نظر داد اما در نشست خبری بعد از بازی، عبدالله ویسی اعتراف کرد که اعلام کرنر توسط داور درست بوده و دستیار او یعنی احمد آل‌نعمه هم اعتراف کرد که در رختکن از حمید بوحمدان شنیده که توپ به پای او خورده و به کرنر رفته است. در حالی که به نظر می‌رسید ماجرا تمام شده است اما آل‌نعمه در مصاحبه‌ای دیگر مدعی شد که اشتباه کرده و بازیکنان فولاد در رختکن درباره کرنر آخر بازی بحث می‌کردند. ویسی هم مصاحبه دیگری کرد و حرف‌های آل‌نعمه را تایید کرد. گذشته از اینکه کرنر دقیقه آخر که اهمیت خاصی هم نداشته و در نتیجه بازی تغییری ایجاد نکرده و چرا باید چنین کرنری سوژه بحث بازیکنان فولاد باشد، سوال مهم این است که الان تیم داوری را باید به سوت زدن به سود استقلال متهم کرد؟ وقتی بعد از ده‌ها بار دیدن صحنه از زوایای مختلف نمی‌شود تصمیم گرفت، چطور می‌توانیم داور را متهم کنیم؟ سوال مهم‌تر اینکه اگر در صحنه کرنر منجر به گل استقلال، توپ اصلا به پای حمید بوحمدان نخورد، چرا او کوچک‌ترین اعتراضی به داور نکرد؟ این همه تناقض از کجا می‌آید؟

اینها مو از ماست کشیدن نیست استاد!

جواد نکونام سرمربی استقلال در نشست خبری بعد از بازی با فولاد گفت: «دوست دارم یک نکته را به هواداران‌مان بگویم، همه دوست دارند ما ببازیم! خیلی راحت و شفاف، هر جوری که دوست دارند می‌خواهند که تیم ما نتیجه نگیرد. همه کس، همه کار می‌کند که ما نتیجه نگیریم. چیزهای کوچک و درشت را می‌بینیم، اما برای استقلال مو را از ماست بیرون می‌کشند و نمک و شکر را از هم جدا می‌کنند.» البته این توهم «همه علیه من هستند» مختص نکونام نیست. امیر قلعه‌نویی در تمام این سال‌ها با همین عقیده در فوتبال ایران کار کرده و تبدیل به پرافتخارترین سرمربی ایرانی لیگ برتر شده است. یحیی گل‌محمدی در سالی که به هواداران پرسپولیس اطمینان داد تا وقتی او هست پرسپولیس جام نمی‌گیرد، با این تیم سه‌گانه را کسب کرد و ... توهم بعدی هم این است که برای استقلال مو را از ماست بیرون می‌کشند و برای تیم‌های دیگر نه! جالب اینکه در دو هفته اخیر پرسپولیسی‌ها مثل مدیرعامل این باشگاه و حسین بادامکی مدیر این تیم معترض بودند که چرا همه حاشیه‌ها برای این تیم است و رسانه‌ها به تیم‌های دیگر کاری ندارند! اما سوالی که از نکونام داریم این است که انتشار فیلم حمله امید حامدی‌فر به بازیکن ذوب‌آهن، مو از ماست بیرون کشیدن است؟ رفتارهای اغراق‌آمیز خود شما و دستیاران‌تان در کنار زمین چیز کوچکی است؟ ۲۴ ساعت درگیری و حاشیه درباره رنگ پیراهن شما و باشگاه فولاد موضوع مهمی نبود؟ بهتر نیست کمی هم بدون تعصب و با منطق به اتفاقات نگاه کنید؟

می‌خواهیم زنده بمانیم

پنج تیم لیگ‌برتری برای بقا در بالاترین سطح فوتبال ایران رقابت تنگاتنگی با یکدیگر طی سه هفته پایانی خواهند داشت

فقط ۳ هفته تا پایان بیست‌وسومین دوره لیگ‌برتر فوتبال ایران باقی مانده است و رقابت برسر کسب عنوان قهرمانی و بقا همچنان در هیجان‌انگیزترین شکل ممکن جریان دارد. در بالای جدول سرخابی‌های پایتخت شانه‌به‌شانه یکدیگر پیش می‌روند اما در پایین جدول، پنج تیم کاندیدای سقوط هستند و زمان زیادی برای نجات نخواهند داشت. در این گزارش به آخرین وضعیت فانوس به‌دست‌ها می‌پردازیم.

۱۲- پیکان (۲۵ امتیاز / تفاضل منفی ۱۱): تراکتور (میزبان)، فولاد (میهمان)، استقلال تهران (میزبان)

خودروسازان طی پنج هفته اخیر بردی نداشته‌اند و با سه باخت متوالی، عملا به منطقه خطر وارد شدند. شاگردان رضا عنایتی طی ۲ بازی گذشته موفق به گلزنی هم نشده‌اند و حالا ۳ دیدار حساس پیش روی‌شان خواهد بود. آنها ابتدا باید در خانه از تراکتورِ آماده حمید مطهری پذیرایی کنند. سپس نوبت به دیداری ۶ امتیازی مقابل فولاد می‌رسد. دوئلی که به میزبانی تیم تحت هدایت عبدالله ویسی برگزار خواهد شد و می‌تواند تکلیف خیلی از ابهامات را روشن کند و نهایتا مصاف سرنوشت‌ساز با استقلال که در صورت تداوم شرایط فعلی برای هر ۲ تیم حیاتی است و حکم مرگ‌وزندگی خواهد داشت.

۱۳- نساجی (۲۵ امتیاز / تفاضل منفی ۱۳): استقلال تهران (میزبان)، هوادار (میهمان)، فولاد (میزبان)

کسب ۱۰ امتیاز از ۱۵ امتیاز ممکن، نساجی را از قعر جدول جدا کرد و حالا به همسایگی پیکان رساند. ساکت الهامی با حضورش، ورق را برگرداند و نماینده استان مازندران را به جدول بازگرداند. آنها در این هفته یکی از ۲ بازی به اصطلاح ۶ امتیازی خود را با برد پشت سر گذاشتند تا فاصله‌ای سه امتیازی با منطقه سقوط ایجاد کنند و همچنین تفاضل گل‌شان را بهبود ببخشند. نساجی‌ها در هفته بیست‌وهشتم در ورزشگاه وطنی میزبان استقلال تهران هستند و باید دید سرنوشت مصاف با پرسپولیس برای‌شان تکرار می‌شود یا باز هم الهامی قرار است جامی دیگر را از تیم پایتخت‌نشین بگیرد. هوادار، حریف هفته بیست‌ونهم نساجی است. رقابتی که در ورزشگاه پاس قوامین برگزار می‌شود و تقابل با شجاعی آبستن حوادث جالب توجهی خواهد بود. و سرانجام هفته پایانی و دوئل با دیگر تیم کاندیدای سقوط یعنی فولاد. رقابتی که در حضور هواداران مازنی به انجام می‌رسد و ممکن است خروجی آن سقوط یک تیم به لیگ آزادگان باشد.

۱۴- استقلال خوزستان (۲۲ امتیاز / تفاضل منفی ۱۳): پرسپولیس (میهمان)، مس (میهمان)، هوادار (میزبان)

باخت ناباورانه برابر نساجی مجددا استقلال خوزستان را به همان بحران قبلی بازگرداند. شاگردان سیروس پورموسوی پس از چهار بازی، طعم تلخ شکست را مقابل هواداران خود و در جدال با یکی از رقبای اصلی‌شان چشیدند و چهارتایی شدند. حالا سه بازی حساس پیش روی استقلال خوزستان است. آنها ابتدا باید در ورزشگاه آزادی رودرروی پرسپولیسِ مدعی قرار بگیرند. یک مسابقه فوق‌العاده دشوار که گرفتن امتیاز در آن ماموریتی تقریبا غیرممکن است. آبی‌ها بازهم باید در خارج از خانه به میدان بروند و این بار مس رفسنجان پذیرای‌شان خواهد بود. و سرانجام رویارویی با هوادار در ورزشگاه غدیر. نکته غم‌انگیز ماجرا برای پورموسوی و تیمش این است که آن‌ها در بازی‌های رودررو برابر ۲ تیم ۲۵ امتیازی جدول، ۴ شکست نصیب‌شان شده و برای سبقت از آن‌ها باید از نظر امتیازی پیشی بگیرند که با توجه به تعداد مسابقه باقی‌مانده کار بسیار دشواری است. این قضیه در مقایسه با فولاد هم صادق است و آبی‌پوشان مقابل همشهری خود نیز یک باخت و یک تساوی عایدشان شده است و در شرایطی که امتیازشان برابر باشد، رتبه پایین‌تر را به دست می‌آورند.

۱۵- فولاد (۲۲ امتیاز / تفاضل منفی ۲۲): ذوب‌آهن (میزبان)، پیکان (میزبان)، نساجی (میهمان)

دیگر تیم اهوازی یعنی فولاد در هفته‌ای که گذشت بازهم شکست خورد و با یک گل به استقلال در تهران باخت تا به رکورد ۱۰ مسابقه بدون پیروزی در لیگ برسد. قهرمان ۲ دوره لیگ‌برتر اصلا وضعیت جالبی ندارد ولی در ۳ هفته پایانی با یک شرایط خاص مواجه است. تیم قرمزپوش خوزستانی باید به مصاف ۲ تا از رقبای اصلی خود در مسیر بقا بروند. آن‌ها پس از جدال با ذوب‌آهن در خانه، باید پذیرای پیکان باشند و در هفته پایانی به قائمشهر بروند تا مقابل نساجی به میدان بروند. فولاد در حال حاضر تیم پانزدهم جدول است اما به دلیل عملکرد بهتر در بازی رودررو، در صورت تساوی امتیاز با استقلال خوزستان، بالاتر از این تیم در جدول قرار خواهد گرفت.

۱۶- صنعت‌نفت (۲۰ امتیاز تفاضل منفی ۲۱): شمس‌آذر (میزبان)، ذوب‌آهن (میهمان)، تراکتور (میزبان)

پیروزی مقابل مس رفسنجان و تساوی بیرون از خانه برابر آلومینیوم، امیدهای صنعت‌نفت را برای بقا زنده نگه داشته است. برزیل فوتبال ایران همچنان کمترین شانس را برای ماندن در لیگ‌برتر دارد اما کاری که فصل گذشته موفق به انجامش شدند باعث شده تا به هفته‌های باقی‌مانده امید داشته باشند. شاگردان فراز کمالوند ابتدا میزبان شمس‌آذر خواهند بود. سپس در ورزشگاه فولادشهر باید مقابل ذوب‌آهن صف‌آرایی کنند و نهایتا در هفته پایانی مقابل دیدگان هواداران خودی در ورزشگاه تختی به مصاف تراکتور تبریز بروند. آنها خوب می‌دانند که هیچ فرصتی برای اشتباه ندارند و باید حداکثر امتیاز را مال خود کنند تا بار دیگر در بالاترین سطح فوتبال ایران باقی بمانند.

گزارش

یک ناشناس سیتی را قهرمان می‌کند؟

استفان اورتگا با یک سیو محشر در دقایق پایانی بازی مقابل تاتنهام تیمش را به یک برد و احتمالا قهرمانی در لیگ برتر انگلیس هدایت کرد

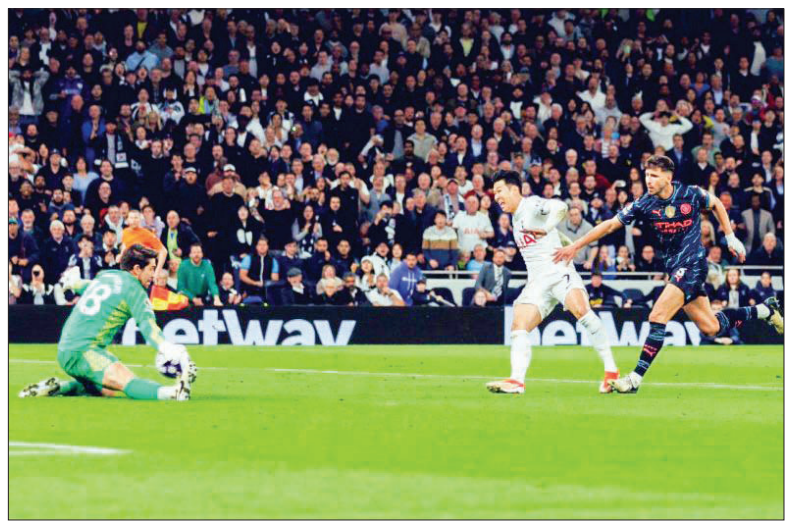

دقایق پایانی بازی حساس بین تیم‌های منچسترسیتی و تاتنهام با یک موقعیت بسیار حساس همراه شد. فرصتی که می‌توانست باعث به تساوی کشیده شدن بازی به نفع تاتنهام شود اما واکنش درخشان استفان اورتگا، دروازه‌بان تعویضی منچسترسیتی، پیروزی این تیم را رقم زد.

سیتی با گل ارلینگ هالند در بازی معوقه هفته سی و چهارم از تاتنهام پیش افتاده بود و بازی به سود شاگردان پپ گواردیولا دنبال می‌شد که یک اشتباه از خط دفاعی دروازه آن‌ها را تهدید کرد. در دقیقه ۸۶ مانوئل آکانجی روی پرس برایان جانسون نتوانست توپ را به دروازه‌بان پاس بدهد و سون هیونگ مین به توپ رسید تا به سمت دروازه سیتی حرکت کند.

در حالیکه روبن دیاس کاپیتان کره‌ای تاتنهام را تعقیب می‌کرد او به نزدیکی محوطه جریمه رسید و شانس خود را برای گلزنی‌اش در موقعیت تک به تک آزمایش کرد که با واکنش استثنایی استفان اورتگا همراه شد. سون تصمیم گرفت توپ را با ضربه زمینی پای راست از کنار دستان اورتگا عبور دهد که این دروازه‌بان نهایت آمادگی خود را به نمایش گذاشت و با باز شدن به موقع پای راستش این موقعیت حساس را دفع کرد. سون هنوز از دست رفتن این فرصت را باور نداشت که تصاویر آهسته تلویزیونی نشان دادند اورتگا با ستون کردن زانوی چپ خود پای راستش را با تمام توان باز کرده تا در زمانی که هیچ کس فکرش را هم نمی‌کرد این ضربه را مهار کند. در همان لحظه تصاویر نشان دادند که چطور پپ گواردیولا هنگامی که توپ به سون می‌رسد از شدت اضطراب دستان خود را روی سرش می‌گذارد و سپس روی زمین دراز می‌کشد تا این صحنه حساس را نبیند که از خوش شانسی او اورتگا موفق شد سون را ناکام بگذارد تا مربی‌اش زود از زمین بلند شود.

این سیو سیتی را در بازی نگه داشت و چند دقیقه بعد از آن یک موقعیت پنالتی به دست آمد که ارلینگ هالند این توپ را به گل تبدیل کرد تا هم خودش دبل کند و هم تیمش در یک بازی حساس به برد برسد؛ البته به لطف درخشش فراموش نشدنی از اورتگا. گواردیولا که به شدت دقایق پایانی را با استرس دنبال می‌کرد پنالتی هالند را هم با اضطراب دنبال می‌کرد که دوربین‌های پخش زنده او را روی نیمکت شکار کردند. بعد از گل دقیقه ۹۰+۱ هالند از روی ضربه پنالتی این مربی اسپانیایی از صمیم قلبش خوشحالی را احساس کرد و دستانش را مشت کرد تا با چشمان بسته از شدت فریاد بلند، این موفقیت را جشن بگیرد. اورتگا شاید خودش هم باور نمی‌کرد که ستاره سیتی شود. او در ترکیب اصلی حضور نداشت و از روی نیمکت بازی را آغاز کرد. برخورد شدید کریستین رومرو در نیمه دوم با ادرسون دلیلی شد تا این دروازه‌بان برزیلی از بازی خارج شود و اورتگا از دقیقه ۶۸ وارد زمین شود.

در فاصله کوتاهی که این دروازه‌بان ۳۱ ساله موفق شد چنین سیوی انجام دهد، او را با سیو فراموش نشدنی دیبو مارتینز در فینال جام جهانی ۲۰۲۲ مقایسه کرده‌اند. در بازی حساس بین تیم‌های آرژانتین و فرانسه، مارتینز موفق شد با مهار ضربه رندال کولو موآنی با پای چپش آرژانتین را در بازی نگه دارد و در نهایت آن‌ها قهرمانی خود را به این دروازه‌بان مدیون شوند.

سه‌شنبه شب، پپ، بازیکنان و هواداران سیتی مدیون اورتگا شدند که از زمان تعویض و ورود به زمین دروازه‌اش را بسته نگه داشت تا به برتری تیمش و بازگشت به صدر جدول با دو امتیاز بیشتر نسبت به آرسنال کمک کند.

این بازی اهمیت بسیار زیادی در کورس قهرمانی لیگ برتر انگلیس داشت و سیتی اکنون به فکر بازی یکشنبه هفته آینده مقابل وستهام خواهد بود که در صورت برد در آن بازی جام را بالای سر خواهد برد؛ جامی که اورتگا در آن با یک سیو نقش فراموش نشدنی‌ای خواهد داشت.

سوژه روز

در انتظار دومین تاریخ‌سازی با ساکت

فصل ۰۳-۱۴۰۲ هیچگاه از یاد هواداران نساجی نخواهد رفت. فصلی که با حضور در آسیا آغاز شد و در ادامه به قعرنشینی در لیگ منجر شد. فصلی که در ابتدا هواداران تیم مازنی امیدوار بودند در آن بتوانند به دور دوم (ACL) صعود کنند اما ماجرا برای‌شان به گونه‌ای رقم خورد که حالا تمام هم‌وغم‌شان بقا در لیگ‌برتر است. فصلی که با مهدی رحمتی استارت خورد، با لوکاس آلکاراس ادامه پیدا کرد و سرانجام به بازگشت ساکت الهامی انجامید.

از ۱۱ امتیاز در ۱۷ بازی تا ۱۴ امتیاز در ۱۰ بازی!

الهامی در مازندران وجهه دیگری دارد و به چشم یک معجزه‌گر به او نگاه می‌شود. برای بزرگ بودن کار این سرمربی ۵۲ ساله کافی است بدانید که تیم پیش از او در ۱۷ هفته ابتدایی، تنها ۱۱ امتیاز کسب کرده و فقط یک مرتبه موفق به ثبت کلین‌شیت شده بود اما حالا با هدایت الهامی قرمزپوشان ۱۴ امتیاز طی ۱۰ مسابقه جمع‌آوری کرده‌اند و چهار مرتبه دروازه‌شان را بسته نگه داشته‌اند.

سه پیروزی در پنج بازی اخیر برای نساجیِ الهامی

نساجی با ساکت الهامی تولدی دوباره را تجربه کرد. آنها در پنج دیدار ابتدایی فقط یک برد داشتند و چهار امتیاز عایدشان شد اما در پنج هفته بعدی ورق برگشت و تاثیرات آقای سرمربی به چشم دیده شد و کار به جایی رسید که آنها در مقطع مذکور فقط یک شکست را متحمل شدند و به سه پیروزی دست یافتند تا از قعر جدول خارج شده و به رده سیزدهم صعود کنند و از شانس بالایی برای بقا برخوردار باشند.

موفقیت در خارج از خانه، کلید بازگشت بزرگ نساجی

امید شهر خسته با هدایت سرمربی سابق مس رفسنجان توازن جالبی در دیدارهای خانگی و خارج از خانه داشته است. آن‌ها در ورزشگاه وطنی از سد شمس‌آذر و تراکتور گذشته‌اند و به ملوان و پرسپولیس باخته‌اند. در دیدارهای خارج از خانه اما شاهد طلسم‌شکنی بزرگی بودیم. الهامی در ابتدای حضورش عملکرد خوبی در مسابقات خارج از قائمشهر نداشت و ۲ باخت و ۲ تساوی نصیبش شد ولی طی ۲ بازی اخیر، اولین پیروزی‌های بیرون از خانه به ثبت رسید. قرمزها ابتدا ذوب‌آهن را در اصفهان با ۲ گل شکست دادند و در گام بعدی با حساب ۴ بر یک، استقلال خوزستان را درهم کوبیدند تا گامی بلند به سمت بقا بردارند. تنها نماینده استان مازندران در لیگ‌برتر، وضعیت روحی بسیار خوبی دارد و دیگر خبری از تیم ناهمگون و بی‌نظم سابق نیست که مشخص نبود از بازی چه می‌خواهد. نساجی‌ها در سه هفته پایانی باید به مصاف استقلال تهران (میزبان)، هوادار (میهمان) و فولاد (میزبان) بروند. سه مسابقه حساس که ساکت با سربلندی در آن‌ها می‌تواند دومین دستاورد بزرگش در قامت سرمربی نساجی را به ارمغان بیاورد.

منبع: فوتبال ۳۶۰

گوشه و کنار مستطیل سبز

توخل یک قدم تا ابقا در بایرن

بایرن ۸۴ روز است که برای پیدا کردن سرمربی جدید تلاش می‌کند و در این مدت روزهای سیاهی را تجربه کرده است. روزنامه بیلد می‌گوید بعد از آنکه چندین گزینه بایرن به این تیم پاسخ منفی دادند، در روزهای اخیر مدیران باشگاه به گزینه ابقای توماس توخل علاقه نشان داده‌اند. روزنامه بیلد در گزارش دیگری مدعی شد چند نفر از بازیکنان بزرگ و باتجربه بایرن مونیخ که از آنها به عنوان بزرگان تیم یاد می‌شود در تماس با مدیران از ماندگار شدن توماس توخل حمایت کرده‌اند. در این گزارش از مانوئل نویر و توماس مولر به عنوان دو بازیکنی که حمایت‌شان را از توخل اعلام کردند نام برده شده است. نکته‌ای که بر شایعات ابقای توخل دامن زده، حضور ایجنت او در باشگاه بایرن است. بیلد نوشت که اولاف ماینکینگ، در کمپ تمرینی بایرن بود و تصاویری از او نیز در کنار مدیران بایرن منتشر کرد. مدیر برنامه‌های توخل در ملاقاتی با فروینده، ابرل و دریسن احتمالا در مورد ادامه همکاری این مربی مذاکره کرده در حالی که تا هفته پیش خود توخل نیز گفته بود بسیار بعید است بماند و این حرف را رئیس باشگاه نیز تایید کرد. توخل با بایرن مونیخ تا سال ۲۰۲۵ قرارداد دارد.

گایاردو؛ بازنده‌ترین سرمربی امسال فوتبال آسیا

باشگاه الاتحاد پس از شکست سنگین مقابل الاتفاق تصمیم گرفت مارسلو گایاردو را از سمت خود برکنار کند. البته هنوز مشخص نیست که او در این مقطع جدا می‌شود یا در پایان فصل به همکاری‌اش با این باشگاه پایان می‌دهد. گایاردو در ۳۰ بازی در رقابت‌های مختلف روی نیمکت این تیم نشست. او در این مدت ۱۴ برد، ۱۳ باخت و ۳ تساوی ثبت کرد و ۵۳ گل زد و ۴۹ گل خورد. باشگاه الاتحاد در شرایطی تصمیم به برکناری گاریاردو گرفت که او تمام عناوینی را که برای آن رقابت کرده بود، از دست داد؛ از لیگ عربستان گرفته تا جام پادشاهی عربستان، لیگ قهرمانان آسیا و جام باشگاه‌های جهان. این تیم در رقابت‌های جام باشگاه‌های جهان با شکست ۳بریک مقابل الاهلی مصر از دور دوم حذف شد و در لیگ قهرمانان آسیا نیز با الهلال روبرو شد و در هر دو بازی شکست خورد. الهلال در جام پادشاهی عربستان نیز شکست جدیدی را به الاتحاد تحمیل کرد و شاگردان گایاردو در مرحله نیمه نهایی از این مسابقات خداحافظی کردند. در لیگ عربستان نیز الاتحاد در رتبه پنجم جدول قرار دارد و نکته مهم اینکه گایاردو در دیدار مقابل مقابل مدعیان (الاهلی، الهلال و النصر) نیز شکست خورد.

آرسنالی‌ها از سون متنفر شدند!

تاتنهام در دیدار معوقه هفته سی و چهارم لیگ‌برتر انگلیس در ورزشگاه خانگی‌اش با دو گل به منچسترسیتی باخت. این سه امتیاز مهم در حالی به شاگردان پپ گواردیولا رسید که آرسنالی‌ها امیدوار بودند تاتنهام بتواند مانع از پیروزی سیتی در این دیدار شود تا آنها همچنان شانس اول قهرمانی در هفته آخر رقابت‌های لیگ‌برتر بمانند ولی حریف قدیمی نتوانست از پس این کار بربیاید. سون در دقیقه ۸۶ بازی و در حالی که سیتی هنوز با یک گل از تاتنهام پیش بود این فرصت را داشت که روی یک صحنه تک‌به‌تک دروازه حریف را باز کند اما موفق نشد و این اتفاق باعث عصبانیت و ناراحتی شدید هواداران آرسنال شد. یکی از آنها در صفحه‌اش در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «خون (ما) پس از این صحنه روی دست‌های سون خواهد بود. بهتر است که او تا آخر عمرش دیگر هیچ تک به تکی را گل نکند.» کاربر دیگری نوشت: «سون بازیکنی است که تا آخر عمرم بیشتر از هر کسی از او منتفر خواهم بود.» یکی از هواداران آرسنال اضافه کرد: «سون هر کاری که توانست در این بازی کرد تا گل نزند.» دیگری هم نوشت: «سون دقیقا می‌داند که دارد چه کاری انجام می‌دهد.»

تکلیف اوسمار و پرسپولیس به‌زودی مشخص می‌شود

مذاکره باشگاه پرسپولیس با اوسمار ویرا برای تمدید قرارداد، پس از چند جلسه ابتدایی، در هفته‌های گذشته به‌دلیل حساسیت مسابقات لیگ برتر متوقف شد و حالا شنیده می‌شود طی دو سه روز آینده قرار است دوباره این مذاکرات از سر گرفته شود و احتمالاً تکلیف نهایی این موضوع نیز مشخص خواهد شد. اوسمار قرار است در این جلسه درخواست‌های خود برای تمدید قرارداد را به باشگاه پرسپولیس اعلام کند و این باشگاه نیز نظر نهایی خود را با سرمربی برزیلی مطرح خواهد کرد. شنیده می‌شود درخواست‌های اوسمار از پرسپولیس مربوط به رقم قرارداد و همچنین لیست بازیکنان فصل آینده خواهد بود که در جلسه با مدیران این خواسته‌ها را اعلام می‌کند. اوسمار تا این لحظه هیچ لیستی برای فصل آینده به باشگاه پرسپولیس نداده و در انتظار جلسه پیشِ‌رو با باشگاه است.

سعید صادقی ادامه فصل را از دست داد؟

بعد از پایان تمرین ریکاوری سرخ‌ها، با توجه به حذف این تیم از جام حذفی و فرصت مناسب باقی مانده تا جدال بعدی برابر استقلال خوزستان، اوسمار ویرا به شاگردانش استراحت داد. اما این استراحت اکنون با حادثه‌ای تلخ برای هافبک تکنیکی و فانتزیست سرخ‌ها همراه شده و او فصل را از دست داد. سعید صادقی که همانند دیگر هم‌تیمی‌هاش به دنبال سود بردن از تعطیلات بود اما با اتفاق تلخی مواجه شد و پیچیدگی مچ پایش او را به پایان این فصل رساند. هافبک سرخ‌ها که بعد از پیچیدن مچ پایش، با توجه به شدت حادثه با زخم نیز مواجه شده، فعلا آن را گچ گرفته و در انتظار نظر نهایی پزشکان است. دکتر حقیقت پزشک سرخ‌ها بعد از اطلاع از این موضوع، از هافبک پرسپولیس درخواست کرد هرچه زودتر مراحل درمانی که در ابتدا عکسبرداری از ناحیه آسیب دیده است را طی کرده و بعد از آن در خصوص وضعیت وی تصمیم گیری شود. اما تصویری که از مصدومیت سعید صادقی منتشر شده و او را روی ویلچر و با پای گچ گرفته نشان می‌دهد، حاکی از این است او احتمالا ادامه فصل را از دست داده است.

نقش نساجی در تعیین قهرمان ایران

پیروزی بزرگ نساجی در اهواز در جنگ قهرمانی به ضرر پرسپولیس و به سود استقلال شد. نساجی و استقلال خوزستان در هفته بیست و هشتم لیگ باید به مصاف دو مدعی قهرمانی بروند. نساجی در قائمشهر میزبان استقلال خواهد بود و استقلال خوزستان در تهران مقابل پرسپولیس قرار می‌گیرد اما با توجه به شکست استقلال خوزستان و نزدیک شدن به قعر جدول این تیم شرایط دشوارتری پیدا کرده و با تمام توان به مصاف پرسپولیس خواهد آمد در صورتی که نساجی با برد بزرگ در اهواز می‌داند که از سه تیم خوزستانی قعر جدول پیش است و خیال راحت‌تری خواهد داشت. البته از سوی دیگر با توجه به اینکه بازی هفته آخر استقلال مقابل پیکان برگزار می‌شود و حالا تیم عنایتی هم جزء فانوس به دست‌ها به حساب می‌آید، اگر شرایط جدول به گونه‌ای پیش برود که پیکان در هفته پایانی برای سقوط نکردن نیازمند کسب امتیاز باشد کار استقلال نیز در بازی هفته سی‌ام خود دشوار خواهد شد.

ژستی در کار نبود!
صفحه ۱۴

آن عشق و ازدواج مضحک در شانزده سالگی...
صفحه ۱۶

۱۲۰ فوتبالیست برتر تاریخ (قسمت دوم)

فانتزی‌بازها و قلدرها

این دومین قسمت از پاورقی ۱۲۰ بازیکن بزرگ تاریخ فوتبال است و ذکر این نکته که کفه ترازو به سمت بازیکنان دو سه دهه اخیر است. در شماره قبل و در شمارش معکوس از رده ۱۲۰ شروع کردیم و به ۱۰۱ ختم کردیم. بازیکنانی مثل:

فرناندو ردوندو، رائول، فیگو، کوبالا، کانتونا، کان، شوچنکو، کلینزمن، تری، لمپارد، افن برگ، بکهام، دزایی، برهمه، راموس، داوید ویا، کوبیلاس، هالند، اسکولز و دل پی‌یرو.

حالا بقیه داستان:

۱۰۰- پل برایتنر. دفاع چپ دینامیک تیم ملی آلمان که در جام جهانی ۱۹۷۴ چشم‌ها را خیره کرد و در جام جهانی ۱۹۸۲ در پست هافبک وسط هم درخشید. او در بایرن‌مونیخ و سپس رئال‌مادرید توپ می‌زد. یک قهرمانی جهان و یک نایب‌قهرمانی و همین‌طور دو قهرمانی باشگاه‌های اروپا در کارنامه اوست.

۹۹- یحیی توره. بازیکن تکنیکی و قوی‌هیکل ساحل‌عاج که در بارسلونا با بی‌مهری گواردیولا روبه‌رو شد و در منچسترسیتی درخشید و از شانس بدش دوباره گرفتار گواردیولا شد و از فوتبال کناره گرفت. شوتزن و خلاق و باهوش.

۹۸- رایان گیگز. گوش چپ تیم ملی ولز و تیم منچستر یونایتد که سیزده قهرمانی پرمیر لیگ را در کارنامه دارد و رکورددار ارسال پاس گل در لیگ جزیره است.

۹۷- فابیو کاناوارو. دفاع متوسط‌القامت ایتالیایی که توانست با بازوبند کاپیتانی، ایتالیا را به مقام قهرمانی جهان برساند و به یکی از معدود مدافعان تاریخ فوتبال بدل شود که توپ طلا را نیز به دست می‌آورد.

۹۶- سسک فابرگاس. هافبک دستکم گرفته شده اسپانیایی که چه در آرسنال و چه در بارسلونا آمار شگفت‌انگیزی برجای گذاشت و کسی بود که پاس منجر به گل اینی‌یستا در فینال جام جهانی ۲۰۱۰ را صادر کرد.

۹۵- محمد صلاح. اسطوره تیم ملی مصر که به‌رغم نمایش‌های معمولی در چلسی و رم، در لیورپول در جایگاه بزرگان تاریخ این باشگاه قرار گرفت و یک قهرمانی لیگ و یک قهرمانی اروپا را با سرخ‌های انفیلد به‌دست آورد. اگر تابعیت یک کشور بزرگ اروپایی را داشت، می‌توانست جایگاه بالاتری در این جدول برای خود دست و پا کند.

۹۴- پیرلو. هافبک وسط خلاق و بی‌نظیر ایتالیایی که از ارکان قهرمانی این کشور در جام جهانی ۲۰۰۶ بود. او در لباس میلان و اینتر میلان و یوونتوس درخشان ظاهر شده بود.

۹۳- گیورگی هاگی. مارادونای بالکان با یک تکنیک فوق تصور. او برای تیم ملی رومانی در سه جام جهانی در سال‌های ۱۹۹۰، ۱۹۹۴ و ۱۹۹۸ نقش ایفا کرد و شش بار هم مرد سال فوتبال رومانی شد.

۹۲- مسوت اوزیل. فانتزی‌باز ترک‌تبار تیم ملی آلمان که در رئال‌مادرید پایه اصلی درخشش کریستیانو رونالدو بود. او همراه با تیم ملی آلمان به مقام سوم جهان در سال ۲۰۱۰ و به مقام قهرمانی جهان در سال ۲۰۱۴ رسید. حضورش در آرسنال نیز به‌رغم نمایش‌های متناوبش، موثر و تاریخ‌ساز بود.

۹۱- الساندرو نستا. آقای تکل. دفاعی سرسخت که جام جهانی ۲۰۰۶ را به‌خاطر مصدومیت از دست داد اما در لاتزیو و آث‌میلان در اندازه‌های بهترین مدافعان تاریخ فوتبال خودش را نشان داده بود.

۹۰- ساموئل اتوئو. مهاجم تیزچنگ کامرونی که افتخار زدن دو گل در دو فینال اروپایی را در کارنامه دارد. با لباس بارسلونا به آرسنال با لباس بارسلونا به منچستر یونایتد. به‌جز این او با لباس اینترمیلان هم برای سومین بار قهرمان اروپا شده بود.

۸۹- رابرت لواندوفسکی. رکورددار گل زدن در یک فصل برای بایرن‌مونیخ با ۴۱ گل. اما او شایستگی‌های خود را در تیم‌هایی مثل بورسیا دورتموند و البته بارسلونا نیز نشان داده است. او در همین فصل فعلی و در بدترین نسخه بارسا، به رکورد ۱۷ گل و پاس گل در ۳۱ بازی دست یافته است. اگر در تیم ملی بهتری از لهستان بازی می‌کرد جایگاهش در این جدول بسیار بهتر بود. او ۳۴ ساله است. او یک توپ طلای حتمی را نیز به‌خاطر دوره کرونا از دست داده است.

۸۸- سرخی بوسکتس. از نسل درخشان بارسلونای گواردیولا که نقشی پنهان و نامحسوس در موفقیت آن بارسای رویایی و کسب سه جام اروپایی داشت. یک هافبک دفاعی کامل و بی‌عیب و نقص.

۸۷- پاتریک ویرا. هافبک دفاعی بُتنی و درشت‌هیکل و بداخلاق تیم ملی فرانسه و تیم آرسنال. او در آرسنال ژنرال همه فن حریف میانه میدان بود و ستاره تیم ملی فرانسه در قهرمانی جام ملت‌های اروپا در سال ۲۰۰۰.

۸۶- گرت بیل. یک اعجوبه به تمام معنا که قدر خود را ندانست و در رقابت با رونالدوی سرسخت در خط حمله رئال‌مادرید خسته شد و ترجیح داد به یک بازنشسته زودهنگام بدل شود. با این حال او یکی از بهترین مهاجمان هزاره سوم بود با تکنیک خارق‌العاده و قدرت بدنی بی‌مثال. او نقش مهمی در سه قهرمانی پیاپی رئال‌مادرید به همراه زیدان داشت. او ده فصل در سفیدهای اسپانیا توپ زد.

۸۵- لوییز سوارز. دوران درخشانی را در سه تیم آژاکس و لیورپول و بارسلونا پشت سر گذاشت و در جام جهانی ۲۰۱۰ نیز توانست همراه اروگوئه به مقام چهارم جهان دست پیدا کند. از افتخارات او تصاحب کفش طلای بهترین گلزن اروپا در سال ۲۰۱۶ و در حضور مسی و رونالدو و نیمار و گرت بیل و لواندوفسکی بود. او گاه بازیکن غیرقابل اعتمادی می‌شد اما در نهایت یکی از مفیدترین مهاجمان دو دهه گذشته اروپا و آمریکای جنوبی محسوب می‌شود.

زندگی خصوصی جلال الدین بلخی

پاسخ به سوالات احتمالی که ممکن است بعد از تماشای «مست عشق» در ذهن شما به وجود بیاید

ادامه از صفحه اول

آیا پسر مولوی با شمس اختلاف داشت؟

این اختلاف وجود داشته چراکه بخش‌هایی از نوشته‌های شمس صراحتا نوعی از خصومت فرزند مولوی را نسبت به شمس نشان می‌دهد. عده‌ای آن را به خاطر حسادت فرزند کوچک مولوی (علاءالدین) به فرزند بزرگ‌تر (بهاءالدین) دانسته‌اند. عده‌ای حتی آشوب‌هایی را که علیه مولوی در قونیه به راه افتاد، زیر سر علاءالدین می‌دانند. در عین حال حتی قتل شمس را منتسب به علاءالدین دانسته‌اند و گفته‌اند به همین دلیل بوده که مولوی در خاکسپاری این فرزندش شرکت نکرد چراکه می‌دانست عامل قتل شمس بوده است. هرچند در این باره تردیدهایی جدی هم مطرح است.

آیا پسر مولوی، خواستگار کیمیا بود؟

با توجه به اینکه ماجرای کیمیا، خود، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، چندان نمی‌توان به این نوع قصه‌پردازی‌ها دل سپرد. در واقع اگر قرار باشد تاریخ زندگی مولوی را به شکلی واقعی و حقیقی دنبال کنیم، به هیچ وجه نمی‌توان رد چنین گزارش دقیقی را در زندگی او دید. چنانچه دکتر خاکی هم در کتابش می‌آورد: «هیچ دلیل جدی و گواه روشنی مبنی بر ادعای عاشقی علاءالدین... در دست نیست.» (ص ۱۱۹) البته عده‌ای هم گفته‌اند که علاءالدین عاشق کیمیا بود و بعد از ازدواج شمس با کیمیا، این خصومت ماندگار شد. در حالی که از این عده باید پرسید چرا علاءالدین با وجود عشق به کیمیا، قبل از ورود شمس به قونیه، با او ازدواج نکرد؟! مگر چه ممانعتی وجود داشت؟! پس می‌توان به این نتیجه رسید که این نوع روایت‌ها، بیشتر به درد کسانی می‌خورد که شیفته تماشای فیلم‌های هالیوودی هستند!

آیا شمس تبریزی به قتل رسید؟

استاد بدیع‌الزمان فروزانفر در کتاب زندگینامه مولوی می‌نویسد: «مطابق روایت افلاکی علاءالدین محمد فرزند مولانا شریک در خون شمس شده بود و هم در آن ایام، تب محرقه و علتی عجیب پیدا کرد و مولانا از غایت انفعال به جنازه ولی حاضر نگردید، سایر ارباب تذکره هم کمابیش این روایت را از افلاکی گرفته و در تذکره‌ها نوشته‌اند و این سخن با ولدنامه مخالف و به قوت مورد تردید است.» (ص ۷۳) در کنار نظر استاد فروزانفر، استاد موحد در کتاب «شمس تبریزی» خاطرنشان می‌کند: «آنچه مسلم است، شمس پس از مدتی از ستیزه‌جویی‌ها و زبان‌درازی‌های بدخواهان بیزار گشته و در این اندیشه افتاده بود که مولانا را به حال خود رها سازد و از قونیه برود. او دیگر کار خود را به انجام رسانیده بود و مولانا چندان پخته شده بود که می‌توانست پس از ترک شمس روی پای خود بایستد و راه را ادامه بدهد. شاید دشواری عمده شمس با مولانا منصرف کردن ذهن او از عرفان نظری و کشانیدن او به تجربه و عمل بوده است... (چراکه) آنها که عمر خود را در بحث از چگونگی راه و تعداد منازل و نقل حکایت‌های راهروان می‌گذرانند هرگز به جایی نمی‌رسند.» (ص ۲۱۹) در عین حال اما در ترکیه بسیاری بر این عقیده هستند که شمس توسط فرزند مولوی (علاءالدین) کشته و در چاهی افکنده شد.

آشفتگی‌های مولوی

بعد از هجرت همیشگی شمس، مولانا حدود ۲ سال در جست‌وجوی اوست و در شوق و اشتیاقش برای یافتن شمس همین روایت بس که: «روزی مگر شخصی خبر داد که مولانا شمس را در دمشق دیدم، چندانی بشاشت نمود که توان گفت! و هرچه از دستار و فرجی و کفش و موزه پوشیده بود، به وی بخشید؛ عزیزی از یاران گفته باشد که او دروغ خبر داد، هرگز ندیده است؛ حضرت مولانا فرمود که برای خبرِ دروغِ او دستار و فرجی دادم، چه اگر خبرش راست بودی به جای جامه جان می‌دادم و خود را فدای او می‌کردم.» (مناقب العارفین، ص ۴۰۵) دیوان غزلیات و برخی ابیات مثنوی نیز نشان می‌دهد مولوی چگونه سر از شور و شیفتگی برنمی‌دارد. کار حتی به جایی می‌رسد که احوالاتش شهره می‌شود در شهر:

غلغله افتاد اندر شهر / شهر چه بلکه در زمانه و دهر
کاین چنین قطب و مفتی اسلام / کاوست اندر دو کون شیخ و امام
شورها می‌کند چو شیدا او / گاه پنهان و گه هویدا او
(ولدنامه، کتاب فرزند مولوی درباره پدرش، ص ۶۸)

سفر برای یافتن شمس

مولوی که از فقدان شمس بی‌قرار است، بار سفر می‌بندد اما هیچ نشانی از شمس تبریزی نیست. پس ناچار به قونیه بازمی‌گردد. با این حال، این سفر دست‌آوردی غریب برای مولوی دارد: «اگرچه حضرت شمس‌الدّین را به‌صورت در دمشق نیافت اما به‌معنی عظمتِ او را و چیزی دیگر در خود یافت.» (مناقب العارفینِ، ص ۴۳۸) چنانچه سلطان ولد (فرزند مولوی) هم در همین معنی و در احوالات آن ایام پدر سروده است که:

«شمس تبریز را به شام ندید/ در خودش دید همچو ماه پدید
گفت اگرچه به تن از او دوریم / بی‌تن و رح، هر دو یک نوریم
(ولدنامه، ص ۷۰)

به این ترتیب مولوی به قونیه بازمی‌گردد اما همراه شمسی که در خود یافته است. این جست‌وجو و این کشف تازه، سماعی دوباره در او آغاز می‌کند که بخشی از غزلیاتش، محصول توامان موسیقی و شور درونی اوست.

چرا مولوی به «رومی» معروف است؟

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی مشهور به «مولوی» را به عنوان «مولوی رومی»، «ملّای روم» و «رومی» نیز می‌شناسند که دلیل آن، مهاجرت خانواده او به قونیه، از مناطق تحت فرمانروایی سلاجقه روم بود. به این ترتیب عناوین منتسب به «روم» بین خاندان «مولوی» رواج یافت، چنانچه با القاب مذکور شهرت یافت: «خانواده مولانا... طی دوران صحبت با صلاح‌الدین و حسام‌الدین تدریجاً با خانواده‌های رومی و ترکان ولایت درآمیخت و در طی زمان رومی شد. لفظ ترکی و رومی... در بین آنها مورد توجه واقع شد و خاندان «خداوندگار» تدریجاً در سرزمین روم حیثیت و شهرت قابل ملاحضه‌ای یافت.» (پله پله تا ملاقات خدا، ص ۳۱۴)

علیه انحراف و کج‌روی‌ها

تاریخ تصوف و عرفان و همچنین گستره شعر و ادبیات ایران، به دلایل مختلف، همواره ابهاماتی در ذهن افراد ناآگاه ایجاد کرده که این گزارش، مجال پاسخگویی به آنها نیست. فقط به دو جمله از شمس و مولوی ارجاع می‌دهیم تا پاسخی تمام‌کننده باشد به این نوع ابهامات. شمس تبریزی می‌گوید: «روزگار بد است و مردم طمع می‌کنند در پسر و از خدا نمی‌ترسند.» (مقالات شمس، محمدعلی موحد، ص ۲۰۸) و مولوی در پاسخ به بدگویان درباره فرزندش می‌گوید: «بهاءالدین من (پسر من)، حشیش نخورد و هرگز لواط نکند که عندالله الکریم (نزد خدای کریم) این هر دو کار، عظیم، نامحمود است و ذمیم.» (مناقب‌العارفین، تحسین یازیجی، ص ۶۳۳)

علیه درویش‌بازی

برخلاف آنچه در آن روزگار بین صوفیان و دراویش اینچنین رسم بوده، هیچ گزارش مستندی درباره شمس وجود ندارد که راه و رسم آنها را ادامه داده باشد. در واقع خلاف آنها نه خرفه به کسی می‌داد و نه از آیین‌شان طرفداری می‌کرد. داستان «خر برفت» مولانا هم در «مثنوی» هم نشان می‌دهد کاملاً علیه صوفیانی بوده که با بی‌خردی و بلاهت صرفا خرقه‌ای می‌پوشیدند و به جای استفاده از درک و هوش و خرد، تلاش داشتند در راه ظواهر گام بردارند. ضمن اینکه بیانیه‌ای است واضح علیه مفت‌خواری بعضی از این جماعت.

روایت

شیطان وجود ندارد!

شهنام صفاجو | ده فصل بعد از جدایی آلکس فرگوسن از منچستریونایتد، شیاطین سرخ هنوز وضعیت باثباتی پیدا نکردند و انبوه جابه‌جایی مدیران و مربیان و بازیکنان، کمکی به حل این مشکل نکرده است؟ به‌راستی داستان چیست و چرا یونایتدها در دوران پسافرگوسن به این وضعیت دچار شدند؟ منچستریونایتد مدل ۲۰۲۴ در حد یک نام بوده است و اعتبار آن هر روز و به بهانه‌های مختلف خدشه‌دار شده است. آخرین اظهارنظر هم به ستاره‌ای چون دیوید بکام برمی‌گردد که گفته: «یونایتد هویتش را از دست داده است». این حرف و ادعای بزرگی است، اما واقعیت دارد و امروزه هیچ تیمی و هیچ شخصی شیاطین سرخ را جدی نمی‌گیرند. بله! درست است؛ شیطان وجود ندارد!

نقش فرگی

دیوید بکام حرف مهمی زده است. این تیم در یک دهه اخیر بازیکنانی را از دست داده که هویت باشگاه را تشکیل می‌دادند. سوای خودِ او، گری نویل، رایان گیگز، پل اسکولز، نیکی بات، ریو فردیناند، وین رونی، جمعی از شاخص‌ترین بازیکنان بریتانیایی بودند که در اولدترافورد بزرگی می‌کردند؛ اما خروج این بازیکنان و عدم استراتژی مناسب برای جایگزینی آنها، منچستریونایتد را به این وضعیت سوق داده است. فرگوسن سال ۲۰۱۳ رفت، بدون این‌که ساختاری برای آینده پیش‌بینی و طراحی کند. بعد او مربیان مهمی روی نیمکت تیم نشستند؛ دیوید مویس، لویی فن‌خال، ژوزه مورینیو، اوله‌گونار سولشر، رالف رانگنیک و دستِ آخر اریک تن‌هاخ؛ اما هیچ‌یک در حد نام و اعتبار یونایتد موفق نبودند؛ چرا که سال‌ها از یک گروه بازیکن نخبه کار کشیده بودند و وقتی همه آنها به تهِ خط رسیدند یا مثل رونالدو در پی چالش دیگری رفتند، به ناگاه شیاطین سرخ خلع‌سلاح شدند و هرگز نتوانستند به اوج و شکوه گذشته برگردند. بدتر اینکه رقیب همشهری هم با پوندهای نفتی ناگهان سربرآورد و مدعی درجه یک لیگ برتری شد تا منچستری که می‌شناختیم، آبی آسمانی شود. پس ضمن احترام به همه دوستداران آقای فرگوسن، باید گفت ایشان هم مقصر وضعیت امروزی یونایتد هست.

نقش مدیران

منچستریونایتد در این دوره ناکامی دستخوش تغییر و دگرگونی مدیران تیم هم بوده است که به نظر نتیجه معکوس داشته است؛ از جمله رفتنِ اِد وودوارد و شیوه مدیریتی ریچارد آرنولد که بارها مورد نقد قرار گرفته است. حال جیم راتکلیف ۷۱ ساله با خرید ۲۵ درصد سهام باشگاه و چراغ سبز گلیزرهای آمریکایی، نفر اول بازسازی قرمزهای اولدترافورد شده و در قدم اول «عمر برادا» مدیر فنی سابق سیتی را استخدام کرده تا تیم را از این وضعیت آشفته خارج کند؛ ولی مشخص نیست ایده‌های او تا کجا می‌تواند چشم‌اندازی روشن برای این تیم و هوادارانش رقم بزند. راتکلیف مشخصاً تن‌هاخ را قبول ندارد و دنبال راهی برای کنار زدن اوست تا با سرمربی جدید، ساختار تیمی‌اش را تغییر دهد؛ اما فعلاً مربی مناسبی در مارکت نقل و انتقالاتی وجود ندارد. شاید چشم امید این پیرمرد ثروتمند به گراهام پاتر است که او هم در چلسی رویاهای خود را بر باد داد.

چه ترسناک!

پروسه نقل و انتقالات من.یو طی یکی دو سال اخیر واقعاً ترسناک بوده است؛ اصلی که مدیران تیم از آن پیروی کردند، در این جمله خلاصه می‌شود: «آنها بازیکنان ناشناس و تمام‌شده را خیلی گران می‌خرند و به معضل اساسی تیم بدل می‌کنند». به این نام‌ها توجه کنید: هنریک کاسیمیرو، رافائل واران، آنتونی، تایرل مالاسیا، سوفیان آمرابات، میسون مونت، راسموس هویلند و لیساندرو مارتینز همیشه مصدوم، هر یک به بهایی گزاف به منچستر آمدند و نقشی منفی در تیم بازی کردند. البته از این جمع منفی آندره اُونانا را با تک‌ماده کنار گذاشتیم؛ چون او خیلی مقصر این وضع آشفته نیست. ضمن این‌که انتقال قرضی جیدون سانچو و میسون گرین‌وود هم از جمله شاهکارهای مدیریتی تئاتر رویاها بوده که نیازی به آنالیز آن نیست!

به نظر می‌رسد کنترل این وضعیت قرمز، هدف اصلی راتکلیف و تیم مدیریتی‌اش است تا با تدبیر لازم وارد بازار نقل و انتقالات شوند؛ اما شاید هر کاری هم بکنند، تیم‌های دیگر بازیکنان مازاد خود را با قیمت بالا به منچستر می‌اندازند؛ کاری که فلورنتینو پرز استاد آن است.

این آمار

آمار منچستریونایتد در فصل ۲۴-۲۳ واقعاً ناامیدکننده است. آنها در فاصله دو بازی تا پایان فصل رقابت نزدیکی با نیوکاسل و چلسی دارند تا با امیدی اندک چشم به رقابتی اروپایی داشته باشند. به‌خصوص این‌که بازی رودررو با نیوکاسل، سرفصل این آرزوی دوردست است. شیاطین سرخ در این فصل ۱۴ باخت را تجربه کرده و با امتیاز نازل ۵۴ و گل‌آوراژ ۴- در حال رسیدن به پایان خط هستند؛ آماری که همه رکوردهای منفی این تیم طی دهه‌های اخیر را زده است!

امید من.یو

کورسوی امید اریک تن‌هاخ و تیم نصفه‌ونیمه‌اش، فینال جام حذفی انگلیس است که روز پنجم خرداد در ومبلی برگزار می‌شود. حریف هم که نام آشنایی دارد: سیتی. قرمزهای اولدترافورد تنها با موفقیت احتمالی در این میدان سخت می‌توانند اعاده حیثیت کنند تا فصل را به تلخ‌ترین شکل ممکن به پایان نرسانند. این مهم با رسیدن احتمالی مصدومان پُرشمار تیم و اتخاذ تاکتیکی مناسب از سوی سرمربی هلندی امکان‌پذیر است تا منچستریونایتد حداقل به یک جام برسد؛ جامی که در فوتبال انگلیس، قدیمی‌ترین است. شیاطین سرخ تاکنون ۱۲ بار فاتح این جام شدند و با کسب سیزدهمین جام حذفی انگلیس، شانس صعود به لیگ اروپا در فصل ۲۵-۲۴ را هم به‌دست می‌آورند؛ آن‌وقت شاید تن‌هاخ در این بازار بی‌مربی شانس دیگری پیدا کند.

استالین می‌خواست تروتسکی را به ایران تبعید کند؛ رضاشاه مخالفت کرد

استالین آن‌قدر عجله و علاقه داشت شر تروتسکی به طور مسالمت‌آمیز از روسیه کنده شود که حاضر بود یک کرور تومان پول هم سرقفلی او به عنوان کمک به کشوری که تروتسکی را راه بدهد، بپردازد. آن روزها یک کرور تومان برای دولت ایران که خزانه‌اش خالی بود، خیلی مهم بود. ولی اعلیحضرت [...] گفت، به هیچ قیمت حاضر نیست اجازه ورود تروتسکی را به ایران بدهد.

به گزارش خبرآنلاین، لیتوینوف یکی از وزرای خارجه در دوران استالین که از دیکتاتوری او دل پرخونی داشت، در دوران وزارت خود مرتبا یادداشت‌های روزانه‌ای می‌نوشت و اسرار سیاست آن روز شوروی و زدوبندهای پشت پرده را یادداشت می‌کرد. او که نگران بود مبادا یادداشت‌ها به دست عمال استالین بیفتد و باعث نابودی او و خانواده‌اش گردد؛ اواخر عمر یادداشت‌هایش را به وسیله‌ای به سوئد فرستاد و به خواهرزاده‌اش سپرد که پس از مرگ او و استالین، هر موقع فضا فراهم شد و خطر از میان رفت، یادداشت‌ها را منتشر سازند. در اردیبهشت ۱۳۳۵، که هیاهوی ضد استالینی با نطق پرسروصدای خروشچف بلند شد، خواهرزاده لیتوینوف بالاخره زمان را برای نشر یادداشت‌های او مناسب دید و حق ترجمه آن را به مبلغ ۳۰۰ هزار دلار به روزنامه مشهور آمریکایی در آن مقطع فروخت. این روزنامه نیز به تدریج اقدام به چاپ روزانه این یادداشت‌ها کرد. بخش‌هایی از این یادداشت‌ها درباره تروتسکی و مبارزه او با استالین، که در همان زمان از روزنامه هرالد ترجمه و در اطلاعات هفتگی (مورخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۳۵) منتشر شد؛ به این شرح بود:

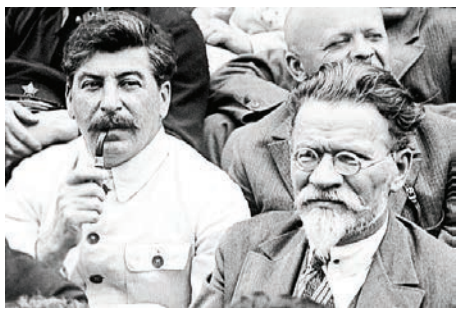

وقتی استالین موفق شد دستور تبعید تروتسکی را از کمیته حزب کمونیست بگیرد، او را اول به منطقه آلماآتا در آسیای مرکزی (قزاقستان) تبعید کرد ولی از نفوذ تروتسکی و شهرت او و شخصیت و شجاعتش می‌ترسید. از طرفی هم جرات نداشت او را نابود سازد. بهترین راه را در تبعید تروتسکی دید و از من که وزیر خارجه بودم، تقاضا کرد از هر کشوری ممکن باشد، برای تروتسکی ویزا بگیرم. خود استالین ترجیح می‌داد اگر ممکن باشد تروتسکی یا به ایران تبعید شود یا به ترکیه که تازه به رهبری مصطفی کمال پاشا داشت سروصورتی می‌گرفت.

استالین می‌گفت: «تروتسکی اگر به ممالک اروپا تبعید شود، ممکن است اسباب زحمت شود؛ ولی در ایران و ترکیه وضع طوری است که او نخواهد توانست کاری انجام دهد یا مثلا یک شعبه حزب کمونیست تشکیل دهد و برای خودش سازمانی مستقل از حزب کمونیست روسیه ایجاد نماید!».

استالین آن‌قدر عجله و علاقه داشت شر تروتسکی به طور مسالمت‌آمیز از روسیه کنده شود که حاضر بود یک کرور تومان پول هم سرقفلی او به عنوان کمک به کشوری که تروتسکی را راه بدهد، بپردازد. آن روزها یک کرور تومان برای دولت ایران که خزانه‌اش خالی بود، خیلی مهم بود؛ ولی اعلیحضرت فقید که تازه داشت به ایران سروصورتی می‌داد و دست‌های اجنبی را کوتاه می‌کرد و غائله جنگل و نفوذ کمونیست‌ها را از میان می‌برد، گفت به هیچ قیمت حاضر نیست، اجازه ورود تروتسکی را به ایران بدهد.

مصطفی کمال‌پاشا که هنوز از کمک تسلیحاتی روسیه استفاده می‌کرد، جواب داد، حاضر است تروتسکی را به ترکیه راه بدهد ولی به شرط این‌که در سفارت شوروی بماند و به هیچ عنوان، قدم از سفارتخانه بیرون نگذارد. کمال پاشا این سنگ را جلوی استالین انداخت. استالین بی‌اندازه عصبانی شد و گفت: «این شرقی‌ها از ما زرنگ‌تر هستند، ببین چه جوابی داده.» آن‌قدر عصبانی بود که پیپ خودش را زیر پا انداخت و له و لورده کرد! بالاخره تروتسکی را به سوئد فرستادند که مدت کوتاهی آن‌جا تحت نظر بود و بعد به آمریکای جنوبی رفت و عمال استالین آن‌قدر دنبال او افتادند تا در مکزیک کلکش را با یک ضربت تبر فولادی کندند. تروتسکی در عین حال که یک انقلابی خشن و سرسخت شناخته شده بود و در اولین کابینه لنین پس از انقلاب نیز وزارت جنگ را به عهده گرفت و فرمانده کل ارتش روسیه شد و در مسافرت‌ها با واگن زره‌پوش مسلح حرکت می‌کرد، در زمینه ادبیات هم تسلط داشت و جزو ادبا و نویسندگان روسیه به شمار می‌رفت و گاهی هم شعر می‌گفت از جمله وقتی در سوئد بود، به فکر افتاد رباعیات خیام را به زبان روسی به شعر ترجمه کند. برای فهمیدن مفهوم و مضمون حقیقی شعر خیام علاوه‌بر ترجمه‌های فرانسه و انگلیسی، از یک دانشمند شرق‌شناس سوئدی کمک گرفت و ۳۶ رباعی را به شعر روسی ترجمه کرد که خیلی خوب و جالب از کار درآمد.

به طوری که دوستانش عقیده داشتند این ترجمه از ترجمه انگلیسی فیتز جرالد هم بهتر شده و شهرت ادبی بزرگی در دنیا برای تروتسکی ایجاد خواهد نمود!

تازه سروصدای ترجمه روسی خیام به وسیله تروتسکی توجه محافل ادبی اروپا را جلب کرده بود که یک روز ترجمه‌ها و پرونده ترجمه گم شد و تروتسکی هرچه جست‌وجو نمود، آن را نیافت. خدمتکار خانه گفت ممکن است اشتباها کاغذها را در سبد باطله ریخته باشد!

این جریان مبهم و مرموز ماند و باعث دل‌سردی تروتسکی شد تا پس از ۳۰ سال معلوم شد، سرقت ترجمه‌ها به دستور استالین بوده و برای این کار پول گزافی خرج کرده تا نگذارد تروتسکی به شهرت ادبی پرسروصدایی نائل گردد و دنیا را بیش‌تر متوجه او سازد!

خوانندگان و دیدگاه‌ها و پاسخ‌ها

پیام‌های برگزیده خوانندگان/ پنجشنبه‌ها/ پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷

ژستی در کار نبود!

معلمان، زاکانی، گرانی قند، پارکینگ‌های خودروهای توقیفی، پرسپولیس، شریفی‌نیا و شریفی‌مقدم

۰۹۳۶۲۲۹: اغنیا مگه روند و فقرا سوی تو آیند/ جان به قربان تو «طاشو»/ که تو «کنت» فقرایی!

۰۹۰۵۳۷۲: بشنو از اشنو چون حکایت می‌کند/ از کت سفید نازک‌بدن شکایت می‌کند!

۰۹۰۵۳۷۲: اقای دولت، قند شد ۵۵۰۰تومان... اقای ق...ن...د ش...د بنجاه و پنج هزار تومان!!!...!!!!!!...

۰۹۱۲۵۳۶: دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳ در مطلب «حرفه: جراح لبخند» پرونده «قرینه» درست است نه «قرینه».

۰۹۱۲۱۱۱: نیگا کن باز دچار دوبینی قرنیه شده‌ها. متل روزهایی که بیرجند و برازجان یا تبریز و نیریز رو اشتباه می‌گیرم!

۰۹۱۱۱۱۲: جناب اقتدار دولت برای معلمان هیچ امتیازی قائل نیست و انجاره به امان خدا ول کرد. حالا نسبت به صحنه‌هایی از سریال الهی جونان، اونقدر سلفاگری می‌کنه که اگر کسی ندونه فکر می‌کنه معلمان چون دوران باستان، جزو طبقه ممتاز جامعه ست. (راستی وزیرش هم راجع به دربی برنامه داشت)

۰۹۱۶۹۸۰: عزیزان هفت‌صبح، بعد از ۷ سال از این سر شهر رفتن به اون سر شهر برای خریدن هفت‌صبح که بعضی وقتا گیرم نمی‌اومد حالا به جایی رسیدم که باید از این سر شهر بزنم به اون سر شهر برای به لقمه نان، هی روزگار...

۰۹۱۲۲۲۶: این دفعه از اون یکی سر شهر هم به سر بزن به این یکی سر شهر بلکه وامه کفترای من هم یه لقمه نون و بولقمون پیدا کردی!

۰۹۱۲۱۱۵: از: ظلم پارکینگ‌های خودروهای توقیفی (کشف حجاب) بنویسید.

۰۹۱۲۱۱۵: والله خطاب به کسی و اصلا واسه چی بنویسم؟ سال قبل که ماشین خود مارو راه پارکینگ کردند، پارکینگچی اولش الکی گفت جا نداریم! بعد که التماسش کردیم یه شماره حساب دولتی داد به شماره کارت شخصی و گفت که اینقدر پول برای این بریزید و اینقدر هم برای اون یکی. همون لحظه هم به ماشین سلیقه خارجی رسید. پارکینگچی دوباره گفت جا نداریم. راننده گفت «اقا من همه پارکینگ‌ها و گشتم و دیگه حسته شدم، هر جی بگی می‌دم» و طرف به شاگردش گفت «بذار یه پارک کنه» و دوباره دوتا شماره کارت داد بمش. من این قضیه‌رو صدبار اومدم بنویسم اما دیدم خوصله گرفتاری های بدبختی رو ندارم. اومدم پیشنهاد کنم که چرا نیروهای بازرسی در لباس مبدل، بعضا سری به بعضی از این پارکینگ‌ها نمی‌زنن؟ دیدم که حستمام.

۰۹۱۲۲۷۶: دور بد کرای دکترمافی دزد بزرگ گرامی تمام فرمایشات شما درست و قابل درک اما سوال اینکه این معضل در شهرستان‌ها هم دارد بدتر از مراکز استان‌ها می‌شه. وقتی هیچکس در جای خودش نیست و گرفتاری‌ها و با عرض پوزش، تن فروشی و دله‌دزدی- در جامعه فقیر، روز به‌روز افزایش یافته و از طرفی، افغان‌های فراری از دست طالبان و سکونت آنها در حاشیه شهرها و افزایش جرم و جنایت در میان آنها و عدم اعتبار و ناامنی زندگی در میان آنها، اصلا شایسته خانواده نیست. خواهشا نظرتان به خودتان در چگونگی حل این سرنوشت مردم بخترب گشته و ندارد و کو- درآمد چیست؟ فقط مقاله و طرح موضوع نمی‌تواند این معضل را حل کند. با یورش جسارت کردم. (افراز)

۰۹۰۵۷۶۴: خواهش دارم- جه جسارتی، اینکه اسمش شجاعته!

۰۹۱۲۲۷۶۰: دولت بر گرانی می‌دمد و آمارها درباره تورم واقعیت ندارد. چرا دولت اقتصاد کشور را براساس چوب‌زنی کشف قیمت اداره می‌کند که مواد اولیه پتروشیمی، فولاد، ورق و سیمان را در بورس کالا به نرخ دلار می‌فروشد. چرا شمش طلا و سکه را به روش چوب‌زنی که هدفش کشف بالاترین قیمت است می‌فروشد.

۰۹۱۲۲۷۶۰: ذهن گرسنه، شکم‌های فقیر و ذهن فقیر می‌سازد و ذهن‌های فقیر، دنبال توسعه و ترقی نمی‌رود. یادش به خیر، به معلم خیلی خوبی داشتیم سی‌ام زنش گذشته بود و علاوه بر تجربه، بسیار خوش‌اخلاق و آروم و دوست‌داشتنی بود. همیشه می‌گفت: هر سوالی دارید بپرسید، اگه بلد هم نباشم، میرم مطالعه می‌کنم و جواب می‌دم. یک بار به‌قضیه درمانگاهی که در زمان زکریای رازی قصد ساختنش را داشتند اشاره کرد. زکریای رازی گفته بود که چهارتا تکیه گوشت در چهار نقطه از شهر بگذارید، هر جا که دیرتر فاسد شد، همونجا درمانگاه رو بسازید. بعد سوال‌های ما از آقا معلم شروع شد. بچه‌ها: آقا اجازه؟ سگ‌ها گوشت‌هارو نخوردن؟! معلم: نه حتماً روی یک جای بلند یا محفوظ بوده؛ نمی‌دونم! بچه‌ها: دزدها یا گفیرها گوشت‌هارو نبردن؟! معلم: نمی‌دونم! شاید کسی مواظب بوده. بچه‌ها: گوشت‌هایی که برای فاسد شدن گذاشتن، اسراف نبود؟! معلم: بچه‌ها، سالم مونده باشن. بچه‌ها: چهارتکیه گوشت ایرادی نداشته که فاسد بشه. بچه‌ها: اگه دو تا از گوشت‌ها، سالم مونده باشن، کجا درموقاه رو می‌سازند؟! معلم: سوال خوبی بود. حتماً باز هم میر می‌کردند ببینند کدوم‌تکیه گوشت زودتر فاسد می‌شه. بچه‌ها: این گوشتی که سالم مونده رو آخرش می‌خوردن؟! معلم: نمی‌دونم، پسرجان حتما می‌خوردن دیگه. بچه‌ها از این دست سوال‌ها پرسیدند تا اینکه معلم عصبانی و ناراحت شده و گفت: «من به آخر عمرم چیز زیادی نمونده! ولی دلم می‌سوزه که ذهن بچه‌های کوچیک که اینقدر گرسنه اینا! همه‌شون نگران گوشت هستند. از بین این همه سوال که درباره گوشت پرسیدید یک نفر نپرسید درمانگاه چی شد؟ ساخته شد؟ نشد؟ اصلا اون زمان چطور درمانگاهی می‌ساختند؟ چه سبکی داشته؟ معلومه تو ذهن‌هایی که فقر و گرسنگی پر شده، جایی برای توسعه و رشد و ایستدی، وطن باقی نمی‌مونه. حکایت این روزهای ما هم همینه. کسی دنبال توسعه و سازندگی، راهکاری برای عمران و آبادی، برای اشتغال و گشایش نیست. برای پرورش از این بچه‌ها و کمک و خلاصی از مشکلات بحثی نمی‌شود! فقط ذهن‌مون درگیر دلار و ارز و سکه و بورس و مرغ و تخم‌مرغ و روغن و قیمت نامعقول پراید هست. ذهن‌مان گرسنه و فقیر است. بی‌انکه بفهمیم و بیدار بشیم...

۰۹۱۲۲۷۶۰: والله باید به اداره تاکسیرانی زنگ بزنین، ماکه در جریان این چیزها نیستیم! (به گسوره بازار می‌گوییم)

۰۹۱۸۸۰۴: خدمت هفت‌صبحی‌های گرامی، می‌خواهم بپرسم که الان عدمای از جعل و دستکاری حرف می‌زنند و راجع به بعضی از اسناد و مدارک، هی می‌گویند جعلی و فلان اسناد... باغ... یا مدارک... مربوط... به... دستکاری شده. آدم به شک می‌ره که نکنه خودمون را جعلی و دستکاری کردن و خودمون خبر نداریم؟ پس اگر می‌شه بگن ما هم جعلی هستیم یا نه؟ تا خیال‌مون راحت بشه.

۰۹۱۰ [illegible]: من کفترام هم جعلی هستن!

۰۹۱۲۷۶۰: ذهن گرسنه، شکم‌های فقیر و ذهن فقیر می‌سازد و ذهن‌های فقیر، دنبال توسعه و ترقی نمی‌رود. یادش به خیر، به معلم خیلی خوبی داشتیم سی‌ام زنش گذشته بود و علاوه بر تجربه، بسیار خوش‌اخلاق و آروم و دوست‌داشتنی بود. همیشه می‌گفت: هر سوالی دارید بپرسید، اگه بلد هم نباشم، میرم مطالعه می‌کنم و جواب می‌دم. یک بار به‌قضیه درمانگاهی که در زمان زکریای رازی قصد ساختنش را داشتند اشاره کرد. زکریای رازی گفته بود که چهارتا تکیه گوشت در چهار نقطه از شهر بگذارید، هر جا که دیرتر فاسد شد، همونجا درمانگاه رو بسازید. بعد سوال‌های ما از آقا معلم شروع شد. بچه‌ها: آقا اجازه؟ سگ‌ها گوشت‌هارو نخوردن؟! معلم: نه حتماً روی یک جای بلند یا محفوظ بوده؛ نمی‌دونم! بچه‌ها: دزدها یا گفیرها گوشت‌هارو نبردن؟! معلم: نمی‌دونم! شاید کسی مواظب بوده. بچه‌ها: گوشت‌هایی که برای فاسد شدن گذاشتن، اسراف نبود؟! معلم: بچه‌ها، سالم مونده باشن. بچه‌ها: چهارتکیه گوشت ایرادی نداشته که فاسد بشه. بچه‌ها: اگه دو تا از گوشت‌ها، سالم مونده باشن، کجا درموقاه رو می‌سازند؟! معلم: سوال خوبی بود. حتماً باز هم میر می‌کردند ببینند کدوم‌تکیه گوشت زودتر فاسد می‌شه. بچه‌ها: این گوشتی که سالم مونده رو آخرش می‌خوردن؟! معلم: نمی‌دونم، پسرجان حتما می‌خوردن دیگه. بچه‌ها از این دست سوال‌ها پرسیدند تا اینکه معلم عصبانی و ناراحت شده و گفت: «من به آخر عمرم چیز زیادی نمونده! ولی دلم می‌سوزه که ذهن بچه‌های کوچیک که اینقدر گرسنه اینا! همه‌شون نگران گوشت هستند. از بین این همه سوال که درباره گوشت پرسیدید یک نفر نپرسید درمانگاه چی شد؟ ساخته شد؟ نشد؟ اصلا اون زمان چطور درمانگاهی می‌ساختند؟ چه سبکی داشته؟ معلومه تو ذهن‌هایی که فقر و گرسنگی پر شده، جایی برای توسعه و رشد و ایستدی، وطن باقی نمی‌مونه. حکایت این روزهای ما هم همینه. کسی دنبال توسعه و سازندگی، راهکاری برای عمران و آبادی، برای اشتغال و گشایش نیست. برای پرورش از این بچه‌ها و کمک و خلاصی از مشکلات بحثی نمی‌شود! فقط ذهن‌مون درگیر دلار و ارز و سکه و بورس و مرغ و تخم‌مرغ و روغن و قیمت نامعقول پراید هست. ذهن‌مان گرسنه و فقیر است. بی‌انکه بفهمیم و بیدار بشیم...

۰۹۱۲۲۷۶۰: حالا بالاخره اون درموقاه ساخته شد یا نه؟!

۰۹۱۲۲۷۶۰: دور بد کرای دکترمافی دزد بزرگ گرامی تمام فرمایشات شما درست و قابل درک اما سوال اینکه این معضل در شهرستان‌ها هم دارد بدتر از مراکز استان‌ها می‌شه. وقتی هیچکس در جای خودش نیست و گرفتاری‌ها و با عرض پوزش، تن فروشی و دله‌دزدی- در جامعه فقیر، روز به‌روز افزایش یافته و از طرفی، افغان‌های فراری از دست طالبان و سکونت آنها در حاشیه شهرها و افزایش جرم و جنایت در میان آنها و عدم اعتبار و ناامنی زندگی در میان آنها، اصلا شایسته خانواده نیست. خواهشا نظرتان به خودتان در چگونگی حل این سرنوشت مردم بخترب گشته و ندارد و کو- درآمد چیست؟ فقط مقاله و طرح موضوع نمی‌تواند این معضل را حل کند. با یورش جسارت کردم. (افراز)

۰۹۱۲۲۷۶۰: کذاب و جهالت در آنها کمتر است. (آذاربخت آزادمهر)

۰۹۰۱۶۳۹: قرار نیست چون فرزندان نزدیکان مسئولان، ساکن کشورهای سرمایه‌داری لیبرالیست اروپا، آمریکا و کانادا هستند قوانین این کشورها را مانند مالیات بر عایدی، در ایران اسلامی پیاده کنند؟ کدام کشور اسلامی این قانون را اجرا کرد؟ ترکیه این کار کرد و سریعا لغوش کرد. ما در شرایط تحریم و تورم و گرانی هستیم.

۰۹۱۲۲۷۶۰: کدام تحریم؟ کدام تورم؟ کدام گرانی؟! (فکر کنم ایرام شیتیل درست و حسابی می‌گیره که کلا درصدد تکذیب همه چی برآومده!)

۰۹۰۱۸۰۱: سردبیر محترم، طبق شنیده‌ها قراره تعطیلات هفتگی ادارات دولتی و سازمان‌ها وابسته ۲روز در هفته شود. آن هم با حقوق و مزایا. پس سهم من کارگر و امثالهم چیه؟ لطفا به اطلاع هرچه سران توانین مملکت حس برسانید.

۰۹۱۲۲۷۶۰: هرچی سران تو این مملکت هست و از کجا پیدا کنیم داش؟ الکل عین چی تو پیاده‌روها ریختن!

۰۹۱۰۱۶۰: من پارسال اعلام کردم درمورد پرونده جناب آقای بابک زنجانی و اسناد تتلو، آخرش خودم تصمیم می‌گیرم تا مثل جناب آقای شهرام جزائری... (تقدیم به همه)

۰۹۱۲۲۷۶۰: بابا بذار مام بدت مشورت بدیم. تکی که نمی‌شه این همه کار!

۰۹۱۲۷۹۷: با درود و دست‌مریزاد. همچنان که آگاه هستید تونلی در آزاد راه تهران شمال به‌نام البرز به صورت رفت از تهران مورد بهره‌برداری است، ولی تونل برگشت از شمال هنوز گشایش نیافته و مسافران باید از جاده چالوس (تونل کندوان) برگردند. پیشنهاد بنده که امیدوارم از سوی روزنامه هفت بامداد؛ بررسی و پیگیری گردد این است که تونل البرز تا زمانی که تونل برگشت گشایش یابد دوسویه (رفت و برگشت) به روی مسافران گشوده شود. از جمله خوبی‌های این کار: ۱صرفه‌جویی در مصرف سوخت/ پیشگیری از اتلاف وقت مسافران/ صرفه‌جویی در رفت/ استهلاک کمتر خودروها/ پیشگیری از الودگی بیشتر هوا/ ... علاوه بر موارد بالا، در امدزایی بیشتر برای وزارت راه هم هست. چون برای گذر از این تونل هنگام رفت، از تهران عوارض جداگانه دریافت می‌کنند. (دست‌بوس همگی، بهرام بوربور)

۰۹۱۲۲۷۶۰: من تازه فهمیدم اگه اسمپونو هفت بامداد گذاشته بودیم؛ از هفت‌صبح قشنگ‌تر بود!

۰۹۱۴۴۱۵: بخشین من شه گزینه بار گشت به صفحه قبلی رو در اپلیکیشن وب اضافه کنین! اونایی که کوشی ایل دارن نمی‌تونن به صفحه قبلی برگردند. ممنون.

۰۹۱۲۲۷۶۰: ببین! صدبار گفتم ایل رو ولش کنین بچسبین به کلاس!

۰۹۳۸۵۵۰: خواستم بپرسم اگر وام و ودیعه مسکن رو بگیرم، مسکن ملی تعلق نمی‌گیره یا نه؟

۰۹۱۲۲۷۶۰: والله خیلی خسته‌ام! آقا من خیلی خسته‌تر از اینم که درد مردم‌رو چاره کنم! (الان هم به هیچ وجه مسئولیت این جواب‌رو به عهده نمی‌گیرم. مسئولیتش کامل با کمال بردباراست و الا بس!)

۰۹۳۳۳۸۰: کم پیش میاد ده شستی باشی و تو مدارس پایین شهر درس خونده باشی ولی کتک معلم‌رو نخورده باشی.

۰۹۱۲۲۷۶۰: یکی لش من خودم. اونقد کتک خودم که ملاحم عیب برداشت و اخرش نفهمیدم من اونو زده یا این منو زده! ولی شماهم بگید براهم زده!

۰۹۱۲۴۰۵: دیگه راجع به قیمت روزنامه چیزی ندارم بگم. تو از رو رفتنی نیستی. یه چیزی بهم باید بده هفته دیگه برات بفرستم.

۰۹۱۲۲۷۶۰: هفته بعد به اسمس سکوت بفرست که از صد تا فحش دیدیترو!

۰۹۱۲۳۷۶: در نقد نظریات دکتر امیر رضاعلی در نقد «مست عشق»- کافی است که با دقت بیشتری فقط به نظرات شمس‌تبریزی دقت شود. ارادتمندم.

۰۹۱۲۲۷۶۰: من اول باید شمس‌رو ببرم چند تا سلاق بزنم بعد برگردم دقت کنم!

۰۹۱۲۲۵۴: برخی کارهای شهرداری تهران یادآور دیبرانی است که «درست» را خط می‌زند و «غلط» می‌نویسد. نمونه‌اش تغییر خروجی آزادراه شمال و آزادگان در برگراه همت که باعث اشتباه رانندگان و دندعقب رفتن‌های خطرناک شده است.

۰۹۱۲۲۷۶۰: «عنبر» را «انبر» می‌نویسن! چه توقعاتی داری؟!

۰۹۹۲۲۲۸: برای ستون دستور زبان عنفنو: «ژستی در کار نبود! فقط به جرم سیب گفتن، اسوژه عکاسان شهر شدم/ همین...»(علیرضا مصریور)

۰۹۱۲۲۷۶۰: عکاسان شهر، دیگه بازنشسته شدن. هر کی به موبایل گرفته شستن، شده عکاس!

۰۹۲۳۲۲۴: اقای هفت‌صبح، هرسال با شروع لیگ، دوستان ورزشی‌نویس زمانه تیم سپاهان را قهرمان لیگ می‌بینند. کمی که زمان می‌گذرد از استقلال می‌گویند. اما در اخر این پرسپولیس است که جام را می‌برد.

۰۹۱۲۲۷۶۰: بالاخره ما هم باید پول به نون و ماستی‌رو دربیاریم دیگه! از این حدس زدن- هامون یا نه؟!

۰۹۳۳۸۰۰: به سلیقا، چرا به مرگ کوروش نیکنام در فرانسه توجه نشد. (سعیدی- کرج)

۰۹۱۲۲۷۶۰: زودتر می‌گفتی من خودم توجه می‌کردم!

۰۹۱۵۸۷۲: با سیاسی از مجریان بانو خانم‌ها فرزانه آذرفام، شعله رزمجو، لطیفه گودرزی، ملیکا شریفی‌نیا و سرکار خانم المیرا شریفی‌مقدم که پاچه‌خوارهای خیلی خسته‌ام! آقا من خیلی خسته‌تر از اینم که درد مردم‌رو چاره کنم! (الان هم به هیچ وجه مسئولیت این جواب‌رو به عهده نمی‌گیرم. مسئولیتش کامل با کمال بردباراست و الا بس!)

۰۹۳۳۳۸۰: کم پیش میاد ده شستی باشی و تو مدارس پایین شهر درس خونده باشی ولی کتک معلم‌رو نخورده باشی.

۰۹۱۲۲۷۶۰: یکی لش من خودم. اونقد کتک خودم که ملاحم عیب برداشت و اخرش نفهمیدم من اونو زده یا این منو زده! ولی شماهم بگید براهم زده!

۰۹۱۲۲۷۶۰: دیگه راجع به قیمت روزنامه چیزی ندارم بگم. تو از رو رفتنی نیستی. یه چیزی بهم باید بده هفته دیگه برات بفرستم.

۰۹۱۲۲۷۶۰: هفته بعد به اسمس سکوت بفرست که از صد تا فحش دیدیترو!

۰۹۱۲۳۷۶: در نقد نظریات دکتر امیر رضاعلی در نقد «مست عشق»- کافی است که با دقت بیشتری فقط به نظرات شمس‌تبریزی دقت شود. ارادتمندم.

۰۹۱۲۲۷۶۰: من اول باید شمس‌رو ببرم چند تا سلاق بزنم بعد برگردم دقت کنم!

۰۹۱۲۲۵۴: برخی کارهای شهرداری تهران یادآور دیبرانی است که «درست» را خط می‌زند و «غلط» می‌نویسد. نمونه‌اش تغییر خروجی آزادراه شمال و آزادگان در برگراه همت که باعث اشتباه رانندگان و دندعقب رفتن‌های خطرناک شده است.

۰۹۱۲۲۷۶۰: «عنبر» را «انبر» می‌نویسن! چه توقعاتی داری؟!

۰۹۹۲۲۲۸: برای ستون دستور زبان عنفنو: «ژستی در کار نبود! فقط به جرم سیب گفتن، اسوژه عکاسان شهر شدم/ همین...»(علیرضا مصریور)

۰۹۱۲۲۷۶۰: عکاسان شهر، دیگه بازنشسته شدن. هر کی به موبایل گرفته شستن، شده عکاس!

۰۹۲۳۲۲۴: اقای هفت‌صبح، هرسال با شروع لیگ، دوستان ورزشی‌نویس زمانه تیم سپاهان را قهرمان لیگ می‌بینند. کمی که زمان می‌گذرد از استقلال می‌گویند. اما در اخر این پرسپولیس است که جام را می‌برد.

۰۹۱۲۲۷۶۰: بالاخره ما هم باید پول به نون و ماستی‌رو دربیاریم دیگه! از این حدس زدن- هامون یا نه؟!

۰۹۳۳۸۰۰: به سلیقا، چرا به مرگ کوروش نیکنام در فرانسه توجه نشد. (سعیدی- کرج)

۰۹۱۲۲۷۶۰: زودتر می‌گفتی من خودم توجه می‌کردم!

۰۹۱۵۸۷۲: با سیاسی از مجریان بانو خانم‌ها فرزانه آذرفام، شعله رزمجو، لطیفه گودرزی، ملیکا شریفی‌نیا و سرکار خانم المیرا شریفی‌مقدم که پاچه‌خوارهای

جدول و سرگرمی

- سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است
- در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.
- هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.
- برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.
- قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

جدول سودوکو

۶							۸	
	۳	۸	۹		۷	۱	۴	
	۲		۳		۸		۷	
	۴	۵	۶		۲	۹	۸	
	۶	۳	۸		۱	۷	۲	
	۷		۱		۶		۵	
	۵	۶	۲		۹	۴	۱	
۸						۲		

	۲		۵					
	۳		۷					
	۲							
۳								

۷								۶
	۶	۳	۹		۸	۲	۱	
	۱		۳		۷		۵	
	۵	۶	۱		۹	۳	۸	
	۳	۷	۸		۲	۴	۶	
	۹		۶		۳		۲	
	۲	۸	۷		۵	۱	۴	
۳								۸

هفت صبح
پنجشنبه | ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳ | شماره ۳۷۷۳

سوژه هفته
جدایی

ابراهیم افشار

تسلیت به «ماه‌عروس»، تبریک به «شاه‌داماد»

۱ اسطوره دمدمی‌مزاج در طلاق برای من «خلیل عمی» بود. گچکاری با چشم‌های قهوه‌ای روشن. شاید تنها آدمی در دنیا که زنش را با «شیر یا خط» طلاق داده بود. نوکرش بودم و نوکرش خواهم بود. پنجاه سال تمام هر روز باهم دعوا کرده بودند. شب‌ها یک تیشه می‌گذاشت زیر متکایش که دزد اگر آمد کارش را بسازد. حالا کل زندگی‌اش چی بود؟ یک ماله و دودست رختخواب و چند کاسه بشقاب بندزده و یک سماور نیکلای روسی. یک روز آنقدر از زندگی با سمنو خسته شد که گفت بیا شیر یا خط بیاندازیم. اگر شیر آمد به زندگی مشترک ادامه دهیم اگر خط آمد سوا شویم. ۱۵۰۰ تومان مهریه زنش بود. بچه هم نداشتند. آقا باور می‌کنی سکه روی فرش، سیخکی ایستاد و به زندگی مشترک خود ادامه دادند؟ دیگر به خلیل‌عمی سکه نشان می‌دادی تا جان در بدن داشت تعقیبت می‌کرد. با کلی فحش زشت و هر چی که فکرش را نمی‌کنی. سکه‌ای که چرک کف دست بود هم با او سر ناسازگاری داشت.

۲ اسطوره لجاجت برای من مدینه‌خانم بود. یک زن عاقله هفتادساله تنها و یالقوز. بچه روستای کیقباد شهرستان کلیبر. در طول جوانی خود ۴۶ خواستگار را از خود رانده بود. با فحش و فحش‌کشی و بیل و دسته‌بیل. من وقتی دیدمش هنوز زیبایی غارت‌شده‌ای پشت پوستِ نازکِ لپ‌های گُلی ارسبارانی‌اش برقرار بود و هرگاه عکس‌های جوانی‌اش را نشان می‌داد آدم کف و خون بالا می‌آورد. تلفیقی از مریم و شب‌بو و لیلاخانم. می‌دانی ۴۶ تا خواستگار یعنی چقدر؟ آن‌هم قدیم‌ها که بوی‌فرند معنا نداشت.

۳ اسطوره ضدجدایی اما برای من در شخص حاج‌علی حق‌پناه ساکن روستای جوجاده مازندران خلاصه شده بود که با ۲۶ همسر و ۱۹۵ فرزند و بیش از ۲۰۰ نوه و نبیره، سالاری خود را به رخ عَزب‌های زمان خود کشیده بود. مجسم کن یک شهر را حریف بودند و اگر آنجا آدم متاهلی به فکر متارکه می‌افتاد بقیه می‌گفتند «از روی حاج‌علی خجالت بکش». بله شرم کردیم.

۴ اسطوره «جدایی‌ساز» اما برای من «شیمبل» بود. تنها حزبی که در میان حزب‌های قدیم ایران مدافع سرسخت طلاق در میان مردان و زنانِ نساز و جدایی‌طلب بود. همان حزب شیمبل که کلی خاطرخواه قهّار در کافه‌ها و تحریریه‌ها جمع کرد اما بسیار زود از دهان‌ها افتاد؛ حزبی که پیش از آنکه سمپات‌هایش را پروانه‌وار دور خود جمع کند به خاک و خون نشست و پودر شد. شیمبل‌ها به عنوان یک انجمن ضدازدواج، بسیار زود از درون پکید. شیمبل‌ها اگرچه نام جذاب و کنجکاوی‌برانگیزی برای خود انتخاب کرده بودند اما به‌عنوان یک انجمن من‌درآوردی متعلق به تابستان ۱۳۵۵، چنان خسته بود که پیش از آنکه میلیشیای خسته‌جان خود را کامل عضوگیری کند از دم سقط شد و حتی در دایره‌المعارف شفاهی دهه پنجاهی‌ها باقی نماند. «انجمن شیمبل‌ها» متعلق به یک گروه ضدازدواج بود که مانیفست نهایی‌اش مجرد نگه داشتن جوان‌ها و البته تشویق متاهل‌های ناراضی از زندگی زناشویی، به طلاق بود. یک پناهگاه تخلیه‌کننده برای «عزب‌اوغلی»هایی که در ازدواج شکست خورده بودند. موسس این انجمن «شبه‌حزب» یک جوان دورگه (پدر آلمانی، مادر ایرانی) بی‌آرمان بود که با لودگی تمام، عنوان شیمبل‌ها - موسوم به «خوشبختان»- را به جمع خود اطلاق کرد.

۵ اینها قصه‌هایی از هجران‌های مردمان کف جامعه بود اما جنجالی‌ترین جدایی‌ها متعلق به جامعه هنرمندان بود. به‌ویژه شاعران که چنان زندگی هوایی- «فضا»یی داشتند که معمولا قید و بند چندانی نسبت به تداوم ازدواج خود نشان نمی‌دادند. اگر نیما با عالیه‌خانم ماند شاید داستان به شجاعت زن و ترس‌های مرد کم‌جان، ربط داشت. اگر شاملو دوتای اولی را طلاق داد و با پیدا کردن آیدا به خوشبختی ابدی رسید و موضوع عشق‌های اساطیری را سر زبان‌ها انداخت از دست دو همسر قبلی‌اش کم دیوانه نشده بود. اگر نصرت و فروغ و آینده، زندگی‌های زناشویی ناموفق و رهاشده‌ای داشتند برای این بود که اساسا داستان وفاداری به زناشویی در میان شاعران معاصر ایران، داستانی اُسّ‌وقُس‌دار نبود. نه تنها شاعران که در حالت کلی، زندگی با روشنفکران البته -چه زن چه مرد- بسیار سخت و توانفرسا بود. بانوی خیاطی که به رشت رفته بود تا دور از تهران خراب‌شده زندگی کند چگونه می‌توانست نصرت را که هیچ تعهدی نسبت به حتی سلامتی خود نداشت سر راه آوَرَد؟ یا پرویز شاپور با آن روحیه شکستنی‌اش که سنجاقک‌ها و سنجاق قفلی‌ها را زندگی نباتی می‌بخشید چگونه می‌توانست با موجود سرکشی چون فروغ تا انتها برود؟ یا «آینده»ای که عاشق زیستن در تیمارستان‌ها بود چگونه می‌شد در دامان زنی آرام یابد. یا همشهری ما پروین‌خانم (اعتصامی) با آن روحیه نازک شکننده‌اش تا کی می‌توانست در مطبخ یک نظامی سختگیر که دست بزن هم داشت پیر شود؟ بگذارید دیگر از سینما نگویم. این یک داستان غریب است جماعت.

نادر نامدار

خیانت به اسطوره وفاداری؟ چرا «ایلاری»؟

می‌گویند هیچ چیز برای آدم بدتر و تلخ‌تر از خیانت دیدن نیست و این تلخی وقتی بیشتر می‌شود که خودت تبدیل به نمادی از وفاداری و تعهد شده باشی اما از نزدیک‌ترین فرد در زندگی‌ات یعنی همسرت خیانت ببینی. این اتفاقی است که برای یکی از محبوب‌ترین بازیکنان تاریخ فوتبال جهان یعنی «فرانچسکو توتی» رخ داد.

در تمام سال‌هایی که برای تیم متوسط آ اس رم می‌درخشید و تبدیل به اسطوره این تیم شده بود، همیشه از باشگاه‌هایی بزرگ و متمول پیشنهاد همکاری داشت اما هیچ‌وقت تیم متوسط خودش با آن هواداران پرشورش را ترک نکرد. همواره به بهترین و نجومی‌ترین پیشنهادها پاسخ منفی داد و در تمام عمر فوتبالی‌اش در رم ماند، ۲۸ سال! حتی فکر کردن به چنین عددی هم آسان نیست. مقایسه کنید با بازیکنانی در لیگ خودمان که همین حالا سابقه بازی در هر ۴ تیم بزرگ فوتبال ایران و حداقل ده باشگاه دیگر را هم دارند و خودشان را پیشکسوت یکی از این ده پانزده باشگاه می‌دانند! در دوره و زمانه‌ای این چنین، ۲۸ سال بازی کردن در یک باشگاه که خودت هم می‌دانی قرار نیست افتخارات زیادی کسب کند، اصلا کار آسانی نیست؛ آن‌هم وقتی که هر فصل می‌درخشی و در پایان همان فصل‌ها پیشنهادهای رنگارنگ از راه می‌رسند و وسوسه‌ات می‌کنند... توتی شاید با ماندن در رم خیلی چیزها را از دست داد. مثل شانس قهرمانی‌های متعدد در لالیگا، لیگ قهرمانان اروپا و حتی فرصت کسب توپ طلاهای متعدد، اما چیزی که او با ماندن در رم به‌دست آورد، ارزشی فراتر از این جام‌ها و عناوین دارد. او حالا نماد و شمایل وفاداری در تاریخ فوتبال جهان است.

توتی فقط در فوتبال این‌گونه نبود. در فوتبالی که لوتار ماتئوس حداقل ۵ ازدواج رسمی ثبت شده دارد و تعداد مادران فرزندان کریس رونالدو با تعداد فرزندانش فاصله چندانی ندارد و هر روز یک نفر از یک گوشه جهان مدعی می‌شود که پدرش مارادونا یا پله است، توتی تا همین چند سال پیش فقط یک بار ازدواج کرده بود و به همسرش یعنی «ایلاری بلازی» هم مثل تیمش وفادار بود. البته فضای وسوسه‌انگیز فوتبال، در زندگی شخصی‌اش هم وجود داشت. او مردی فوق‌العاده جذاب و دلربا بود و به دلیل شرایط خاصش، به‌راحتی می‌توانست در زندگی شخصی‌اش با زنان دیگری هم رابطه داشته باشد، آن‌هم در کشوری مثل ایتالیا... اما او در زندگی هم وفادار بود و هرگز به همسرش خیانت نکرد و عجبا که این وفاداری برای او عاقبت خوبی نداشت و چندی پیش متوجه شد که همسرش به او خیانت می‌کند و بعد از ۱۷ سال زندگی مشترک از او جدا شد. گذشته از این که چطور می‌شود زنی بتواند با وجود مردی مثل توتی در زندگی‌اش، به او خیانت کند، این سوال مهم پیش می‌آید که چرا سرنوشت با یکی از شمایل‌های وفاداری در تاریخ معاصر، این چنین تا کرد؟

به جز توتی، یکی مثل «دیوید بکام» هم هست که سال‌هاست با «ویکتوریا» زندگی می‌کند و با این‌که شغل و روابط هر دو نفر به شکلی است که می‌توانند به‌راحتی به یکدیگر خیانت کنند اما بعد از سال‌ها هنوز این اتفاق نیفتاده و اگر روزی بکام هم به سرنوشت توتی دچار شود، فوتبالی‌ها عمیقا برای او هم ناراحت خواهند شد.

هر چقدر برای سرنوشت توتی افسانه‌ای دل‌مان می‌گیرد، از جدایی بعضی‌های دیگر اصلا ناراحت نشدیم و با خودمان گفتیم حق‌شان است و از این به بعد هم هر زخمی از زندگی بخورند، نوش جان‌شان! مثلا «جان تری»! بازیکن فوق‌العاده‌ای که با وجود داشتن همسر و دو فرزند، با همسر هم‌تیمی‌اش در تیم ملی رابطه برقرار کرد و باعث جدایی آنها شد! او نه تنها به همسر خودش بلکه به دوست نزدیکش «وین بریج» هم خیانت کرد و زندگی آنها را از هم پاشید. این اتفاق درباره «ماکسی لوپز» آرژانتینی هم رخ داد. او دوست نزدیکش یعنی «مائورو ایکاردی» را که تازه از آرژانتین به ایتالیا آمده بود، به خانه‌اش راه داد اما خیلی زود متوجه شد که این دوست نزدیک، با همسرش وارد رابطه شده است. لوپز از «وندا نارا» جدا شد و نارا خیلی راحت با ایکاردی نامزد کرد و الان سال‌هاست با هم زندگی می‌کنند. این زوج از همان زوج‌هایی هستند که آدم هر لحظه دلش می‌خواهد خبر خیانت یکی از آنها به دیگری منتشر شود و حسابی دلش خنک شود! بلند بگویید آمین!

سارا غضنفری

آن عشق و ازدواج مضحک در شانزده سالگی...

واقعا نوشتن درباره زندگی شخصی آدم‌ها و سرک کشیدن در مسائل پنهان‌شان سوژه چندان جذابی نیست. اما از یک سمت دیگر هم به ماجرا نگاه کنید. وقتی مشهور هستید و کل زندگی‌تان را آدم‌ها می‌دانند، خب مردم هم دنبال اخبار زندگی شخصی شما هستند. وقتی همایون شجریان ساعت ۶ صبح استوری می‌گذارد که خسته شد صبر ما! خب معلوم است جماعتی هم کنجکاو می‌شوند که داستان چیست. به‌عنوان کسی که خودش تجربه جدایی دارد و اتفاقا از آن دسته آدم‌ها بود که عکس سفر و مهمانی و خنده و شادی را در پیج شخصی خودش می‌گذاشت، طبعا روزی که جدا شد آدم‌ها و اطرافیان از او می‌پرسند پس چه شد؟ داستان چه بود؟! فضول هستند؟ خیر، کنجکاوند. همیشه جزئیات برای آدم‌ها جذاب است. بگذریم. اما درباره جدایی‌های جنجالی که به‌نظرم اصحاب سینما سردمدار آن هستند؛ جنجالی‌ترین جدایی برای من، جدایی فروغ فرخزاد شاعر و پرویز شاپور کاریکلماتوریست معروف است. داستان عشق و جدایی. فروغ سال ۱۳۲۹ با پرویز شاپور پسرخاله مادرش، با عشق ازدواج کرد و سال ۱۳۳۴ بعد از ۵ سال زندگی با وجود کامیار پسرش، طلاق گرفت. نامه‌های عاشقانه فروغ قبل از ازدواجش به پرویز موجود است که اتفاقا با همت عمران صلاحی و کامیار شاپور چاپ شد. حتی پس از جدایی هم پرویز از فروغ حمایت می‌کرد و تا آخر عمر هرگز نه از آن جدایی حرفی زد و نه دیگر ازدواج کرد. این جدایی در زمان خود، هیاهوی بسیار داشت؛ فروغ و پرویز که به‌رغم مخالفت خانواده‌ها با هم ازدواج کرده و به سرانجام نمی‌رسند. پرویز که نگذاشت فروغ بعد از جدایی، کامیار را ببیند و... بعدها فروغ در نامه‌ای به شاهی (ابراهیم گلستان) نوشت: «و خیلی کمتر از آنچه که در بیست و هفت سالگی باید بدانم می‌دانم. شاید علتش این است که هرگز زندگی روشنی نداشته‌ام. آن عشق و ازدواج مضحک در شانزده سالگی پایه‌های زندگی آینده مرا متزلزل کرد.» می‌گویند این جدایی تا آخر عمر فروغ را رنج می‌داد.

جدایی آزاده نامداری و فرزاد حسنی

ماجرای جدایی این دو مجری تلویزیون هم در زمان خودش جنجال بسیاری داشت. آزاده نامداری مجری مدل جدید تلویزیون که طرفداران زیادی داشت، در سال ۱۳۹۲ با فرزاد حسنی که او هم اسم و رسمی در مجری‌گری و مصاحبه با سردار رادان داشت؛ ازدواج کرد. در کنسرت فرزاد فرزین اولین‌بار این دو نفر این ماجرا را اعلام کردند. سیدحسن خمینی هم خطبه عقدشان را خواند اما به یک سال نکشید که جدا شدند و این جدایی جنجال‌های زیادی به همراه داشت. از عکسی که نامداری منتشر کرد با چشم کبود تا نامه‌ای که فرزاد حسنی در فضای رسانه منتشر کرد. اگرچه که نامداری بعد از آن مجدد ازدواج کرد و صاحب یک فرزند شد اما عمرش کفاف نداد و با خوردن قرص‌های زیاد جانش را از دست داد. طلاق این زوج، جنجال‌های فراوانی در آن سال داشت.

جانی دپ و یک پرونده باز

جدایی جانی دپ و امبر هرد هم در نوع خود عجیب و پرسروصدا بود. جلسات دادگاه که همه به صورت آنلاین دنبال می‌کردند. دپ و امبر هرد بازیگرانی هستند که از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ ازدواج کردند. تا اینکه امبرهرد، دپ را به خشونت خانگی متهم کرد. شکایت‌ها آغاز شد. دادگاه‌ها توسط هواداران و طرفداران دنبال می‌شد و در همین ایران هم بیشترین لایک‌ها در آن زمان مربوط به دادگاه‌های این دو نفر بود. اگرچه همیشه اکت‌های عاشقانه آنها را شاهد بودیم اما این بار شاهد پروسه عجیب و پر سروصدای طلاق‌شان بودیم. دپ از پروژه‌ها کنار گذاشته شده بود تا اینکه دادگاه به نفع او و دریافت خسارت رای داد. این طلاق هم خیلی حواشی و سروصدا داشت.

اگر بخواهیم زندگی افراد مشهور را جست‌وجو کنیم از این جدایی‌های جنجالی کم نداریم مانند به‌هم خوردن نامزدی بهروز وثوقی و پوری بنایی و ازدواج بهروز با گوگوش. که اتفاقا این اتفاق در صدر اخبار رسانه‌های آن وقت بود و هنوز هم کلیک می‌خورد. اما بهترین کار این است سرمان به کار خودمان باشد و بدانیم سلبریتی‌ها زندگی و جدایی‌شان با ما فرق دارد و همه چیز زندگی‌شان همیشه چنان در بوق و کرناست که خسته شود صبر آنها...!

مهدی افخمی

جدایی علی از مرضیه

حالا که تکلیف همایون مشخص شده و او خیانتی به سحر نکرده است و پای بچه‌ای هم در میان نبوده است، اجازه بدهید داستان جنجالی‌ترین جدایی زندگی‌ام را برایتان بگویم. همین چند وقت پیش بود که عکسی عاشقانه از سحر و همایون نشر شد و حالا بهت‌زده پیگیر داستان جدایی دو ستاره هستیم. سال‌های ابتدای دهه ۷۰ مادر من که از اهالی جاغرق طرقبه بود با پدرم که از روستایی در میانجام به نام کاریزنو بود، ازدواج کرد. نمی‌دانم چطور آوازه مادرم در آن روستای چند صد خانوار کوچک پیچید، اما زن‌های جاافتاده روستا دوست داشتند عروسی مثل معصومه داشته باشند که همه‌چیز تمام باشد. شاید به‌خاطر آن خوی آرام و متین و دوستدار همه بودن و دشمن خود بودنش بود که هیچکس از در خانه‌اش ناراحت نمی‌رفت و همه از او راضی بودند که به‌خاطر بزرگ شدن در کنار رودخانه و باغ بود و از خوی خاص و همه‌چیز را برای خود خواستن مردم بیابان خبر نداشت. مادرم به پیشنهاد یکی از اهالی روستا، مرضیه دختر خاله‌اش را برای علی، مکانیک موتورهای روستا خواستگاری کرد. روزی که برای طرح موضوع رفت را یادم است. از چند دره گذشت تا به خانه خاله‌اش صدیق برسد و توی آن ایوان چوبی کنار بوته‌های سماق و درخت زالزالک و توت نشست و گفت و بعد چند وقت من و حسن برادر کوچک علی مدام پشت وانت علی بودیم و راه جاغرق تا کاریزنو را می‌پیمودیم تا علی و مرضیه در یکی از کافه‌ها همدیگر را ببینند و برای ما هم یک بشقاب پر از نون خامه‌ای یا نارنجک بخرند. روز عقدشان را هم یادم است وقتی عاقد محل از داماد بله گرفت و او اصلا نمی‌دانست که دامادها هم باید به وکیل، وکالت دهند. اما دوران خوش همین روزها بود و با عروسی، داستان جدایی کلید خورد. قرار شد مرضیه در روستا زندگی کند و خانه قدیمی پدر و مادر داماد که حالا در پایین روستا زندگی می‌کردند آماده شد و روز جهازبران ۱۰ نیسان آبی از جاغرق عازم کاریزنو شدند. این صحنه را خودم دیدم وقتی نیسان‌ها دانه دانه با مادر عروس از کنار پاسگاه مالکی گذشتند و به سمت خانه نوعروس رفتند و اختلاف‌ها از همان چیدمان خانه شروع شد. از پشت‌بام خانه ما به پشت‌بام آن خانه قدیمی کاهگلی دوبلکس راه داشت و من با حسن که همین چند وقت پیش رفیق جینگ بودیم، حالا به دشمن خونی هم تبدیل شده بودیم و روی پشت‌بام خانه‌ها دعوا می‌کردیم. اختلافات آنقدر بالا گرفت که شب عروسی مرضیه پدرم ما را سوار کامیون ۱۰ تن‌اش کرد و به جاغرق آورد. خانواده عروس و داماد هر کدام جداگانه عروسی می‌گرفتند و بعد داماد به‌دنبال عروس می‌رفت. هنوز یک ماه نشده بود که هر کس برگشت روستای خودش. توی کاریزنو می‌گفتند که عروس ناشزه بوده است و توی جاغرق می‌گفتند داماد بیماری مقاربتی داشته است.

دادگاه در ترتب‌جام که تشکیل شد تمام مردهای جاغرق که نسبتی با عروس داشتند به آن دادگاه رفته بودند که دختر سیاسر تنها نباشد و خانواده داماد هم انگار تصمیم‌شان را گرفته بودند. دوران بسیار ملتهبی بود. هر روز نقل محافل علی و مرضیه بودند. مادرم دیگر زندگی در روستا را نتوانست تحمل کند و یک تابستان پدرم ماشین اداره کشاورزی را آورد و خانه‌اش را با یک وانت تاخت زد و اسباب و اثاثیه را جمع کرد و به مشهد آمدیم. مرضیه هم بعدش چندباری ازدواج کرد. مادرم هم آن جدایی بزرگ برایش درس عبرتی نشد و هنوز آدم‌ها را به‌هم معرفی می‌کند و هر دفعه که ما آن داستان جدایی را برایش می‌گوییم پشت گوش می‌اندازد. حقیقت را نمی‌دانم چیست. شبیه یک راز سر به مهر، هیچ‌کس دلیل اصلی آن عشق زیاد و آن جدایی بزرگ را نمی‌گوید یا لااقل به ما که آن زمان بچه بودیم نمی‌گوید. هر کس روایت خودش را از این جدایی دارد و آن قصه هم برایش کافی است و من هم از دور تنها حواشی و فکت‌ها را دیدم. اگر روزی نوولیست بزرگی می‌شدم حتما می‌رفتم از اهالی دو روستا در مورد آن عروس و داماد و داستان‌های بین آنها تحقیق می‌کردم و رمانم را با تمام جزئیات و حواشی تقدیم‌تان می‌کردم تا از لابه‌لای روایت‌ها حقیقت را پیدا کنید. جدایی کاریزنو از جاغرق درست شبیه داستان‌های سیاسی بود که تنها یک جمله توضیح داشت اما به روایت‌های متعددی بدل شد. آن زمان‌ها سریال در پناه تو از تلویزیون پخش می‌شد و اوج داستان زوج داستان ما بود و مردمی که از هر روستا به پشتوانه نفرشان در این دعوای خانوادگی وارد حریم خصوصی دو نفر شده بودند و عروسی تبدیل به یک امر اجتماعی شده بود. حسرت یاد گرفتن قالیبافی هم به دل من ماند چرا که مادر علی در خانه‌شان یک دار قالی داشت که به من تازه گره زدن را یاد داده بود و من با شور و شوق روزی هزار گره می‌زدم بر آن قالی و گاهی می‌نشستم با حسن پای تلویزیون رنگی سونی خانه‌شان که چشم‌نواز بود. چه زندگی‌هایی که داشتم و چه رازها و حقیقت‌هایی که از من پنهان شد و تا آخر عمر قرار است پنهان بماند.

حمید رستمی

کوچه‌های شهر پر نامرده!

۱ همایون شجریان را خیلی پیش‌تر از آنکه با آن استوری و پست اینستاگرامی شتاب‌زده سحرگاهی یک اردیبهشت دل‌انگیز بشناسیم، با تنبک‌نوازی جوانی نوسبیل به همراه پدرش خسروی آواز ایران و کمانچه سوزناک هابیل علی‌اف به‌یاد می‌آوریم که تصنیف مرغ سحر را در تالار وحدت تهران اجرا می‌کنند و پدر از بلبل پر بسته‌ای می‌گوید که آرزو دارد روزی از کنج قفس درآمده و نغمه آزادی سر دهد. هنوز مانده بود به زمانی که او همراه با صدای تنبک گاهی به خود اجازه دهد که طبعی هم بیازماید و در کنار صدای پدر زمزمه‌ای بکند و نشان دهد که صدای موروثی به او هم منتقل شده! او آرام آرام از زیر صدای پدر درآمد، تشخصی به‌هم زد، از نه دل سپرده‌ام به کس و نه کس سپرده دل به من و «چو تخته پاره پاره، رها رها رها من» بگوید و راه خود در میان دریایی از صداهای نامرغوب و خالتوری بازاری باز کند و خود را به نسل جوان بشناساند و هرچه سنش بالاتر رود صدایش به صدای استاد نزدیکتر شود تا آن حد که گاهی حتی توان تشخیص از کف شنونده برباید و در ادامه تلفیقی از موسیقی پاپ و سنتی ارائه کند! همه این‌ها شمایل هنری «همایون» را شکل می‌داد تا او با غور در اشعار معاصر به‌گزینی کند و در ترانه‌خوانی برود سمت شاعرانی گران‌سنگ چون سیمین بهبهانی، حسین منزوی و... از آمدن پاییز پی نامردی و پر شدن کوچه‌های شهر از نامرد بخواند و از دورانی که برخی سر کارند و برخی سرِ دار! او در سال‌های اخیر تمام تلاشش را برای ارائه کارهای درجه یک به مخاطبان در شکل و شمایل‌های مختلف از کنسرت تا کنسرت - نمایش و تیتراژهای سینمایی و سریال به کار بست و سعی کرد که چندان وارد حاشیه‌های سیاسی و اجتماعی نشده و در سکوت کار خود را پیش برد. درست برخلاف پدر که همواره سعی می‌کرد در بطن حوادث باشد و نظراتش را عریان بیان کند!

۲ سحر دولتشاهی هم پله‌های ترقی را یکی‌یکی بالا آمد و از یک نقش فرعی در فیلم چهارشنبه‌سوری (اصغر فرهادی) تبدیل به یکی از پرکارترین بازیگران زن سینمای ایران شد و در فیلم اخیرش «نبودنت» به یک بلوغ کامل در بازیگری رسید که حتی در سریال افعی تهران (سامان مقدم) هم آن را کامل می‌توان حس کرد و صحنه‌های مشترکش با پیمان معادی تبدیل به سوژه هر هفته فضای مجازی برای وایرال شده است. دولتشاهی انرژی خاصی که از خود به صحنه‌های فیلم اضافه می‌کند ناخودآگاه آن صحنه‌ها را از نظر کیفی در ذهن مخاطب بالاتر برده و کفه ترازو را به نفع خود سنگین‌تر می‌کند. حضور کوتاهش در فیلم آتابای (نیکی کریمی) و صحنه‌های رمانتیکش با هادی حجازی‌فر گویای همین نکته است که با کمترین دیالوگ و فقط با نگاه‌های خسته و مستاصل اتمسفر فیلم را به‌نفع خود تغییر داده و مخاطب را درگیر می‌کند و در آن صبح پایانی که بی‌خبر رفته، آتابای آنچنان حیران و سرگردان به این‌سو و آن‌سو سرک می‌کشد و جای خالی‌اش حتی برای مخاطب عادی هم احساس می‌شود چرا که او در صحنه ماقبل پایانی و در آن شب مهتابی در پشت‌بام، دور از چشم اغیار چنان روی قهرمان فیلم تاثیر گذاشته بود که نمی‌شد به این سادگی از زیر بار سنگینش بیرون آمد. دولتشاهی بازیگر موقر سینمای ایران شاید به‌زعم برخی دوستان هنوز آن شاه‌نقش کارنامه‌اش را بازی نکرده باشد اما حتی حضورهای کوتاهش در فیلمی مثل طلا و مس هم غیر قابل چشم‌پوشی است و البته نقش‌های مفصلش در عرق سرد و وارونگی (بهنام بهزادی) نشان می‌دهد که به‌راحتی توان به دوش کشیدن کل بار عاطفی یک فیلم را داراست!

۳ شب یلدا (کیومرث پوراحمد) با خداحافظی دردناک حامد با زن و دخترش در فرودگاه آغاز می‌شود. زنی که در لحظات آخر وداع، شرمسار از اتفاقاتی که در آینده رخ خواهد داد دچار نوعی عذاب وجدان مقطعی شده و حامد که تمام مسیر، از فرودگاه تا خانه را اشک می‌ریزد و رانندگی می‌کند و در خیابان‌های خلوت تهران ترانه ماندگار ویگن را از ضبط ماشین گوش می‌کند و در خود می‌شکند: پس از این زاری مکن، هوس یاری مکن، دل دیوانه... دل دیوانه! اما او هنوز به آستانه فروپاشی نرسیده! امیدوار است و منتظر! چشم انتظار صدای زنگ تلفنی که یکی از آن سوی خط بگوید: دوستت دارم، دوستت دارم، دوستت دارم و برمی‌گردم یا منتظرتم تو بیا! روزها و شب‌ها از پی هم می‌گذرند و اتفاقات بد یکی‌یکی پشت‌سر هم قطار می‌شوند تا اینکه بشنود: «مصلحتی است!» حالا دیگر حامد چیزی برای از دست دادن ندارد و حتی دلداری‌های مادرانه که «زنت از ایران نرفته از این خانه رفته!» و اینکه هر اتفاقی یک روزه شکل نمی‌گیرد حتماً یک «قبلاً» داشته و قبل‌تر و قبل‌تر و اینجاست که حامد به مکاشفه در گذشته‌اش برمی‌گردد، فیلم‌های قدیمی را چندباره می‌بیند، نگاه‌های خسته و نگران و پراسترس زنش را با دقت زیر ذره‌بین می‌برد.

شعرهایی که می‌خواند، اشک‌هایی که می‌ریزد، خنده‌هایی که می‌کند، یعنی همه آنها دروغ بود؟ الکی بود؟ اینجاست که خانم فردوسی به دادش می‌رسد و راه را نشان می‌دهد. اینکه دردهایت را برای خودت نگه‌دار و آنها را با دیگران به اشتراک نگذار! برای خود سرمایه‌ای کن تا قوی‌تر شوی!

۴ گاهی رفتن‌ها نه از روی هوس است نه عطش! فقط راهی است که باید پیموده شود تا از آن جهنم‌دره‌ای که در آن گیر افتاده‌ای بگریزی! حالا همسفر هر که باشد خیلی در حالت تفاوت ندارد! فقط کسی که رنج بی‌کسی‌ات را در تو کمتر کند و گاهی بتوانی به شانه‌اش تکیه بزنی! هانیه در سنتوری (داریوش مهرجویی) رفتنش این شکلی‌ست. او حالا اگر حتی عاشق علی هم نباشد ولی هنوز ته دلش دوستش دارد و دلش به حالش می‌سوزد. آنجا که رو به محبوب امروزش از علی آن روزها می‌گوید که کل تهران از خانی‌آباد تا تجریش نامش را صدا می‌زدند و با آهنگ‌هایش حسابی خوش بودند، اینکه آن‌قدر زدند توی سرش تا سری بالا نگیرد و مجوز کنسرت و آلبوم ندادند و رفته‌رفته منزوی‌اش کردند تا پناهنده افیون شود و آن روزهای رویایی را در دنیای خاص نشئگی جست‌وجو کند. هانیه حالا هم با دیدن علی دلش می‌لرزد و قدم‌هایش سست می‌شود. هرچند که از راه برنمی‌گردد ولی آنقدر ذاتش نیکوست و زنانگی دارد که گوشی طرف را بگیرد و شماره پدر علی را پیدا کند و خواهش کند که علی را به حال خود نگذارد. آدرسش را می‌دهد و در خود می‌شکند. این سرنوشتی نبود که خودخواسته رقم زده باشیم، هرچه هست جوری جبر زمان و مکان است! چرا که همه‌جا خانم فردوسی‌ها در دسترس نیستند که قوت قلب داده و شما را با استعدادهای خودتان آشتی دهند!